

«جبل اللین کلکتہ»

«میکل کالج استریت غیر»

«ولیت امور اداره با»

«مدیر کل مؤید الاسلام است»

«منتظم اداره»

«آغا محمد جواد شیرازی است»

«هر دوشنبه طبع»

«سه شنبه توزیع میشود»

«بتاریخ دوشنبه»

«۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۳»

«مصادف با»

«لا مرکس و مر با بلا استثناء بونه اخبار»

(مقدم گرفته شود)

«روزنامه مقدس»

کابل اللین

«سنه ۱۳۱۱»

«قبل از دریافت نمودن قبض اداره»

«قیمت اشتراک»

«سالانه — شش ماهه»

«هند — و برمه»

«۱۲ روپه — ۷ روپه»

«ایران و افغانستان»

«۴۰ قران — ۲۵ قران»

«عثمانی — و مصر»

«۵ عیدی — ۳ عیدی»

«اروپا — و چین»

«۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک»

«روس و ترکستان»

«۱۰ منات — ۶ منات»

«۱۶ جون ۱۹۰۵ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات»

«در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود»

«مراسلات تام الملقمه مقبول و در انتشارش اداره آزادست»

فهرست مندرجات

- سیاسی • مکتوب یکی از ارباب غیرت • جدر آباد •
- جبل اللین • مکتوب از فسا • پارس • مکتوب یکی
- از علمای اصفهان • هرستان • بوشهر • مکتوب از
- دزفول • ایضا • جزئیات طایفه کلبات است • قابل توجه
- بزرگان ایران • طوفان نوح با عطش اکبر • غنای ژاپون
- از جبهات روس • چگونگی سرداران ری روس •
- اصلاحات وزارت جنگ • مکتوب از بوشهر • وقایع
- مختلفه طهران • مسافرت هیونی • تکرکات •

سیاسی

بمجردیکه شور جنگ در اقصای شرق سرد شود با کمال حدت مسئله مهمه آسپای و ملی موضوع بحث خواهد گردید. انگلیسان که ارقدرت و قوت و جبروت روس در پیشرفت مقاصد خود چندان اقدام به پیشقدمی نمیکردند. حال که حرف خورش را ضعیف دیده و بخود مشغول یافتند چهار اسبه بدان میدان در تکاندند کبسیون سرحد بندی سپستان و فیصله رود هریند و مسافرت لارو کرزن فرماخرمای هند بخلیج فارس و برخلاف معمول از دیاد امام فرماخرمای ایشان در هند و معاودتشان از لندن پهنهستان و کبسیون افغانستان و تجدید معاهده با امیر حلیه و کبسیون نخلوق هند که باران رهسپار شد و تجدید گنگوی

منازعات سرحدیه بلوچستان - همه مانی از این مساعده سهم وحاکم بر این عنوان اهم است - شک نیست که اگر دولت روس دچار جنگ اقصای شرق نشده بود - نه تا ایندرجه انگلیسان متوجه وسط آسیا میشدند و نه تا این پایه جسارت میورزیدند و نه این قدرها مقضی المرام میکردند - میتوان گفت که اگر چنین حادثه غیرمنتظره برای روس پیش نیامده بود پلنیک دولت انگلیس در وسط آسیا هرگز این درجه پیش رفت حاصل نمیکرد در حال افغانستان به تجدید معاهده با امیرحلیه بهمان شرایطی که مسقر (دیورند) با امیرتوفی نموده بود قناعت کرده - اطمینان حاصل نمودند که با آن معاهده افغانستان نمیتواند سر از چنبر اطاعت انگلیس بیرون کند - دولت روس نیز با آن معاهده میتواند جنگلی باافغانستان نداید - مگر اینکه علناً عماره با انگلیسان را آماده شود ظاهراست که باین زودبیا دولت روس مسمم چنین جنگ بزرگی نتواند شد - و قنایستایم بملاحظات عده طوعاً یا حکرماً مخطی از فصول عهدتایجت سابقه و لاحقہ نمیتواند نمود -

پس میتوان تسلیم کرد که دولت انگلیس در ماده افغانستان با دیرباز آسوده وفضلاً هیچگونه کشویشی در معاملات آنمملکت او را در پیش نیست - به این امر توضیح واضحات است که دولت انگلیس تماماً از مخالفت افغانستان خوف و جی نداشته و ندارد - بهم انگلیس عماره این بود که افغانستان باین از دو دولت همسایه خود روس و ایران

افغانستان با این همسایگان جسور قوی باصلاحه قادر بر تکمیل استقلال خود نبود. بهترین اختیارات آن بود که امیر عبدالرحمن متوفی نمود. و اعلیحضرت امیر حبیب الله خان را بهترین مسلك سیاسی پیروی از خطبات طالبه والامجد خود و اتحاد با انگلیس بود که نموده است ملکه مدیکاسر که اطاعت از فرمان فرامه بود چه نتیجه بخشید. سلطان مراکو که خود را در خود و قدرت و استقلال دولت مغارالپها هو و مات کرد چه نمر جید. اگر امراض پلتیکی (آمان) خوار راه فرانس نباشد دیری نمیگذشت که سلطان مراکو نیز همچو ملکه مدیکاسر میگردد. مقصود این است که مغریسان هموا در يك خط سیاست و پلتیک کار میکنند و همه را منزل مقصود يك قطعه است. چیزی که هست هر يك بیک طریق خاص و مسلك مخصوصی این راه را میپایند. هرگاه طرفشان زیرک و وطن مانده امیر مرحوم افغانستان باشد. قوه پلتیک چندی خود را نگاه داشته خویشتر را ترقیات ظاهری میدهد. بهر حال حالت امروزه افغانستان نسبت بیک قرن گذشته از هیچ حیث پستتر میباشد بلکه میتوان گفت تا درجه بهتر است

ایران - چند موقع اهم را از دست داده است که اول در جنگ روس یعنی بهرامی انگلیسان و وعده های غیر موفی آنها چشم از اتحاد ناپلیون اعظم و دنیا دنیا منافع پلتیکی آن پرشید. ورنه امروزه در مقام شاهنشاهی آسیا مسلم تل بودی. وصوه بزرگ قفقاز او و ماوراءالنهر و افغانستان تا سرحدهند و پنجاب در قبضه ما بود. از همه بالاتر ملت نجیب باذکوات ایران در سایه اتحاد با فرانسویان این همه از ترقیات متقضیه وقت عقب نمی ماند. آن موقع را که اندروی عدم بصیرت و تجربه از دست دادیم گویا گوی ترقی را از کف داده و از همه چیز محروم شدیم صد سال باید پیش باشیم بهمان مقدار عقب رفتیم

دومین موقع مصالحه میشومه بود که در پاریس بعد از فتح هرات و بی خبر آمدن جهازات جنگی انگلیس در خلیج فارس نمودیم. در آن میدان نیز از جهالت وزراء بی بصیرت راحت دوست عبداللطن جاه طلب تا ای قافیه را باسنه سلب حقوق حاکمیت خود را از افغانستان عمده بدان خواری و مذلت صلح کرده عهد نامه بستیم. هرگاه در آن موقع ازک قشون موجوده هرات را برداشته و موقتاً از یکی دو بندر که انگلیسان متصرف شده چشم پوشیده بودیم. و بدخله افغانستان و سرحد هند سرانجام می شدیم دولت انگلیس مجبور بود

اتحاد نموده در مقابل وی بایستد. اما روسی که بخود مشغول شد. و ایران از بس درطام بر خیالی قدم زد از جرکه شکاریان خارج و در قطار شکاراش بشمار می آوردند. ازین روزه افغانستان قائده خود را در اتحاد با ایران می بیند. و نه انگلیسان امروزه خوف از همراهی ایران با افغانستان دارند. و این امر هم مسلم است که بک تنه افغانستان هرگز بخيال مخالفت انگلیس بر نخواهد خاست

یکی از حرلذ روسیه می نویسد. که انگلیسان در معاملات پلتیکی شعبه ها دارند. و همان قسم که بزرگان اطفال را به اسباب بازیچه و عر و سگ کول زده از خودواخی می دارند انگلیس نوسان سیاست و جوانان کم تجربه پلتیک را به اسباب بزرگ بدون رسم فریفته نه تنها از خود راضی بلکه فریفته و متدهکگر می سازد. مثل لقب پادشاهی که بامیر جوان جوان بخت افغانستان داده شده لقب سلطنت بر سلطان در صورتی صادق تواند آمد که دیگری را بر او تسلطی نباشد. اطرت خود مختاریکه بتواند نمایند خود را بهر دربار گسیل دارد. و سفرای دول را در خاک خود طلب نماید. و معاهدات تجارتی و پلتیکی بندد. و منافع ملکی و ملی و دولتی خود را حاصل کند. بر انگلیسکه دارای هیچیک از این اختیارات نباشد بمراتب بهتر است. قائده امیر افغان در استحصالی اینگونه اختیارات بود. نه لقب پادشاهی. چه در سایه حصول این اختیارات پادشاهت حقیقی حاصل نموده. و در عدم اینگونه اختیارات سلطنتهای مصنوعی باقی نتواند ماند

اخبار مذکور اگر چه از روی منافع پلتیکی خود درین موضوع سخن رانده ولی عنرانی بصدق نگاشته. چه در هر صورت که ملاحظه شود دولت انگلیس نسبت برطابا و امرای زیر دست خود بعد از امریکا بهتر از سایر سلاطین مغرب زمین سلوک می نماید. خان خیرا و امیر بخار را در وسط آسیا همان مقام منبع افغانستان بود. و در متن واقع در یک درجه و حیثیت شناخته می شدند. این يك در سایه سیاست انگلیس آمد و آن دو در برتر پلتیک روس واقع شدند. چون ملاحظه میکنیم اقلاً این يك باسم سلطنت رسید ولی آنها از شئونات اطرتهم محروم ماند. اگر این پادشاهی باسم دارد. آنها اسم اطرتی بدون مسمی بر خود نهادند. دولت انگلیس سالاه يك ملیون و هفتصد هزار روپیه باین میدهد. دولت روس چنصمقابل این مبلغ از آنها میگیرد. این در معاملات خارجه مختار نیست. آنان در امورات داخله هم آزاد نمی باشند. در صورتیکه

مقتضات را نیکو از پیش می برند ولو آنکه تسلیم آن خوب نشود باز هم بی نتیجه نمی ماند. لطف این است که انگلیسان از بس درین مواد مشق دارند و در این کارها هوشیار به ندوت مجشان گیر می آید و مشتشان باز میشود

یکی از سیاستیون را عقیده این است که اگر رجال دولت ایران هوشیار باشند. باندازه که ژاپون از جنگ اقصای شرق فائده برده فائده حاصل خواهند نمود

اعظم تکالیف سیاست دولت ایران این است که با ژاپون معامله تجارتي بندد. وزیر مختار ژاپون را در طهران طلب و سفیر خود را در (توکیو) گسیل دارد. و در مواد تجارتي از ژاپون مراعات کند. و راه آمد و شد جهازانشان را در خلیج فارس مفتوح دارد. و هر قدر از خارجه مستخدم بخواند از ژاپونیان جلب کند. اداره حربیه خود را در تحت افسران ژاپونی بوضع جدید ژاپون مرتب دارد. ازین و بعد هیچ گونه امتیاز خاصه اروپاییان ندهد. و آنان را در هیچکار مستخدم نگیرد. و وضع ادارات ملکی و تجارتي و حربی و ملکی خود را از ژاپون سرمشق گرفته که خیلی کم خرج و بالا

نشین است. ترك فرستادن جوانان ایرانی را برای تحصیل اروپا نباید تحصیل جوانان ما در اروپا اول دعوت به بی دینی و آزادی بیبسی و فساد اخلاقی ملی و طرف داری همسایگان ما روس و انگلیس میباشد. بد عملی و زشت کرداری در اروپا باندازه کسب همومیت نموده که خارج از امکان است که جوانان ما هر قدر فرشته خلعت باشند چون از اروپا برگردند فساد عقیدت و اخلاقی را برای ملت ارمغان نیاروند. از همه گذشته در مدارس اروپا شالوده تعلیم را از روی پلنیک قسی نهاده که هر کس در آن مدارس چندی تعلیم یابد ذات و خواری اهالی آسیا عموماً و اندام و نهاد مسلمانان خصوصاً در قلب او جای میگردد. و نفسی ملت و دولت خود که مایه فقر و مباحثات او شناخته می شوند در نزد او ذلیل می نماید که بقا و دوامش را هرگز خواهش نمی نماید بلکه اسباب خفت و خواری خود می شمارد. همه سبب حیانت و اختلاف در میان دول آسیا همین نکته اهم است.

دولت ایران راست که بنوا نهادی مسئولیت در دهد یعنی قانونی بالمساوات که احدی از او مستثنا نباشد بین رعایا جاری دارد. و شالوده تعلیم ملی را به نیکوترین اسلوبی بیک وضع در جمیع مملکت جاری و در بد افتخار خود نگاهدارد. و مصارف تعلیمه را بر مالیات باندازه ضرورت بالمساوات سرشکن کند. حتی در دمات و قرآن

هر چه میخواستیم بدهد. و اقل نفع آن بود که مواد معامله نادر شاه با محمد شاه هندی و همان سرحدی که در آن زمان معین شده بود در معرض اجرا و موقع تداول آید چه اولاً انگلیس را قدرت پیشقدمی بداخله مانع بود. چنانچه چند میل بالای پوتنر آمد و بسزای خود رسید. و چون بلوای عمومی در هند بود ورود سی هزار قشون ایران بسرحد هند سلطنت انگلیسان را درین مملکت وسیع متزعزع می ساخت. بجای آنکه انگلیس از در مدافعه در آید اهالی هند لشکرکشان ایران را استقبال میکردند. در آن وقت انگلیس مجبور بود که جمیع خواستهات ما را منظور نموده و صلح نماید. در آن صورت نه افغانستان از دست ما میرفت. نه بلوچستان هندی پیدا می شد. نه در مسقط و گوادر و امثال آن بی حق می شدیم. چون در آن زمان دولت روس ما را با المهر را متصرف نشده بود همان نیرو حق حاکمیت و شاهنشاهی ما در آن مملکت نیز باقی می ماند. از آن بعد نیز بعضی مواقع حکومت بدست آمد چون مختصراً ما غرق جهالت و عیش و نوش و تن پروری بودیم نتوانستیم فائده حاصل نماییم

قبل از جنگ اقصای شرق و گرفتاری روس بدین پایه عظمی جمیع سیاستیون را عقیده این بود که اساسی دولت روس در ایران چیده و قسقه کشیده که بدون حرکت دادن یک فوج ملک و ملت و دولت ایران را تحصیل برد. اگر چه انگلیسها بملاحظه منافع خود بجز خواهی ایران در عدم پیشرفت مقاصد روس جانشینها داشتند ولی نه باندازه روس جلو و انگلیس عقب افتاده بود که پیشرفتش متصور باشد. ولی جنگ اقصای شرق خیالات روس را چهل سال عقب انداخت و باز دولت ایران را مهلت خدادادی رسید اگر برایگان از دست ندهیم از طرف دیگر ملاحظه میشود که انگلیسان چهار اسب ارجهار طرف برای پیش اداختن حثک پلنیک و اضافه قوذ و رسوخ خویش بر رقیب خود ایران روی آورده. از طرفی بجلب امتیازات سامی اند. از جهتی در ابطال اختیارات رقیب کوشان. از طرفی تجارت خود را ترقی میدهند. از راهی سرحدات خویش را پیش می برند. کوششهایشان هم از طرق مختلفه است. گاهی به نشر پیش می آیند. گاهی بخلق پیش می افتند. وقتی ملای شورانند. زمانی رعیت بر می انگیزند از همه که مایوس شوند بسد بدلتان بابی و ارمی میزنند. چون انگلیسان در پیشرفت مناصب خود زیاده بر آنچه تصور شود بولد خرج میکنند

ازین موضوع است به ترقی و انحاء ما مائل میباشد. ولی تا جائیکه همسایگان ما را مقدرت باشد نظر فوائد طویس ما را از انحاء و روابط با ایران باز خواهند داشت. و مواجیش خواهند آورد. ولی مرگه این موقع اهم که ایرانیان را فرصت خدا داد است باز برای ما از دست رود بدین زودی اسباب نجات از چنگ همسایگان فراموش نخواهد آمد. چه در صد سال چنانچه ذکر کردیم دو مرتبه بیشتر موقع ترقی برای ما فراموش نیاید. و درین قرن گویا اول و آخره موقع است که نباید برای ما از دست دهیم. و وقت را به بطلان گذاریم که پیشانی را سودی حاصل نخواهد بود و تیر از دست رفته باز نخواهد گشت چنانچه در آن دو موقع از دست تیر مراد مانده اند و تا ابدالله باید کف افسوس بسایم

مکتوب یکی از ارباب غیرت

رساله (ده و دو دوره و دو) نام فرانسوی که در پاریس طبع می شود مقاله را که بعنوان ایران و روس نوشته در سوم شباط افریخی (۱۹۰۵) مسیحی در صفحه ۳۰۲ و فصل هشتم درج و نشر نموده عیناً ترجمه او را برای درج در نامه مقدس مینگاریم

(ایران و روس)

از دیدگاهی مطمح نظر حکومت هند و اس اسلی که پیش نهاد خود نموده اینست که کلیه ممالک داخله شرق و وسطی را در حال یک دریاچه انگریز افترغ نماید فی الواقع اشغال یکی از سواحل اروپا قوای بحری در حکم است که سر رشته بیخ جو و آب را جهت باز نمودن بدست آوردند لذا مسئله خلیج فارس در نخستین درجه کسب اهمیت و نزاهت نموده و در این خلیج سواحل جزیره العرب داخل این مسئله نیست. زیرا سواحل مذکوره تا یکدرجه سراسر مال انگلیس شمرده میشود چون اراضی امام مسقط عسکه در جنوب خلیج فارس واقع است حلقی را عسکسب نموده که در تحت حاکم انگلیس محسوب است (کویت) را هم علی العاده در زیر اداره در آورد و فابین مسقط و کویت سواحلیکه در دست (دزدان دریای - قوروسان) یعنی مشایخ عربان چه قدر خورد و چه بزرگ میباشند از هرجهت دو تحت خود شیخ (کویت) و حکم مسقط زیست مییابند لذا بالطبع مطمح و مقنات حکومت انگلیس خواهند بود جهت و سبب مستغنی که این وضع را بمیدان و جز وصول در آورد سیاست سیاسی لورد (کروفت) در سال (۱۹۹۲) میلادی بود و زمام اداره آمده های بحری را عسکه در قرب این سواحل واقع است حکومت هند بکاره تحت اداره خود در آوردن میخواهد.

و ایلات اصول تعلیم را بحری دارد. و مانع از هرگونه حیض و میل در وجوه تعلیمه شود. و تعلیم ملت را تا اندازه خواندن و نوشتن زبان ملی که فارسی است اجباری قرار دهد. و جمیع افتخارات و امتیازات و عهد های دولتی و ملتی را برای تشویق ملت در تعلیم منوط بلیاقت و درجات علمی ابناء وطن مقرر دارد. و جز مدارسیکه شاگرد برای عضویت وزارت خارجه تربیت نیاید در مدارس ملی ایدان زبان خارجه تعلیم نشود آنچه ملت را ضرورت و عاقله ترقی عوام نموده علم است نه زبان. وزارت معارف را لازم است که یک اداره مخصوص از فضلا و علما تشکیل داده تا علوم مروج و صنایع لازمه را بزبان فارسی ترجمه نموده کتب تعلیمه مدارس ملی را یک وضع ترتیب دهند. ترجمه کتب تعلیمه مدارس فرنگ ایرانیان را ایدان قائده نمیشد چه آنها به مقتضای طبایع ملت خود آن کتب را ترتیب داده و خیلی منافی است با طبایع اهالی ایران. ما جز ترجمه علوم هیچ چیز ضرورت نداریم. حق الامکان بلید الفاظ خارجه را در زبان فارسی شامل نه نمایند. و سعی شود که دو فارسی برای لغاتیکه دارند لفظ پیدا کنند. و در صورت ضرورت مفاهیم الفاظ خارجه را بقالب فارسی در آرند تا تداولش بزبان دشوار نباشد. و کتاب لغت کامل مصور در زبان فارسی مرتب سازند. و همساله لغاتیکه در زبان زیاد می شود ضمیمه آن کنند و اداره مخصوص برای احداث و حفظ انبات لازم است. و هر لغت را بهر قسم که آن اداره مخصوص استعمال نمود اهل قلم اقتباس کنند و در وضع املا و انشاء یک اصول و طریق سهل اختیار کنند. و مدرسه خاص برای آماده نمودن معلمین افتتاح دارند. مدارس فلاحه - تجارت - صنعت با آلات و ادوات لازمه برای تعلیم و تجربه افتتاح دارند. امروز هر قدمی که در راه علم گذارده شود گویا صد قدم ملت و دولت جلو رفته اند. او این اساس ترقی ملت و دولت تعلیم است. و هرگاه ضرورت باشد که جوانان خود را برای تکمیل تعلیم و تجربه بخارجه فرستند ژاپون بهر جهت اولی واسب بحال است. اول آنکه اخلاق آنان تا کنون فاسد نشده و منافی با مذاق آسیائیان نمیباشد. دوم تعالیم خود را چون سائر اروپائیان تا اندازه از ما دریغ نمیدارند. سوم مصارف جوانانیکه ما برایون برای تعلیم فرستیم نسبت با اروپا نصف خواهد بود. مسلمانان از ژاپون نسبت بهول اروپا بهر جهت و هر طریق پیش تر فائده حاصل توایم کرد و تا ژاپون بود در ملک و ملت ایران غلبه قوت حاصل نیاید. ما کلام خود را از آب کفیه و لایون تانی ندیده ایم و امروزه ژاپون نیز بمقتضیات سیاسی که خارج

اما بساحل شرقی خلیج فارس با این طرز و ترتیب
 دوازده سنی و تعرض کردن نمیتواند - چونکه سواحل
 مزبور به کلی در تحت فرمان و اداره شاهنشاه ایرانست
 مثلاً مقصود و آرزوی حکومت هندوستان آنست که
 امپراطوری ایران را بخود پیوندد - حال آنکه از قوه
 فعلی آوردن این مافی الضمیر از برای انگلیس تولید
 میکند حرب دهمشنگی را با روس - روزگار درازی در
 مقابل روس (که آمده است آمده است میخواست ممالک ایران
 را به بله) انگلیس حاضر اقتدار نداشت نبود - چون
 بزرگساز در وصیت و - و در العملی که جبهه سلاطین
 روسیه نکاشت این خط حرکت را تعیین نموده نظر
 بنهاد وصیت نامه مذکور جبهه ضربه زدن به اقتدار
 عسکری و ثروت ملی انگلیس لازم افتاده است حکه
 روس از میان خاک ایران گذشته و مخربی در بحر
 محیط هندی بپنک آورده - بجاه و چند سال قبل زار
 روسیه (نکولای) اول جبهه آنکه قوه انگلیس را که در
 ایران حکم فرما بود یکباره محو و ناپید نماید در خیال
 و آرزوی عقد یک معاهده خصوصی باشاهنشاه ایران
 ناصرالدین شاه منظور افتاد - لکن عهده (قریم) نخل
 این آرزو را سرنگون و خویسای او را ناداناً بپناه
 یک رؤیای خوشی بجای خود رها نمود - ولی
 آرزوی توسع ملک که در میان دول معظمه بروز
 نموده دولت روس را تخریبی یک طرز و طریق دیگر
 بسر افتاد - لذا روسیه بدین نقطه نظر جبهه استیلای
 ایران با کمال گرمی و فعالیت آغاز بکوشش نمود - همینکه
 دید خزانه سلطنت ایران که از درآم و دینار پناه و
 ثروت و غصب بوجود آمده بود بسبب تبخیرات بیجا
 تهی گشته و رو به تنزل گذارده از برای خود فرصت
 همرده نزدیکان سلطنت را جهت محو و پر نمودن
 خزانه ظاهراً از در طلبخواهی بدینگونه راهپایی نمود
 که اعمار ملک بسته بجمارت و ترقی تجارت موقوف به
 تسهیل سوقیات و کثرت محصولات است - پس باید راه
 ساخته و به مسادن رسد بت شود تا بر ثروت ملک
 و ملک افزوده و خزانه معمور گردد - بدین ترتیب
 و فنون برخی امتیازات تحصیل و آنچه مضر ملک و
 ملت بود اجرا و آنچه نافع بحال ملک و دولت بود
 از راهها و معابر مهمه و معادن و غیره تا لی الآن

ابداً هیچ يك از آنها را بموقع تطبیق در نیلورده
 سهل است سد سبیدی در پیش ترقیات ملک و ملت
 ایران کشید - علاوه بر آن گذشته از آنکه حکمدار و
 اهالی دربار را بغرونی از خود مجبور نموده در اداره
 عسکری ایران پنجه بند کرده و داخل ادارات ملی
 شده رفته رفته اداره ملکیه و عسکریه را بحال دلخواه
 خود در آورد چنان نمود که دولت ایران در ددبای
 ملاذدران دارای يك كلك و کرو که قایق بوده باشد
 نتواند شد (بقی دارد)

حیدرآباد دکن

روزنامه (مشیر دکن) مورخه شنبه ششم ربيع الثاني
 سنه (۱۳۲۳) نوشته است (از سرکار نظام پالسد روسیه
 بطور رخصتانه بجهت (کلید برادر کربلای علی)
 مرحمت شده و حکم صادر گردید)

حبل المتین

نمیدانم کدام (کلید برادر کربلای علی) بحیدرآباد
 دکن وارد شده که ما تبریک و رودش بنایم - از
 وقایع نگاران حیدرآباد ملاحظه که از احوالات کلید
 برادر مذکور اداره را مطلع سازند

مکتوب از نسا

فاد منیمة رشیقة (اما بنیمة ربك فحدث) و
 کریمه عیمة (ان شکرتم لازبدنکم) و جواباً تفکرات
 حق و امتنانات صدقه خود را بنیمة شهود میسایم
 امساله نیز از اقراط بذل توجهات کامله قوه باسره
 شاهنشاه و مردمک ناظره خدیو جبهه بین گورم درج
 خسروی مبین نیز برج عسکری شاهزاده آزاده
 شعاع السلطنه ابد نصره و شد نصره

(اجل ملوک الاوض عدلا و ربه)

(و از مهم مجدأ و اشهر هم قدأ)

حکومت (نسا) و توابع بجناب مقتدرالملك مبذول گفت
 مغزی لبه روزی چند خود به تفه عنی راحت ریاض
 و برای در قصبه نزول چندان دو حفظ و حرز احوال
 و اقس عوم از خاص و عام مسامی جیه و مجاهد
 جزیه نمود حکه پایش از چیز تحریر بیرون و از
 حوزه تحریر فزولست

آن اسد اسود به میزانی داد داد داد که از

و ملاقات آنچه از خیالات انجمن استخراج شود هرگز خواهد بود

مکتوب یکی از اهلای اصفهان

این امر مسلم است که ترقی و تقوی هر ملت بسبب روزنامه‌های آزاد است - که آنان را از مصالح خیره و مفاسد سر به آگاه ساخته عقول صافیه و هم پایه را بمقام کار آورند - در این صورت اول شرط روزنامه نگاری بعد از علم این است که نویسنده جریده خود را از صفات رذیله مذهب نماید - و ابدأ ملاحظه منافع شخصی و فوائد نفسانی را منظور ندارد - تا بتواند از عهده این تکالیف مهمه و امانت مقدسه بر آید - و باعث شوق افراد ملت به آن جریده گردد - چه اگر قوس بشریه در سخنان کسی کلمات واهی و اکاذیب جعلیه یافتند سائر کلمات او را هم حل بر آن کنند و فوائد کلمات صحیحه هم از میان برود و آن فرضیکه از روزنامه نگاری مقصود است حاصل نگردد ورنه با هدر شود

علم الله تعالی شاه در جریده مقدسه جلال اللین ابدأ ملاحظات شخصی و منافع نفسانی دیده نشده و مدح و قدح مرضانه خواننده نگردیده است - هرگاه در امری عکس خلاف داند و اداره بنویسد ولو منعت شخص مدیر باشد بمقتضای آزادی آن هم درج میگرد و حق از باطل تمیز داده میشود چنانچه بارها روزنامه مقدسه مکاتبی که برخلاف شخص مدیر بود دیده‌ام

(زهی ضمیر تو از سر کن فکان واقف)

(زهی بنان تو اسرار علم را کاشف)

البته کلام در سائر جرائد فارسی داریم که برای مصالح ملت اسلامیة سخن رانند و سهو از قلمشان عباینبی مترشح میشود که قلوب طامع را از خواندن جراید منقذ نموده و عرق خویشتن را تحلیل مینمایند این است که سالها می‌گذرد خرج و داخل اداراتشان میزان اعتدال پیدا نمی‌کند و تا چار تعطیل میشوند مثلا مدیران جراید فارسی را با آنه فصحاحت بیان و جلالت بنیان و اطلاع بر بسیاری از اسرار علوم و معارف غیبی گفتم نمیدانند دلتا عیسوی و ...

اول حل تا کنونکه آبر تو است سنبه از مزایج و چیش از مراتع تنور (نما) قصان نه پذیرفت - چیع اهلی از امانی و اهلی دل آسوده غنوده و به پای بقای شاهنشاهزاده آزاده شجاع السلطنه و طب اللسان و عنیالیان میباشد

ملیون ملیون زبان فصیح بیون بیون دهان فصیح از بیون خطای رؤف عطوف خواهان و جویایم - پر که عثمیری از اعشار و شردمه از هزار این موهبت بزرگ و نعمت سرك را از عهده شکر بر آیم ستایش یزداترا و نیایش بر مرادشانرا چه دردهای ما بدرمان تبدیل یافت و خارینها بگلستان تبدیل هر قویع قبیح صبیح هر جریح طریح صحیح گشت زشت ما هم و شد کاشنهای تافته تر از کشت جو بهشت آمد

(بحمد الله الواسع)

ترخوای ارزانی تا ما رخص گندم گوشتد برنج - روغن تخمیس - شوارع مأمون این سبیل مصون بعد عدل وی اندر نماید دست تطاول مگر سواد سیمین و بازوان سمن را رجاه واثق که عین هر بیضه در صحیفه شریفه نشر شود که تکمیل وطن برحق است

فدوی دولت خرا و مات بیضا (اقدیس فسانی)

پاریس

روزنامه‌جات پاریس نوشته و کاتبان متعدده رسیده که غرض اول جناب نظر آقای بمن السلطنه سفیر پاریس مستغنی و جناب ممتاز السلطنه وزیر مختار (مولند) بدین مقام منج منسوب گردید - وزیر مختار مذکور روز چهارم ژوئیه رئیس جمهوری معرفی شده با نهایت افتخار موسیو (لوی) رئیس جمهوری فرانسه از ایشان پذیرائی فرمود

الحق جناب ممتاز السلطنه شایستگی جنین سفارت دارند - چه جوایم میباشد از علوم بلیتیک آگاه و چیکده کار بالغ دوازده سال است که از سکرتری پترزبورگ دو زبان سفارت پرنس ارض الدوله باکیاست و فراست و لیاقت شخصی اول سفارت (لاهی) منتخب شده و اینک سفیر پاریس شده اند - انشاء الله سر از وزارت

بدان اسلام را کالبد و جبهه بهر وسیله در تحریک
 دین مبین اسلام، کوشش میکنند - و بدین
 اسبابان بدین امر اینند مشغول اند و همه وسیله
 ایشان مریضخانه و مدرسه است که در همه جای ایران
 تاز نموده و به بیجا پرستاری مرضی آقای شباهت
 خود را می کنند - در این جهوت نباید جیراند اسلامی
 در ترقی و مصالح ابقان سخن گویند و تعجیب از
 مریضخانه دوطه عیسویه امریکایی طهران نمایند و شایسته
 نیست شخصی جناب مستطاب آقای شیخ محمد حسن
 شیخ العراقین را بر امانت از مریضخانه دوطه عیسویه
 بستاند.

جرا نباید جناب شیخ العراقین با آن همه قدرت و
 نفوذ دامن همت پرگور زده مریضخانه اسلامی احداث
 نمایند مردن مسلمان ایرانی از شفا یافتن در مریضخانه
 عیسویانه بهتر است . احداث مریضخانه افضل خیرات
 و هرات است در صورتیکه مسلمانان اقتضای دین و همت
 خالص در دیانت حق مسلمین نشود البته درین صورت
 جای دارد که جیراند معاونین چنین مریضخانه را
 بستاند

تفصیل این احوال آنکه اکنون متجاوز از سی سال است
 که دعات عیسویه در اصفهان مشغول کارند لیکن در این
 مدتی هیچ وسیله نتوانستند خود را از جفای محلات
 شهر پندارند تا سال گذشته که بواسطه معالجه و حکمت
 مریضخانه جفای پیری یکی حکمران شد ایشان
 این نعمت را از برکت معالجه آن دو کتر دانستند در
 مقام شکر نعمت زمین و سببی در یکی از محلات شهر
 به اسم خود خریده بآنها واگذار نمود چون آنها بدون
 چنین وسیله دست بری به چنین امر نداشتند چه بلا عطفه
 خارجه بودن حق ملک خریدن نداشتند و قبلاً ملک
 شان به امضای علماء عیسوی حله در شهر با کمال حله
 گرمی بنای عالی ساخته که چنین بنائی در اصفهان نیست
 و مشغول کارند و برار قلن بعضی محام ایشان در
 کارند از طهران اند که بسیار سابق هم در همان بنایگیرند
 ولی دوایم سداوت این شامزاده دین مردم با سیاست
 کزن نلایم مقضی المرام شوند و این رحال ملت بی چاره
 اسلام اگر بزبان کلمه بهادین این کنند و جیراند نویسان
 اسلامی این گونه همراهی را تجویز کنند این حرکت

در مجلس اصفهان مطرح مذاکره امت در این
 صورت اگر شرکای جیراند فارسی اصفهان بواسطه
 چنین تعجیبات تجلیل روند ابدأ حق شکایت در جیراند
 خود ندانند و مردم را بی عدل نخوانند

(طوره بنانند در علم بی)

(واقفند از کار و بار هر کسی)

بد اسلام خراباً و سیمود کاکاز - خبر که ابدأ
 مداخله در هیچ امری ندارم جز امانت جهانت که
 بر حسب ارث مجبور - خبر با احدی نمیکنم لیکن
 چون جیراند را می خوانم این چند کلام را در مقام خیر
 خواهی معروض داشتم هرگاه خدای نخواست جناب عالی نیز
 ملاحظه نموده درج فرمائید به جیراند خارجه میفرستم
 و درج نگردن جناب عالی را هم مزید میکنم چون
 در بعضی از زبانهای خارجه بی اطلاع نیستیم
 الاقل الاحقر عبدالحسین للرسوی الطینی الاصفهانی

عربستان

مشکله تفویض حکومت عربستان بجناب سالار معظم
 که فی الحقیقه حق بر سر کار قرار گرفته اهالی را زیاده
 امیدوار و مشغول و شکرگذار کرده است حکومت
 سابق از راه مجتباری بدار خلافت حضرت فرمود و الحقیق
 در ایام حکومت با رعایا طیب رأفت و مهربانی نمود
 جناب حاج محمد علی معروف به حاج رئیس از طرف
 حکومت عمره طازم خدمت ایالت است - و همیشه رسم
 والی عربستان همین بوده و هست و البته با مثل جناب
 سالار معظم که مسبوق به کار اند غیر از این نمیتوان
 رفتار کرد - اگر گاهی قضیه بکس شده و بیک نفر با
 اسم ایالت عربستان لای الورود و اهواز فرستاده میداند
 از عمل بی گانه و مغرور و در حکم انادر کالندوم بوده
 و بواسطه وجود آنچنان اشخاص است که عربستان
 ملوک الطوائف شده و از این حکومت که یکی از ایالت بزرگ
 ایران است جز اسم بجلا رسمی نمانده است و اهتال
 سالار معظم را میخوانند که آب رفتار مجبوری بیاورد -
 در اهمیت ایالت عربستان همین تکت بس که شاهزاده
 صدر اعظم قبل از حکومت دار خلافت و صدر اعظمی
 بدین ایالت مأمور بودند -

مسلو اسان عربستان اگر در بعضی جاها نظوب

نیت در برنی بطور مطلوب است و کفایت مینماید بلکه زیادی برای حل بخارج نیز دارد جناب اعتلا الهوله کارگذار کل عربستان که از چند ماه قبل بمأموریت مخصوصه بلوچستان رفته بودند - در (۲۷ ربيع الاول) با کثقی مبارکه برس پلیس محمره معاودت نمودند در این مسافرت هم موفق به انجام خدمت شده و هم در داخله و خارجه مظهر حرمت گردیده و اینجا نیز خلی از مراجعت ایشان شادمان مساند

بوشهر

در خصوص گفتگوئی که حضرات نجار با اداره جلیله گمرکات دادند بقرار مذکور از اداره عزبوره مساعدات لازم شده و محض حصول آسایش واسترضای حضرات بسیاری از ترتیبات جدیده عجله موقوف و صرف نظر گردیده - حالا حضرات به آن راضی نیستند و میخواهند از معمول سابق هم بکاهند و بمباره اخری بر تمنیات اولیه خودشان هم که عنوار هوارس تازه بوده است بفرمایند

اینروزها شایع گردیده که حکومت عربستان بجناب سالار معظم حکمران سابق کل بنادر و جزایر خلیج فارس که این اوقات از دارالخلافه با اردو بربستان رو آورد - بودند منوش شده - جناب معزی الیه و اهام عظامشان همگی ساها در این صفحات حکمران بوده و بکمال کفایت و کار آگاهی اداره کرده و موفق به جلب قلوب اهالی شده اند - امید است جناب سالار معظم در این ایالت نیز به توفیقات الهی و تأییدات شاهنشاهی مؤید باشند و شیرازه حکومت عربستان که در حقیقت از هم گسیخته به ترتیب انتظام بیاورند و شیوخ و طوائفی که اکثر خود رای و خود سر اند به اطاعت و اقباض حکومت آورده عظمت و اقتدار اولیه را اعاده کنند

این ایام مابین زواری که از عتبات می آیند با عملجات گمرک وغیره يك دو فقره گفتگو شده معلوم است دولت و حکومت جلوگیری ار آن خواهند فرمود که دیگر امثال ونظایر پیدا نکند - میگویند زوار عمری در این کار داتته و آنها را وادار به این رفتار کرده اند بخارج مسیر کثقی مبارکه برس پلیس در این سفر

خلی از یش کتر گردیده - اما سابق سطحه جدیده و آب و دغال و خلی چیزها ساخته ولوازم و اشیاء بسیار خریده شده که این دفعه هیچک از آنها نبوده است اعضای کمیسیون تجارقی هند چند روز قبل از اینجا بهندستان مراجعت و رئیس آنها باتفاق جنرال قونسول انگلیس مقیم خلیج به مسقط عزیمت کرده و او از آنجا بهند و جنرال قونسول به پوتنر هودت مینماید

جنابان مجدالاعیان و آقا میرزا تقیخان که در اداره جلیله گمرکات اینجا به نهایت درستی و ایانت اشتغال به شغل انشاء داشتند - هر دو از خدمت استعفا کرده و اداره نیز پذیرفته است - همچو معلوم میشود که مسلمانان اتباع ایران کتر میخواهند در کار این اداره باشند یا رؤساء میخواهند که تقریباً غیر از فرانس و حال از ایرانی کسی دیگر در این اداره مستخدم نباشد ادارات مرکزی تلگراف و پست در خلیج از اهتمام نواب والا انتصار الملک رئیس تلگراف و جناب سروش الملک رئیس پست منظم است کاش سایرین هم این رویه را اختیار بیکردند و بمأمورین ایرانی تأسی می جستند جناب اعتلا الهوله کارگذار عربستان که از مأموریت فوق العاده بلوچستان معاودت فرموده در دست و ششم ماه حل با کثقی دولتی برس پلیس که محض رکوب ایشان معین و مرتب شده بود از بوشهر برای عمره حرکت نمودند - این مسافرت جناب معزی الیه زیاده بر بجهت امتداد پیدا کرد - و این همه مدت را غالباً در دریا و نهرها گذاردند و با این تحمل مشقت نسوبه آن خدمت با زحمت را کرده اند

کاپیتان دو کتر کاندن طیب اول انگلیس در بوشهر که از حذاقی اطباعت علاوه بر حسن مداوا نهایت خوش سلوکی را نیز بمرضی دارد و ضمناً رعایت و دستگیری از فقر هم مینماید - خداوندا مصلحتاً نیز بصفات ایشان مجبول فرماید !

نظر به آنچه مذکور و مشهور است جناب موقر الهوله کارگذار کل بنادر و جزایر خلیج فارس استعفا از خدمت کرده لیکن از آنجا که معزی الیه از موقبن وزارت جلیله امور خارجه است و پیشتر هم استعفا نموده و پذیرفته نشده این بار نیز بنا به اهمیت این خدمت استعفا ایشانرا نمی پذیراند

مکتوب از دزفول

(قابل ملاحظه خوانین بختیاری)

خدمت خوانین عظام بختیاری کلمه زحمت میدهد - این اوقات اسد خان پسر درویش خان بختیاری بواسطه آنکه مطالبه به یکی از اهالی دزفول فاود و شکستی بکار او وارد آمده بنای شتاق و شرارترا گذاشته باین معنی که بقدر یست و شنش رأس قاطر یکی از تجار دزفول را بدون هیچ ربطی گرو کشیده باین هم اکتفا نموده دو سه یوم قبل قافله که از شوشتر بدزفول می آمد با اموالیکه همراه ایشان کلاً مال تجار دزفولی و شوشتری بود اسد خان مزبور جمیع قاطر و شتر و بارهای قافله را برده هرچه علاوه اعلام دزفول توسط نموده متعذر بمسافر غیر موجه شده حکومت هم اطلاعی از این کار ندارد حضرات خوانین هم در بیلابی هستند

ولی بنده نگارنده با کمال ادب خدمت حضرات خوانین عرض میکنم که لایتم الریاسه الا بالسیاسه همراه نیاید دنباله این کارها گرفته شود خیل اسباب زحمت فرام خواهد آمد - بواسطه آنکه گرگ که مانع و زاجری از حمله برگوسفند داشته باشد ابقاء گوسفندان محال است - بهر حال علاج آتیه را از پیش باید (واقم بیغرض م - و - ی)

ایضاً مکتوب از دزفول

بشایع بیستم شهر صفر الحظائر (۱۳۲۳) با آنکه تاکنون بقدر بجاه روز از نوروز سلطانی میگردد ابری برآمده فی الجمله باران آمد - در شهر چندان باران نیارید از قرار معلوم در سکوهِ بارندگی شدید شده بحدکف آب رود خانه بنای طیارا گنات جمیع نهرهای پائین پل را سکه طرف شرق رودخانه است آب برده و خراب نموده بنوعی سکه ضرر و خسارت کلی بر ملاق و مستاجرین وارد آمده این ضرر و خسارتی که فعلاً مشهود است بعضی از آنها قابل اصلاح نیست و بعضی که قابل اصلاح است محتاج بمطاری کرای فوق العاده میباشد

حاصل امسال زراعت صیفی خیلی مشکل است -

بواسطه آنکه یکی از آنهاز منبره که عمده املاک دزفول از او آبیاری میشد و هفت پارچه ملک و آبادی از او مشروب میگردد - خراب شده

و همچنین مبلغ یکصد و بیست هزار تومان باغ مشجر که از او مشروب میشد فعلاً بواسطه خرابی نهر مذکور بزموده است

حال که ابتدای زراعت صیفی است نهر مذکور بالکل از حیز انتفاع خارج و هیچ قابل اصلاح نیست و به این واسطه جمیع اهالی دزفول اضطراب دارند تا بعد چه پیش آید اشکال این است

(از ده ویران که ستاد خراج)

جزئیات مایه کلیات است

بدیهی است سکه در چند هزار سال گذشت باشندگان ایران که از کنار پنجاب تا بابل ابواب لقیمن داشتند جلگی خوراک و پوشاک از وطن و مسکن خودشان فارا بودند

و در هیچ عصری از اعصار اهالی مصری از اصرار ما محتاج به خارجه نبوده اند - بلکه همیشه امتعه و منسوجات و دستکوبهای ایرانیان مملکت اجانب از هر جانب میرفت

اگر از چین و هندوستان هم قدری مال وارد ایران میشد در مقابل طالتجاره داخله که بخارجه میرفت چیزی نبود

از زمان دولت صفویه که پارچه های فرنگستان خاصه طاهوت در بازار ایران رسید و متعجباً کارخانجات در فرنگستان ساخته گردید کم کم اسباب احتیاج ایرانیان فراهم آمد - بلکه گذشت از پوشاک بجهت خوراک خودمان و علوفه جاوران محتاج بیگانه شتم چنانچه اکنون برای اردو همایون با طبعات نوشتیم سکه ندارد سیورسات از باد کوبه شده است برنج از بنگاله به نادر فارس میبرند ذغال از بندر کراچی به خروار ددان نواح میرد

کشتیهای بادی یا قلهها که همراه خرما می آورند ذغال سنگ حل کرده عودت مینمایند در صورتیکه معادن ذغال سنگ در ایران فراوان و در قریب بندر مینق و کوهستان (خورموتوج) و بختیاری بسیار است

لطف ایجاب است مسکه زیره حکمران برده فایده هم می برند

شندیم نخستین چیزی که زنان ایران بستند کردند سوزن و ریشمان خارجه بود چون سوزن و ریشمان خوبتر گرفتند طالب پارچه نیکوتر و نازکتر گشتند فروشندگان با فرهنگ و عالم هم منسوجات خودشانرا ارزاتر تمام کرده و بهتر جلوه گر کردند آخر نتایج این معامله برای ما خفگی پول و هرگونه حیرانی و پریشانی شد

هرگاه نگاه بحساب سوزن و ریشمان و صابون و کبریت و شمع و کاغذ که از خارجه هر ساله وارد ایران میشود بنمایم معلوم خواهد شد که مبلغ این جزئیات سالانه بچند صد هزار تومان و در ده سال بچند کرور ابلاغ می یابد

آقا محمد صادق ناجر بوشهری مسکه سالها در بندر بمبئی اقامت و تجارت دارد دستگاه ریشمان خطاطی ریش ساخته و چند عدد با اقامت آن اداره فرستاده است ریشمان تابده ممتاز هم رنگ در آن دستگاه همیشه برای فروش میباشد (ادرس) ایشان بمبئی (کوبز اسقریت) عمرگادی (پوست) نمره پنج میباشد هرکس بخواند میتواند طلب فرماید

انشاءالله آقا محمد صادق صاحب و سایر تجار و متمولین بیگار مقیمین ایران اقلأ بساختن این گونه کارخانه که چندان خرج و زحقی ندارد و ایرانیان بدان محتاج اند بذل اهتمام فرمابند منافع کارخانه کاغذ و شمع و صابون و کبریت و غیره از فرط عیان محتاج بیان نیست

حجری قابل توجه بزرگان ایران

مرحمتشان امیر عبدالرحمن حکمران افغانستان که (به مینوزواتش می نماند باد) (ز اولادش آن خطه آباد باد)

در تاج التواریخ جلد اول صفحه (۱۴۸) مرقوم فرموده اند

از خجند به (سوق الدراب) رقم اسب بجزم دیدم اسب خوب بیضا نمیشود از مردم جو یا شدم از کجا میتوانم یعنی بابومای خوب بجهت بنه تحصیل نمایم

شخصی نزدیک ایستاده بود از من خواهش کرد با او رفته جای یا قهوه صرف نمایم بهمرأش رقم معلوم شد قبل از آنکه روسها ولایت (خجند) را بگیرند مشاوریه یکی از سرکرده های خجند بوده - چون تمام اشخاص محترم خجند را از مناصب آنها عزل کرده بودند سرکرده ها مجبور شده بدکان نفسته مثل تجار کاسی میکنند - این رفیق تازه يك يك امرا و سرکرده ها را هم که دکاندار بودند آورده معرفی نمود و مرا خاطر جمع داد مسکه اسبهای خیلی خوب داریم فوراً صد واس اسب را پسندیده اتباع نمودم

حجری طوفان نوح یا عطش اکبر

مودالاسلاما - خداوند بر تائیدات جناب عالی افزوده و بکلمات اعجاز آیات آنحضرت که لذ روی غیرت و محض خیر خواهی مات و دولت است پیش از اینها تأثیر کرامت فرماید - واقعاً اگر چند نفر مثل جناب عالی در مقام غمخواری مات از روی صدق و حقیقت سخن رانند بسا مشکلیها که حل شود

از آنجاییکه عتبه هرش درجه حضرت سیدالشهدا علیه السلام ملجأ و پناه عموم طلبان سها کسانیکه دست از دنیا و زندگانی دنیا کشیده محض تحصیل آخرت درین آستان هرش بنیان مهاورت و از روی فقر و مسکنت بلغمه نانی قناعت و در ظل رضایت اعیان حضرت اقدس ظل الله فی الارضین سلطان البرین و خاتمان البعین دام ظلهم المالی علی رؤس المسلمین برکت کله جامعه اسلامیت در کمال آسودگی و امنیت براسم عبودیت حضرت باری و بادای فرایض ادعیه ذات اقدس خلافت پناهی که امروز حافظ حوزه اسلام بلکه بقا و دوام اسلام بوجود مقدس آن شاهنشاه اسلامیان پناه که فی الواقع سد مدیدی در برابر سبیلهای نیلین کن حکمفر است اشتغال داشته امیدوارند که آن ذات کامله الصفات از کافه مکاره و آلام محفوظ ماند

بعدها معروض آنکه - کربلا بمبئی شهری است متصرف نشین و دارای پنجاه هزار نفوس از خارجه و داخله و مشتمل بر باغات و بستین بسیار و انواع و اقسام فواکه و میوه و غلات از قبیل حرما و انگور و انار و مرکبات و گندم و جو و برنج و غیره

در آنجا خوب بمل می آید - و مابقی از باغات آنجا که در میان باغها مثل و مانند ندارد راجع بسنه و ملك خالص و مختص اعلیحضرت اقدس سلطانی است و مبانى سالانه عایدات دارد و فی الحقیقه اگر ده سال از آفات ارضی و سهای محفوظ ماند میتوان گفت (کربلا یعنی بهشت دنیا و آخرت) لکن جای انسوس است که چنین زمین قابل حاصل خیز زریز هر ساله مورد هرق و حرق است این معنی اول بهار که شط فرات که اعظام شطوط عالم است طغیان کند از فرط طغیان زور بشعبه های منشعبه آورده حالا مال می شود از جمله آن شعبه ها نهر حسینیه است که مرحوم غفران مآب سلطان سایم عثمانی عطره مرده از شط مزبور از قرب قصبه مسیب جدا نموده و بکربلا آورد - تغییرات کلی هم درین طول زمان در صدر نهر مذکور داده شده است از صدر نهر تا ذیل آن متجاوز از نه فرسخ هم مزارع و بستین و باغات است بینا و بساراً و نام آنها مشروب از همین نهر است - لکن بواسطه آنکه صدر نهر خیلی مریض و مراضش بالغ بر بیست ذرع و در عمق ده ذرع و رفته رفته از عرض آن کم شده تا منتهای نهر میرسد بجائی که عرض آن يك ذرع و عمق ربع ذرع میشود که هر چه میتواند از روی آن جستجو باید و جلو آن هم برای بعضی از مقاطعه های جزئی که حاصل درستی هم ندارد سده می بندند که آب بارانی آنجا در فصل طغیان برسد

در نهر باین وضعی که عرض شد آب روی هم سوار بقدر يك ذرع بلند تر از سطح های نهر شده مبدل صیبه می گردد ندارد طغاب منندی است که خود را جای دهد - اهالی در کال قاق و اضطراب دست از خورد و خواب برداشت هر کس در برابر ملك خود با بیل و کلنگ در مقام محاسبت برآمده معلوم است آب باین عظمت قوتی کمتر از قوت سولون نبوده و استیجاب اهالی هم بیشتر از استعداد روس نخواهد بود يك دانه آب زور آورده رخنه بگتف نهر نموده تا اهالی و حکومت دست و پا بگتند گتف شکسته و تمام آب یکدانه روی بان جبهه کرده تا چشم بهم زنند آنچه پیش آید از بیخ و ریخ کنده

در عرض دو ساعت سدها باغات و مزارع در زیر دریائی از آب می ماند که صاحبان آنها در عوض میوه و ذراعت باید (طمی) صید نمایند و بجای حاصل فی (بردی - بزور) درو میکنند و زمان بسیاری این باغات معمور بر حاصل خراب و بی حاصل خواهد ماند - علاوه بر نهر حسینیه نزدیکی کربلا الی شریه کوه (حوزها و کوهها) بسیار است که داخل آب شط فرات در زمان طغیان درین کوهها داخل میشود و این کوهها بمراتب بلند تر از شهر و نهر و باغات است و ازین جهت جلو این آنها را بسته و سد نموده اند که مبادا آب ازین کوهها سرزیر شود - درین صورت مخدای نکرده نام کربلا الی حد مأذنه منارهای همین اطهر زیر آب خواهد ماند - لکن در سده کردن غالباً بمساحه و مساحه رفتار شده و رعیت یا حکومت بهیچوجه در مقام علاج واقعه قبل از وقوع بر نیامده این است که غالب سنوات ممکن نیست که از نهر و یا از حوضها آب باغات و بستین یا تنس شهر را هرق نماید و اهالی دچار انواع ضرر و زیان نکرند - بسا میشود که شخص صاحب باغ برای مخارج سده دو بر ابرقیمت باغ مایه میگنارد اگر مایه داشته باشد - و الا باغ در عوض سده از دستش رفته سهل است اگر خانه و اسبابی هم دارد باید بالای آن بگذارد (قدکان غلیظاً قصبیح فقیراً منلساً) و به کرات عیدیه هموم اهالی از حکومت و رعیت این بلا را دیده و باین ضرر و زحمت گرفتار گردیده اند و در وقت گرفتاری از روی لاعلاجی منحل هرگونه مخارج و تب بوده اند (باقی دارد)

فصلنامه علمی و تحقیقاتی روس

نام	وزن از روی تی	نوع جهاز
۱ اول	۱۳۵۱۲	فرد پوش
۲ برسیوت	۱۲۶۷۲	ایضا
۳ پالتیوا	۱۰۹۵۰	ایضا
۴ ابریل میکولایک	۹۷۰۰	ایضا
۵ سنیواو	۴۱۲۶	فولاد کوب
۶ پای	۷۸۰۰	کرووات
۷ اسکال	۶۵۰۰	فولاد کوب
۸ داینا	۶۶۳۰	ایضا
۹ پلاوا	۶۶۴۰	ایضا
۱۰ منجر	۱۴۱۶	جهازی کوچک
۱۱ آبل	۲۵۰۰	ایضا

جهازات روس که نتیجه اش غیر معلوم است

نام	وزن از روی تن	قسم جهاز
ژانویچ	۱۳۱۱۰	زده پوش
امیرالکندر دوم	۹۹۰۰	ایضا
کهرابی	۱۵۰۰	فولاد کوب
گروسیاتچی	۱۴۹۲	ایضا
روسا	۱۲۲۰۰	ایضا
بلیت ازوا	۹۷۰۰	ایضا
ولیک	۶۶۷۵	کروزایر
ریندا	۴۵۰۰	ایضا
چچنگ	۴۱۰۰	ایضا
از سرد	۴۱۰۰	ایضا
الماز	۳۲۸۵	ایضا
سیرچ	۹۵۰	ایضا

جهازاتیکه فرار اختیار نمودند

نام	وزن از روی تن	قسم جهاز
دمتری دانسی	۵۸۹۳	فولاد کوب
نوریک	۳۱۰۰	کروزایر

جهازاتیکه روس آماده مینماید

نام	وزن از روی تن	قسم جهاز
امیرل پاول	۱۶۰۰۰	زده پوش
اندری پرواسوانی	۱۶۰۰۰	"
حلاوا	۱۳۵۱۶	"

جهازات مغرور روس

نام	وزن از روی تن	قسم جهاز
براو دینو	۱۳۵۲۶	زده پوش
آلکندر سوم	"	"
تازساواریوف	"	"
اسلیایا	۱۳۶۷۳	"
سیمودلی	۸۸۸۰	"
روسیای	۱۲۷۰۰	"
رنو پاولوسک	۱۰۹۵۰	"
پایسا	۱۲۶۷۲	"
سواستوپول	۱۰۹۵۰	"
نوارین	۹۴۷۵	فولاد کوب
اودجوف	۴۱۲۶	"
گروسیاتچی	۱۴۹۲	"
اتولین	"	"
گرموای	۱۴۲۰۰	کروزایر
دورک	۱۰۹۰۰	"
باشچروف	۸۵۰	"
ولدیمر مونوماک	۵۷۵۴	"
چوگانیر	۶۶۷۵	"
واریک	۶۵۰۰	مولاد کوب کوچک
اروره	۶۶۲۰	"
کارنیلاف	۴۸۸۰	"
سرتلاک	۳۸۲۸	"
جولارین	۴۲۰۰	"
کلاچک	۱۳۰۰	چکی کوچک

۹۴۰
۱۳۱۳

چگونگی سرهاوان بری روس

جزل استاسل	پس از گرفتاری و حلق السیف مرگش
کرین برن	مردت داده شد
اولاف	"
تروسا	"
گیلر	کشته شد
کندرات چینگو	"
لورینسی	"
روالیسی	"
سمولیتسکی دوتکودسی	"
اسیر نوف	اسیر
راپتات لیسکی	"
طوک	"
بیل	"
کوربات کادسی	"
نیکی تی	"
کاک	"
کاندواتوویچ	مجرور و زیر علاج
کاشتا لیسکی	"
سا-اولیچ	بعد مغزونی باز مغرور شد
استانکبرگ	پس از مجروحی باز مغرور شد
وزشکیف	"
سکچنیکو	مجرور

(امیرالبحر های روس)

الکساف	مردت
استارک	"
اسکریدلاف	"
پسوپوزاف	کشته شد
مکهراف	"
مولاس	"
ورتگفت	"
دولرپونسی	اسیر
ورن	"
لاسنسکی	"
گریکوری ویچ	"
دولرپونسی	مقتول
فالکرشام	غیر معلوم
پارودانسکی	"
نیوگوتوف	اسیر

سرهاوان موجوده روس فرمیدان جنگ

لینویچ
بلدنگ
سختروف
کلیاس
ترویانکن

(امپراتورهای موجوده روس)

چین -
پرو -

اصلاحات وزارت جنگ

(از شماره ۴۶)

آری چنین بود وضع اداره لشکری این دولت قویست و ولی ملاحظه اوضاع امروزی این دولت از حیث قنون و مقاب با از منته قبل ما را قرن دهم و ضمیمه جرت میسازد. مگر نه همان دولت است که در آن واحد با چندین دشمن قوی یغیه همراز میسازد؟ آیا نه اوست که سالهای متمادی با روس مشغول نزاع و جدال بود؟ مگر نه آنستکه يك سال و کسری در دور هرات متوقف شد؟ خوب چه شده که اکنون بر عسری از اعشار آنها قادر نیست؟ چرا اردوهای منظم حاضر نیست؟ چه جهت دارد که حرکت دادن ده فوج شش ماه وقت لازم دارد؟ چرا از شنیدن نام خصم و دیدن چند فرقی روس و اهمه ناک میخوریم؟ این دولت جنگجو چرا امروز صلح طلب گشته؟ و بر يك پلو گفته؟ چرا بسبب نبودن قشون حاضر بر حفظ مقام خود قادر نیست؟ این تنزل را علت چیست؟ و سبب کدام است؟

جی را عقیده بر این است که علت اصلی و سبب عمده در اختلال عمل نظام قضان مالیه دولت و کسر بودجه مالیات است. زیرا که چون خرج بر دخل افزونی گیرد بناچار حقوق بعضی از مستخدمین و نوکران لاوصول و بیعمل ماند. در آنگاه جمیع در عداد مقربان حریم سلطنت معدودند و بر قبض و بسط و اخذ و رد قادر در اول مرحله حقوق خود را وصول و دریافت میدارند. آنگاه بستگان و متعلقان خود را. طایفه مستوفیان و ارباب قلم نیز که خود مختار و کلیه در ید تصرف آنهاست بالبداهه مرجه بخوانند و بتوانند جهت خود و دوستان و آشنایان و رقبا و اقوام حقوق برقرار کرده پیش از هرکس دریافت میانند. حکام و مباشرین امور ولایات نیز از مالیات حصه بنوسط خودشان وصول مینموده اولاً مستعری و مواجب خود را کنار مینهند. علماء و شایات و اعیان و رؤسه خوانان هم بواسطه نوبتیکداریت فوراً آورده مقرر میگردند و میمانند.

اجزاء وزارت خارجه از محل مخصوص که دست شان است در قدم اول حقوق خود و کسان خود را موضوع میکنند. اجزاء وزارت خارجه از محل تذکره و اجزاء پست و تلگراف و کمرک از همان محلها دریافت میدارند کسرا که سر بی کلام است همان افواج و اداره نظام است که محل معینی در دست ندارند باید بهر جا حواله شد رجوع نمایند و طبعا در درجه آخر واقع شده. ماه به ماه عقب می افتد تا آخر سال آنوقت نیز دولت عمل ندارد. و خرج با دخل مطابقت نیست ناچار حقوق آنها سوخت و لاوصول میماند و حالت نظام قریب سکه و اختلال میشود. تدارکات نیز بواسطه نرسیدن پول آماده نمیشود. ملبوس میباید نمیکرد ذخیره و مخزن و قور خانه تهی میشود. و تدریجا امر منتهی میشود باین قطعه که امروزه بدان رسیده. و اگر نخواهند به فوج مثلا حرکت دهند ملبوس نیست. آذوقه ندارند. اسلحه تفنگ و فشنگ حاضر نیست. توپخانه اسب ندارد. ناچار باید برات صادر شود بمحاله خزانه یا یکی از ولایات. پول هم حاضر نیست یا اگر هست چون قاعده بحکومت یا وزیر خزانه نمیرسد مایل به دادن این وجه نیست. و بعدا عنبر و بهانه متمسک شده طرفه و تطل روا میدارد. ایست که مشاهده میکنیم حرکت دادن چند فوج شش ماه وقت لازم دارد.

بالاخره نتیجه نیز معلوم نیست. اگر بجهت سفر است موقع میگردد. اگر در مقابل خصم است حریف در اختیار براد خود آنگاه میشود. و حرکت قشون موقوف میگردد اما اگر بنظر تحقیق ملاحظه میکنیم علت نه آنستکه تصور نموده اند. زیرا که در ایران همواره رئیس قشون یعنی سپه سالار غالب و مقتدر و صاحب نفوذ بوده. و هرگز حقوق نظامی را لا وصول نمیکند. خصوص در اینستین اخیر که اداره قشون در دست حضرت والا نایب السلطنه یا فرما فرما یا سپهسالار مرحوم بود. دیناری در محل لاوصول نمانده. و تا به وصول شد. نهایت آنکه بر باز و نایب رسیده است. آنهم دخلی بهکسر بودجه و تفاوت دخل و خرج ندارد. صاحبان منصب و سر حکمرانان حریف و عیبه میسازند. علاوه بنابر آنچه سابقاً عرض کردیم هیچگاه نظام قشون ایران منوط بر وصول و تطبیق

این خلاف کاریها نمیفروشند ولی جنگ مزبور حالت سرداران و صاحب منصبان روسیه را بر همه اهل علم ظاهر ساخت. و خود پسندی و بظنکاری و اغراض شخصیته شان را به موم نشان داد. خصوص مخالفت جنرال (کورویانکن) با (امیرال الکس اوف) فرمانفرمای سابق منچوریا. و هم خیانت (کورویانکن) بدولت در قریستان مدد و کمک جهت جنرال (گری بن برگ) که نظیر آنها در تاریخ کثر دیده شده است -

خلاصه مدتها است که سیاستون ایران و اروپا حل و عقد در این مسئله تفکرند و آنچه امروز بعد از غور رسی کامل معلوم گشته علت تباهی حال قشون در ایران وجود وزیر جنگ یا سپه سالار مستقل است. اگر چه در ممالک دیگر بکس است و بدون وجود سپه سالار امور حربی منظم نمیشود. چیز آنکه بعد از جنگ (بون) در انگلستان نیز بواسطه اسبابی چند وجود وزیر جنگ را موقوف اختلال کار دانستند رسماً موقوف نمودند -

اول کسیکه در ایران بدین نکته باریک متنبه شد مرحوم حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله بود. در آن زمانیکه وزارت حربیه قریباً حالت کنونی را داشت. ارباب مناصب از حد احصاء فرزون و تابین بسیار کم بود و بانواع تدلیسات و دادن رشوه و تقدیمی هرکس سرهنگ و سرتیب و... و... و... شده مواجب و مرسومی گزاف در حق خود مقرر مینمود. و رشته این کار قریب بانقصام گفته - نبودن وزیر جنگ یا لکلیه نیز در انظار بید و امری خارق عادت مینمود. این بود که مرحوم مشیرالدوله اسماً خود وزیر جنگ و سپه سالار گشته محمود خان ناصرالملک را نایب وزارت جنگ مقرر مقرر مقرر مجلسی نیز بنام (مجلس شورای عسکری) منعقد نمود لذا در مدتی قلیل اختلال رفع شد و انتظام آشکار گشت. چنانکه هنوز ضرب المثل است و از آثار آن عهد میدان مشق و میدان توپخانه و نظام اطریش و غیره میباشد. شمه از اوضاع آن ایام با اوضاع حالیه از فهرست ذیل مستفاد میگردد -

(فهرست صاحب منصبان نظامی در عهد)

(مشیرالدوله سنة (۱۲۹۰) هجری و در پانجم ۱۳۲۳)

ساحب مناصب (۱۳۲۹) هجری و در پانجم ۱۳۲۳

وزیر جنگ نبود. سپه سالار مرحوم

منال دیوانی و از جهت طمع نبوده و در بسیاری از بلاد حکام صاحب افواج مستند. مانند آذربایجان که تا مدت طلبات قلمرو حکومت در تصرف خودشان است. و اگر بخواهند میتوانند حقوق سرباز را مقدم بر همه حقوق دارند. و زود تر اداء نمایند بلکه علی التحقیق میدانم در مقام رسیدگی بحساب اول چیزی که اظهار میدارند و جزء عمده حساب را بر میکنند حیره و مواجب فرج است -

بعضی دیگر نبودن علوم نظامی را علت پربفانی اوضاع وزارت جنگ میدانند. و چنین کان میکنند که اگر سرکردگان علم و از اوضاع لشکر کشی و علوم نظامیه مطلع باشند در صدد تنظیم و معق قشون برآمده در مدتی اندک ترقی خواهند نمود. این خود نیز غلطی است واضح چه تا اکنون مکرر صاحب منصبان نظامی از اطریش و روس و غیره کنتراحت کرده آورده و مأمور بتعلیم افواج داشته اند. و در بین ایرانیان بسیاری از علم نظامی حالیه مسبوق و در قشون حربیه ماهرند. مع ذلک بر درد افزوده و حربی را محبت حاصل نگفت. سالی چند میبانی صرف صاحب منصبان اطریشی و غیره نموده در آخر نتیجه جز تباهی حال قشون حاصل شده. بجهت تشکیل یک هیئت قزاقی چه قدرها دولت مخارج مقرر کرده و از روسیه معلمین ماهر آورده و کلیه اداره قزاق را بدانها سپرده. حتی از تحت اطاعت وزیر جنگ نیز خارج نموده. اسلانهری جز خرج مقرر مقرر نشده. و طاقت معلوم گردیده که سرکردگان روس بمراتب از سرکردگان ایرانی متقلب تر و در ترتیب جمع و حرج زبانی ماهرترند. و هماره (بالکونیک) روس از دولت ماه پاه مواجب و حیره دست جاترا میگرفته در حالتیکه تک بلکه عشر آنچه قلمداد کرده حاضر ندانست است. و در موقع سان دادن فیه و همه جات بجزئی وجهی اجاره کرده سان داده است. و پیش از وقوع حرب در اقصای شرق عموم مردم را عنیده این بود که این دستار سرکردگان روس از روی قنیه و دستور العملی است بلکه بدانها داده شده. و گرنه ارباب مناسب روس قلب و خیانت نمیدانند. و بطمع خوردن این سجزئی حیره و مواجب حرکت

نموده و حال آنکه اگر نسبتاً بخواهیم برنج شیراز را با برنج هندوستان دو مساوی قیمت بایم باز مناسب تر از برنج بمبئی است. با وجود این گویا فراموش کرده اند که باید برنج از شیراز تولید - این است قایده احتیاج بخارجی که مثل امروز بچورند که ترك اطلاق نمایند و برنج وسایر جنوباً از هندوستان طلب کنند گندم در شیراز کباب شده قریب یکماه است از بوشهر می طابند تجار هم علی الاتصال میخرند و حل شیراز میباشد با این ترتیب باز کثر از قیمت سابق است - و تنزل نموده یکمن تبریز هزار صد و بیست و پنج دینار بوزن بوشهر که ۷۶۸ منقال است میباشد

جناب دریایی با اجزاء در جهل پست روز چهارم ربيع الاول وارد لنگرگاه بوشهر شده بواسطه بروز ناخوشی در بحرین ده روز قرنینه را در جزیره عباسک پیاده شده و تمام کرده بیست و سوم بسلامتی طاقم بوشهر گردیده. همان وقت فرستاده غدغن نمودند که احدی باستقبال نرود و شلیک توپ نفوذ - پس از ورود بمقر حکمرانی عموم صاحب منصبان و تجار و اعیان و کسبه حاضر شده تبریک ورود عرض کردند

در هفته قبل جناب شریتمدار آقا شیخ میرزا محمد جعفر محلاتی که از اجله علماء و ساکن شیراز است از عتبات وارد بوشهر شده جماعتی زوار هم در خدمت شان بودند - مأمورین گمرک بواسطه سلوکی که موجب غضب همراهان جناب شریتمدار شد با زوار بمنازعت برخاستند (موزس خان) که نایب رئیس گمرک و راضی بوقوع این گونه مطالب در سرحد نمی شود با مهربانی تمام مناقشه را اصلاح کرده محاسمت بمسألت انجامید

جماعتی از زوار عتبات که از طرف بصره وارد شده در قرنینه بودند - روز بیست و سوم ربيع الاول مریض شده از جزیره عباسک ببوشهر آمده در گمرک اسبابهای آنها را خواسته ملاحظه نمایند و هم وجه قرنینه را دریافت دارند - اولاً اظهار عجز از اداء وجه قرنینه و پرداختی و اطلاق کرده ثانیاً بمنزله لباس زنانه همراه داشته اند طالع از باز مسکون و ملاحظه لباس اسبابهای آنها را نمودن شد -

ساحب منصب	(۱۳۲۳)	(۱۳۲۴)
سردار	نبود	تقریباً ۵۰۰ نفر
سالار	نبود	تقریباً ۵۰۰ نفر
امیر نوین	نبود	تقریباً ۱۰۰ نفر
امیر تومان	۳ نفر	تقریباً ۲۰۰۰ نفر
سرتیب اول	۱۷ نفر	تقریباً ۳۰۰۰ نفر
سرتیب دوم	۴۰ نفر	تقریباً ۴۰۰۰ نفر
سرتیب سوم	۴۰ نفر	تقریباً ۵۰۰۰ نفر
نایب اجودان باشی	۴۱ نفر	خارج از حد
یاور فوج	۴۱ نفر	خدا میداند

صورت یکی از راپورت های مجلس شورای عسکری که بحضور صدارت در آنوقت فرستاده شده چندی قبل در منزل یکی از دوستان زیارت کردم که راجع بود بیک نفر میرزا حسین خان نامی که خواهش و تنبیه سرهنگی را نموده بود و رسیدگی استحقاقی و شایستگی او رجوع بمجلس شورای عسکری شده بود و صورت مزبور این است (بقیه دارد)

مکتوب از بوشهر

شاهزاده اجلال الدوله حاکم دشتی و دشتستان مدتی است در (برازجان) متوقف - و حیدر خان تنکسانی که مدت یکسال در بوشهر بود به برازجان شرفیات حضورشان گفته حکومت اهرم و خاویز را استعفا نموده پذیرفته آمد - و حکومت آنجا را بمعزی الیه تفویض فرمود - لیکن مشارالیه از بنای بی اعتدالی را گذارده هنوز دو ماه نشده خورد خورد و طایا شاک شده اند - بخصوص طالبات نخل را که سه ماه قبل از وقت و میعاد سه ساله گرفته - شاهزاده اجلال الدوله همین روزها از برازجان به اهرم تشریف خواهند برد

سابقاً برنج و عدس و نخود از شیراز و فیروز آباد ببوشهر می آوردند - مزیت برنج چین شیراز و نخود آنجا بر برنج هندوستان لازم به بیان نیست - چند سال قبل بواسطه مانع خوارکی برنج در شیراز ترقی نموده حکمتر ببوشهر آوردند - چند نفر از تجار نا معروف برنج از بمبئی و کراچی تولید رفته رفته کار بجائی رسید که برنج و عدس شیراز ببوشهر نیامد و متبذک شد - این اوقات بواسطه گفتگوی تجار با گمرک حمل و نقل مال التجاره موقوف مانده اجناس مذکوره ترقی

شماره (۳۷) ۱۰ ربيع الثاني (۱۳۲۳) ~~مجله مطالعات خوارزمي~~ ۱۰ جون (۱۹۰۵) ~~مجله مطالعات خوارزمي~~

مأمور كرك گویا بزواری يك سلی زده دروب كرك
بسته و شخص مضروب سید بوده - جیب زوار یا علی
گویان سنگ و جوب برایش های كرك زدند بقسمی كه
يك فرایش جبرئت توقف نكرد پس از آن اسبابهای طودرا
برداشته از كرك بیرون آورده بدون اینکه مأمورین
كرك معاینه نمایند بمنازل خود برده و اجاعاً كه زیاده
از يكصد نفر هستند بمنزل جناب آقا سید سایان متحصن
شده جناب آقا هم وعده تحقیق فرمودند الحقی در این
گونه موارد جناب آقا هم وقت باملت همراهی داشته
و حفظ شئون دولت را هم نوشته است

شازدهم ربيع الاول جی از مفسدین بمشورت
همدیگر خواستند اختعاشه را كه مكرر در صدد بوده
و کامیاب نشدند بواسطه دست آویزی بپا نباشد چون
مداوند نمیخواست صورت نگرفت و تفصیل آن از
قرار ذیل است

محمد نام دوانی طفلی داشت خواست ختان نماید
جی ارازلو اوپاشی از اشرا با اساعه ناریه و جوب
و جلیقو قداره جمع شده فلان بیک كه از جانب مفسدین
مأمور بود خواست فسادی راه اندازد طفل مذکور را
سوار نموده لحام اسب را بدست گرفته متعهد حكه
هرگونه حادثه واقع شود جواب حكومت را بدهد -
با اجاعت مزبوره در كوجهها گردش کرده - چون
اینگونه كارها از سابق اسباب فساد شهر بود و مثل
دسته سینه زن طایفه نزع می شد - با همان هیئت از طرف
تلگر نغانه عبور حكرده ریختند در محله سندیها -
نایب الحكومه شاهزاده عبدالعلی میرزا انصار المللك رئیس
تلگر نغانه خود در بالا ایستاده ملاحظه میکرد -
جماعتی هم طرف مقابل كه خصم بود حاضر شده و
قالبه گفتگویش شد در آن حین فلان بیک شیرازی
رئیس اشرا زخمی برداشت - و نزاع وجدال از میان
برخاست جی بندگان خدا از شرز و خورد این
شده - بجاه های خود سالم مراجعت کردند - اگر و احوه
از جناب درباریگی حکمران كه تازه وارد قرینه شده
در قلوب اشرا نبود هر آینه شهر را هوشوش می نمودند
لكه بیم اتلاف نفوس هم در اینگونه فسادها هست

دو فریبیه و شیرازی مدت هفت ماه است بواسطه

جزئی خرابی و خللی كه در تجارت آنها واقع شده
بوشهر آمده دكان بقالی گذارده مشغول معامله اند
شب بیست و دوم ربيع الاول چهار ساعت از شب
گذشت نملیه آتش از دكان آنها زبانه کشیده خلائق
جمع شده دكان را خراب کرده آتش خاموشی شد
مشار آنها كه میرزا محمد و آقا علی اصغر نام دارند با
عیال و اولاد بمخانه جناب آقا شیخ محمد آل منصور امام
جمعه متحصن شده طلبکارهایشان كه چند نفر بوشهری
و چند نفر سرباز فوج چهار محال اند بملاقات
ایشان رفته پس از سؤال و جواب هر يك راه خود
گرفته رفتند - مگر دوسه نفر سرباز كه دست نكشیده
آخر الامر آنها را تهدید کرده كه عیال شما را خواهیم
برد (بلی این است تكلیف سرباز كه امور حفظ
تاموس رعایت) ایشان از استماع این سخنان از
خوف بدنامی قدری تریك خورده حتی بمطلب دوساله
هم كه داشته داده همینكه از حال آنها اطلاع یافتند
اطباء هندی و ایرانی را حاضر کرده بمعالجه كوشیدند
آخر الامر میرزا محمد فوت شد - علی اصغر با ضعیفه و
دو طفل بمعالجه شدند - این است حقیقت تربیت و روح
انسانیت كه خبر نابا وجود امامت و در واقع ده بر
فاقه یعنی میرزا عبدالحسین خان میرجه فوج میباشد -
با این نجات ظاهر و طینت پاکی كه دارد چگونه راضی
میشود كه سربازهای تحت امر ایشان اینطور اسباب
زحمت مردم بشوند سرباز را با شغل صرفی چه كار
مگر اینکه خدای ناخواسته بگوئیم سرباز گرسنه است
چه چاره كند

مجموعه وقایع مختلفه طهران

(از شماره ۳۶)

نگارنده - جناب حاجی آقا اگر تصدیق خاطر شما
نخواهد بود بنده بقدر چند دقیقه با شما صحبت دارم - و
بعضی سؤالات بر حسب لزوم بایدم کرده - جواب بشنوم
حاجی - بسیار خوب بهترین است كه من پیام در
خدمت شما (پس حاجی برخاسته در نزدك من جلوس
نموده و منتظر شنیدن گردید)

نگارنده - اولاً لازم است خود را معرفی كنم من
بر حسب وظیفه كه دارم از جناب لاجل اللین مأمورم
حقیقت اینگونه امور را رسیدگی كرده اداره اطلاع

مخاطبه (۴۷) ۱۵ ربيع الثاني (۱۳۲۳) - سال هوازدهم - ۱۰ جون (۱۱۰۵) صفحه (۱۷)

همه . و ابدأ عرض و قصد شخصي در کار نیست . تنها مقصود اطلاع صحیح است فلا خیال شما چیست و مدعیان کیست ؟

حاجی - گمان ندارم کسی در طهران از این مسئله مسبوق نباشد و نداند که مدعی و طرف هموم تجار که در اینجا متوقفند مسیو (نوز) است

نگارنده - بلی چنین است ولی اصل مطلب معلوم نیست که ادعای و حرف حساب تجار چیست و چگونه شده بلکه بدون اظهار بدولت در حضرت عبدالعظیم آمده و اگر بدولت اظهار شده چه گفتید و در مقابل چه جواب دادند ؟

حاجی - ما سه مطلب را خواستار . و در اثبات حقانیت خود ادله صحیحه داریم . که هر شخص بیفرض قبول میکند . و هر سه را نیز بحضور اولیاء دولت ابد مدت عرض - و بدلائل بسیار واضح در مجلس دربار اعظم که بجهت تحقیق و غور در مسئله منقدگشته بود ثابت و مدلل نمودیم

مطلب اول - تعرفه جدید است زیرا که این تعرفه نظر مصالح و منافع روس مقرر شده - و هر ماده از آن مورت از دیار تجارت روس و سد باب تجارت ایرانیان است - و نیز تدبیری درین تعرفه بکار برده شده که کلیه واردات ایران بروس منحصر شود و این نکته سیاستاً مضر بحال ملک و ملت و دولت است - مثلاً اتمنه روس تمام پنبه و ریسمان است - و در بافتن پشمینه پشمینه و ابریشمینه دست ندارد - و باید از فرانسه و انگلیس یا دول دیگر وارد ایران شود - بدین لحاظ گرگ پنبه را چندان خفیف نموده که میتوان کالعدم گفت - بعکس پشم و ابریشم را بقدری گرگ گران میگیرند که نزدیک است ابدأ وارد و صادر لغود - چنانچه مساعده میکنید ماعوت ذره دو تومان را امروز سه تومان نمیدهند - حتی کاغذهای سفید که از روسیه میآید گرگش بسیار کم و کاغذ پستی که از فرانسه و انگلیس میآید بسی زیاده از آنها گرگ دارد - ما نمیگوئیم چرا تجارت فرانس و انگلیس در ایران کم شود - ولی البته درین نکته ابراه داریم که چرا تجارت همسایه قوی بجهت در ملک زیاد کرده - و برعکس صادرات ملکتهما معدوم ساخته است - اگر درین تعرفه اصول

معاوضه با مثل شرایط شده چرا اجرا نمیشود و مثل اینکه روس گرگ بر اتمنه ما نهاده بر اجناس روسیه ما گرگ نمیکناریم - و اگر شرایط معاوضه با مثل درین تعرفه نشده خیانتی بالا رازین تصور نمیشود که معاوضه ترکان جائی را که شرایط شرایط معاوضه با مثل داشت باطل نموده چنین معاوضه طعونه مبعومه را برقرار داریم که بر باد کتفه ثروت و تجارت ماست

در سه سال قبل واردات و صادرات ایران را که مقایسه میکردیم ده عشر واردات بود و نه عشر صادرات و زیاده از ده يك کم بود نداشتیم - ولی در این سه ساله آنقدر تجارت داخله نکس نموده و وا خورده است که بقدر چهار عشر صادرات ندارد - و اگر حال چندی بر این منوال ماند تجار ایرانی بکلی ورشکست میشوند - لابد باید نوکر و عامل بانگهای خارجه کردند سالیانه مقدار زیادی تنباکو و قالیچه پشمینه و صناعات دستی و ماگولات از ایران بروسه حمل میدهد - ولی سخت گیری روس در گرگ مانع از حمل آنها گشته و در عوض اینکه ایران هم مال روسیه را نیز زیاده بگیرد مطابق این تعرفه تخفیف کلی داده است

در مجلس دربار با مسیو (نوز) همین مذاکرات را نمودیم - در جواب گفت من قطع ایرانیان را ملاحظه کرده زیرا آنچه اجناس گران قیمت و نفیس بلکه مخصوص متمولین و اعیان بود گرگ زیاده مقرر نمودم - چرا که بدانها سگته وارد نیاید - کیسکه صد هزار تومان مبل میخرد بیست هزار تومان گرگ هرگاه بدهد مسئله نیست - و آنچه محتاج الیه عامه است از قبیل چیت و لباسهای پنبه و اتمال آنها در گرگ تخفیف دادم - تا عامه را بدانها دسترس باشد و ارزان تمام شود و البته منفعت این کار بجهت عامه بسیار است در جواب گفتیم همین امر خود جهالتی بزرگ و خلافی عظیم است که مرتکب شدید - زیرا که رئیس گرگ باید با کمال دقت مواظبت کند و ملاحظه نماید هر جنسی که در داخله مملکت یافت میشود و ممکن است از خود مات میپاشد اگر چه قدری پستتر هم باشد آنجنس را گرگ زیاد مقرر دارد - تا از خارج وارد نشود - تا احتیاج ملت در آنجنس از خارجه رفع گردد - و آنچه در خود مملکت ممکن نیست مرتب شرد قائده در زیاد

اسلامبول و غیره دلیل بی‌ناست - و نوشته‌جات متمم
از آنها در دست است که قیمت جنس فلان مبلغ -
گرك فلان مبلغ - جریمه بهمان قدر
آیا این جریمه را می‌باید عنوان بگیرند و از ما
مسلمانان چه خطایی صادر شده که باید جریمه بدیم -
فلا ما صورت تعدیات را برداشته از اولیاء دولت
قاہرہ با کمال عجز و انکسار مستعدی هستیم که در اینخصوص
احقاق حق فرمایند

روح مطلب این است که اگر این تعدیات در
حساب دیوان آمده و بدولت تسلیم شده با کمال اعتنان
قبول داریم و راضی هستیم - اگر چنین است دقار
گرمی را ارائه دهند تا معلوم شود بخرج دولت آورده
اند - اما هر صورتیکه خود تسلیم گرفته و خود
چه جهت دارد که ما تمکین کنیم - و طاعت و دولت
بکیسه اجنبیان که خارج از ملت و دیانت ما هستند
وارد شود - البته فریضة ذمه دیوان است که استوار
نماید و بصاحبان وجوه برساند

اما آنکه فرمودید چرا خدمت اولیاء دولت عرض
نصکرده اید - باید بدانید که مدت سه ماه منتهای
است که در این مسئله گفتگو داریم بعد از دو صد کیلای
بسیار وزحمت زیاد در دربار اعظم مجلس منعقد گردید
و در آنجا از روی اسناد گرمی و دقار تجاری تعدیات
را ثابت و مدلل نمودیم - و حکم صادر شد که هر چه
تعدی عمده با رد کنند. ولی در موقع اجراء نیامد بلکه
(بیفزود دره و فزون گشت رنج)

حریف حریصتر گردید و در جواب انجمنه
سخنی که اصلاً ربطی به طلب نداشت اظهار کرد - که
در نظامنامه قید شده - که رئیس گرك حق دارد
مقرر را جریمه کند - و کسی نمیتواند از او ینه و
شاهد بخواند - ناچار مجبور شدیم در حضرت عبدالعظیم
پناهنده گردیم - و این امر نه تخصیص بجای طهران
دارد تا بتوان حل بر فرض یا محرم نمود تجار
آذربایجان و یزد و سایر بلاد نیز مکرر منظم شهر
از جامها نمودماند نتیجه نه بخشوده است

مطلب - هم لزوم خلع و عزل میونوز است چنانچه دلیل
(۱) آنکه این شخص موسوی و خارج از مذهب
اسلام است و بر حسب قواعد شریعت نباید در مملکت اسلام

کردن گرك در آن نخواهد بود - حال اگر شا گرك
لابسته بنه و رپسائی را بحدی زیاد بگیرد که اصلاً باز
خارجی وارد نمیشد و مردم مثل سابق قعدك نزد
حیث بر وجود و قلمکار اصنیهان را بکار میبردند چه
قدیم قائده بملت باید میشد - و چه مبلغ پول از ملک
بخارج فرستاده نمکرمید - ولی بسکس اگر اجناس دیگر
را هر قدر زیاد کبند چون در مملکت ما نیست مجبور
بجلب از خارج هستیم - زیرا که ایران تا يك قرن دیگر
طهوت فراسه و حریر لیون را نمیتواند در داخله
دوست کند و کارخانه آنها را دانهاید

خلاصه وضع این تعرفه و اجز خسارته بملت و
دولت متبوعه علق دیگر ما ملاحظه می‌کنیم
چون در جواب این امر و مطالب دیگر که
بجای تشریح آنها ندارم عاجز ماندم - در جواب گفت
دو نفر مأمور از پترزبورخ این تعرفه را آورده
صرا از دو طرف یعنی از خارج و داخله مجبور باضاه
واجراء نمودند - و ابدا صرا در آن تصویر نیست - گفتیم
سلمانا که چنین است چرا چند نفر تجار را خبر نکردی تا
مضار آنرا بدولت حالی کنند؟ فیهت الذی ۱۱۱؟؟

پس امروز بطور حتم ما میبایم تا این تعرفه
برقرار است تجارت ایرانیان جز ضرر هیچ قائده
نخواهد داشت - لذا از امانت دولت مستعدی رفع و دفع
آن هستیم

مطلب دوم تعدیاتی است که در گرفتن گرك بر ما
وارد آمده چه مؤسین این تعرفه وقتیکه در بند موجود
این تعرفه بازاریان جنس وارد و صادر میکنند بنای
اجحاف و زیادتی را به تجار ایرانیان داده - آنچه ده تومان
گرك دارد بخواه تومان جبراً گرفته و تنها این معامله
را با مسلمان روا داشتند مگر دیده ایم يك جنس
را مسلمان و ارضی حمل کرده آنچه متعلق با مملکت است
جزئی وجبی موافق تعرفه یا کتر گرفته - ولی آنکه در
شخص مسلمان است بعد از چندین مصلی ما مسالنی
بنارین مختلفه گرفته اند - تنها آنچه در ماه ذی الحجه
گذشته به تجار طهران بیرون از تعرفه تهی شده سه هزار
و پانصد تومان است - و در اینخصوص دقار تجارتی ما
شاهد میباشد که وزن جنس و نوع با آنچه گرك گرفته
نوشته مستوره‌ها شاهد صدق و نوشته‌جات تجار

نیر مسلم بر مسلمانان مسلط باشد . خصوصاً از مسوولان که
 از هر ممالک و دولت است ترین طبقات ناس انگلیس و
 ممالک نفی و زوال و کثرت نهاد با مسلمانان معروف
 و مشهور و خداوند در حق شان فرماید (ضربت
 عليهم الذلة والمسخره واثوا بنصب من الله ورسوله)
 مخصوص در صورتیکه در خود ممالک اسلام مردمان
 دانی دوست کار پیدا شوند

۲۶) آنکه شخص مزبور را عداوت خاصی با عموم
 اسلامیان و خصوصاً مسلمانان است . و مکرر در مجالس
 علقه گفتار میگوید (ایرانی دزد) و صحت این امر از آنجا
 معلوم میشود که کارهای همه و ریاضتهای بزرگ را
 با رستم و اروپائیها واگذار نموده . هر چند حیانت از آنها
 ابراز شود محال است منزول نماید . بکس مسلمانان بر
 آنان چندانی سختی میکند که بجان آمده مکرر از وی شای
 شده اند . مگر سال پیش نبود که جمیع اجزاء پست از
 او برگشته در اصطبل هایونی متحصن شدند (بلخی
 از دلائل صدق این مطلب آنستکه میرزا یانس ارفی
 در زمان مرحوم امین الدوله در پست مستخدم و نماینده
 چهار توپان موجب داشت . بمجرد آنکه مسیو (نوز)
 رئیس شد او را مدیر کل پستخانه مرکزی مقرر نمود
 او نیز بقدری بر مسلمانان اذیت ظن کرد که از جان تنگ
 آمده نزد مسیو (نوز) شکایت بردند در جواب جز کلاه
 (ایرانی همه دزد - مسلمان همه دزد) نشنیدند . بدین
 است که از چنین شخص توقع دوستی نکردن خطا
 و پشانی کمرک بیابان را بامید محبت خاریدن خارج
 از حکم عقل است .

از اول نیز او را کسی بجهت ریاست نخواسته بلکه
 بتواند نقش دهنوت کردند . مثل آنکه مکرر صاحب منصبان
 نظامی از اطریش و غیره کنترات شده بایران آمده آیا
 بایستی وزارت جنگ را بآنها تفویض و واگذار نمایند ؟
 (۴) آنکه خطرات وارده اوجامت و دولت واضح است
 و چنین شخص نباید حکمران باشد . و ذرات ضررهای
 وارده از القاد این تعرفه جدید و برهم زدن مواهب نامت
 زرکان جای کافی است . چنانکه در مجلس برگردن شخص
 خودش وارد آوردیم . و این همه تعدیات بر اندازه که در
 حق رعایای پادشاه و ملت اسلام میباشد آیا در نایت کردن
 زیادتی اوردن کافی نخواهد بود ؟

بلاخره موافق تعقیباتی که ما بر میرزاان طایفه کرد
 نموده ایم هر چه باید میشود لااقل نصفت او از میان روی
 نطف دیگر بعد از وضع جمیع مخارج دولت میرسد .
 نکته که خیلی قابل مورد توجه و مطابق عقل و حسن
 میباشد این است که همه کس میداند این شخص از خود
 دارای عیول و زوت نبود . و اگر از مقنولین یا مقنولین
 بودی هرگز از مملکت و وطن خود با این مشاخره
 قابل بایران نیامد . و امروزه ملیونها در بانکهای
 متطدده فرنک باصم و ذمم ذخیره نموده است و در
 وطن طویس عمارت و ابنیه رفیه رفیه کفیده . آیا
 مواجب او کفایت این مهیات را مینماید و این قدر هست
 که بتوان سالیانه چند کروار از او جمع و ذخیره کرد ؟
 اگر نمیدانید از همه دلاها و جواهر فروشان این
 شهر جویا شوید که تمام جواهرات ایران را مسیولانوی
 جلب و جذب کرده . حتی دلالهای بیوفای از زن و مرد
 بخانه ها فرستاد . هر سنی گرانجا را خریداری نمود
 هیچ صدر اعظمی که پست یا سی سال صداوت کرده
 باشد بقدر نصف این شخص مداخله نه بود باز اگر ایرانی
 زیاد بود انسان میتواند دل خود را بخودی خوش
 کند . که اگر از مردم بمنت میگیرد در عیول مملکت
 است . اما در صورتی که چنین داریم این چه مجیب بکفر
 باجیبی میرود و تمام از ایران خارج میشود چه جهت
 دارد که دولت باید تا این درجه با او همراهی کند و تا
 این مقام او را مستقل سازد که همه خایه دولت بدون هیچ
 تقییش در دست او باشد . تا آنچه خواهد بکند و آنچه
 تواند رفتار نماید و در حساب مملکت و وطن خود گردد ؟ (نظیر
 رئیس الحائین که سی سال ایرانیانرا چاپیده و حق القدور
 اموال ایران را فراهم کرده بر داشت رفت در فرنگستان
 با عادههای فرنک در قهوه ها و هواتها و تیاوها با
 عیش و عشرت مشغول گردید . علاوه نکرده)

(۵) آنکه عقلا و سیاسیون تصریح کرده اند که
 دول متوسطه وضعینه نباید با دول مظلومه و حکومت
 مقتدره طرف ماملات گردند . زیرا که دول مظلومه مد
 صدوند که بهر طریق ممکن شود دول متوسطه را پایمال و
 مملکتشانرا تصرف کنند . خصوصاً اگر دول قوی بجهت با
 یکی از آنها همسایه و همجوار باشد که هماره دولت
 کوچکتر باید با نهایت احتیاط نگران آنها باشد زیرا
 که همه عیان بهمروف ایداء همایه ضعیف است و

انگلیسی هم مشرب

نگارنده - خوب از بابت پست هم شما صدمه
میرسد و سکنه تجارت وارد میاید و در آنخصوص
بیز شای و متظلمید یا خیر ؟
حاجی - مسئله پست امری علیحده و داستانی
مفصل است که ما فعلاً از او صرف نظر داریم - ولی
شما ملاحظه کنید مسافر از اسلامبول تا طهران ده
روز تنها دوازده روزه میرسد و پست اگر یکماه
برسد متشکر و ممنونیم - آخر تقویض يك اداره دولتی
فرنگی چه جهت دارد جز آنکه در مورد اصلاح
برآید - و در رونق و ترقی آن بکوشد - خواه در زمان
مرحوم امین الله اداره پست منظم تر بود که سرفه
بایرانی بود یا این ایام که اروپا را واگذار شده ؟ مدیر
کل پستخانه مسیو زمرطار را از حاشی تحقیق شود که
از نام عالم تر دست تر و شالاران تر است و نگارنده
گوید - از این مدیر معظم دا تنها دارم که شنونده را
متعجب میسازد - من چه آنکه چندی قبل اطاق
از فرنگ آمده فرانس پست برده در اداره گمرک بدو
تقویض نمود و امضاء خواست مشارالیه در عرض اسم
کافه (رسو) که بمضای الواصل است بخط فرانس نوشته
فرانس داد - فرانس بپیماره پسواد خاطر جمع شده
رفت - دو هفته بعد اجزاء پست رجوع کرده دیدند
اسم نیست در صدد برآمده از فرانس جوابا شده او را
نشان داد - مشارالیه بکلی منکر شد خبر بمسیو (نوز) دادند
تمام فرنگیان مستخدم گمرک را خواست پرسش نمود که
این خط از کدام است تمام گفتند از ما نیست کار
مشکل شد فرانس گفت من محل صکه امانت را نهاده
است میدانم - پس با اتفاق رفته همان امانت را در صندوق
مدیر کل یافتند - یا لعجب این عمل که حیانت بین است
فراموشی خاطر و سهو قلم بشمار آورده اینها دو
اهداد گناه نهمردند و او را عزل یا سیاست نکردند -
از آن بدتر حالت مدیر گمرک مرکزی است خدا بفریاد
مسلمانان برسد که زبردست او واقع شده اند خلاصه هرگز
اداره پست باین درجه بنظم و غیر مرتب نبوده که در این
ایام است و ما چنین تصور میکنیم هر چند سکنه
تجارت است - صرفت امانت نیز در پستخانه از بدعهای
این دوره است - تعطیل و توقیف باکات و امانات چند
روز متوالی نیز از برکت وجود این وزیر اروپایی است

چشم طمعان بطرف زمین مجاور دوخته - لهذا گفت
اند اگر دولتی مجبور شود که از دول دیگر يك یا چند
نفر مستخدم نماید - باید از دول بیطرف اتحاد کند
چه حیانت ملی را میتوان تحمل نمود - ولی خیانت
پانگی جزدان دشوار است که باندك تكامل موجب فنا
و اضلال يك دولتی میگردد - امروز اگر چه مسیو
(نوز) اصلاً از بلجیک است - ولی چون حاجی نفوذ
پانگی و تجارتی روس است میتوان او را مثل امور
مخصوص روس دانست چه - کلیه توجه نظرش صرف
اجراء مقاصد روس در ایران است - و میبخواهد بیرویه
ممکن باشد قوت سیاست و نفوذ تجارت روس را در ایران
زیاد نماید - و در این چند ساله ریاست او این مسئله بخوبی
آفتاب کشته فقط حالیه چیزیکه يك جزئی بروسیه میرود
تساخسکه بار است و اینك شاید و در جراند خواهدیم که
وزیر تجارت روس نطق داده که علت حدوث و بقاء در
روسیه ورود این قسم خطه که بار است - چه اغلب بانواع
کثافات مخلوط میشود - و صورت حدوث مرض میگردد
این رشته را نیز عنقریب سد - می نمایند دلیلی واضح تر
بیان شود هر روز در سرحدات جنوبی امور گمرکی با
انگلیسان مباحثه و مناقشه دارد و مستمر با طهران عبارات
می نمایند - چرا يك مرتبه باروسان در سر يك امر جزئی
یا کلی مناقشه - گفتگو نمی نماید ؟ آیا میتوان گفت
روسیان این قدر قانون دان و بیطمع اند که هر گزایی
از کلام خود بیرون نمیگذارند ؟ نه والله مگر نه آنست
که مأمور هر دو ان باید ملاحظه صرفه سیاسی دولتی که
مستخدم اوست مقدم بر جمع فرائض بداند آیا کدام صرفه
را دیده - وجه تقی از وجود او عملت و دولت ایران
عاید گردیده است - جز اینکه مسلمانان را که در گمرک و
پست - مستخدم برده اند ذلیل و ضعیف - ساخت و زبردست
يك مشت اراده که حالتشان بر جمیع ملل روی زمین معلوم
است واقع ساخته - و بسیار برادون - بب ظاهر الحراج
نموده در مقام آنهايك اونی هرق فروش را نصب کرده
است - ما میگوییم چرا با انگلیسان مخالفت میورزد بلکه
ایرادمان این است که چرا باروسا تا این درجه ساز موافقت
مینماید این نکته بر اروپا سیاست پوشیده نیست که ملت
و دولت بزرگ علی سید العموم در از است حاجی پانگی
دروسیه بر خلاف انگلیس - مایوگری میبخواهیم که حاجی
پانگی ایران باشد نه با روس هم مسلک باشد نه با

تقدماً ما بآنها متعرض نیستیم

نگارنده - جناب حاجی اگر دولت ملتمس شما را اجابت نکند چه خواهید کرد ؟

حاجی - با این وضع کنونی اشتغال ما بعمل تجارت امری است محال - زیرا که جز ضرر و زیان فائده بر او مقرب نیست - اگر خدای نخواست دولت علیه از تجار که رکن و کین مملکت اند و قوام تمام امور ملکی و مالی منوط بوجود آنهاست - صرف نظر فرموده ما نیز بکلی از کسب و تجارت دست خواهیم کشید - چنانکه همه بلاد داخله و خارجه تاگراف کرده ایم که از خرید و ارسال اجناس دست بکشند

نگارنده - از شما یک در زاویه مقدسه پنهانند شده اید از طرف اولیاء دولت کسی نزد شما آمده و سؤال وجوابی در خصوص مطالب سه گانه کرده اید یا نه ؟
حاجی - بلی مکرر اشخاص مختلف آمده اند یک دفعه جناب سیدالسلطنه و وزیر تجارت و جناب سیدالسلطنه و حاجی ناصرالسلطنه و جبهی دیگر از اعیان وزراء آمده از این مطالب سه گانه یکی را که استرداد تعدیات باشد قبول کرده اند - و ابطال تعرفه را چون معاهده دولتی است جایز نمی شمارند - عزل مسیونوزو نیز امروز بن در نمی دهند - ولی میگویند تا مراجعت اعلیحضرت همیونی از سفر فرنگستان پیشتر وزارت او طول نخواهد کشید - و ما چون اطمینان نداریم نمیتوانیم بمجرد قول قناعت کنیم شاید مجدد بنای تعدی و حساب را گذارد - چه این مرد باندازه جسور و بیباک گردیده که نه بجات ایران اعتنا میکند و نه احکام دولت را اطاعت مینماید هرصه ایران را جولانگاه خیالات خود قرار داده است

نگارنده - ممکن است یکتفر یا متعدد مفتش باطلاع تجار دولت بگارد تا مواظب حرکات و تعدیات فرنگیان در گمرک باشند

حاجی - خیر تا این مرد بر سر کار باشد ممکن نیست تجارت ایران رونق بگیرد و تجار آسوده و خاطر جمع شوند

نگارنده - اگر او را از سر اینکار برهانند شما کسرا سراغ دارید که بتواند گمرک را اداره نماید و اقساط

قرض روسرا در هر موعده بدون مسامحه برساند حاجی - اولاً اشخاص کافی امین عالم در ایران بسیارند که هر کدام بسی از مسیونوزو علتر و هاتا توند چون ناصرالملک و غیره بملاوه ما خودمان بهتر و پیشتر مسیونوزو درین عمل بدولت می رسانیم و انجام میدهم و بجهت تأمین اولیاء دولت نفع قاهره از بانگهای خارجه ضامن میدهم و اقساط قرض را برای یکساله پیشکی اداء میکنیم

چون رشته سخن بدین مقام رسید خبر دادند که جناب علامالملک وزیر علوم و معارف در ضمن حضرت عبدالعظیم آمده منتظر حاجی است تا در این باب مذاکره نموده شاید امر را فیصله نمایند - دیگر صحبت را مناسب ندیده برخاسته لحفا حافظ کرده با تن طازم دارالحلایفه گشتم بلوجود کسالت این ورقه را مسوده مسکرده فرستادم بعدها نیز هر چه روی داد هر نه خواهم داشت انشاء الله الرحمن و باقی التوفیق

مسافرت هایونی

مدبر روشن ضمیر - روزنامهجات فرنگ خبر مسافرت اعلیحضرت شهریار را رسماً انتشار دادند - یقین است که مخبر (روتی) از طهران به جراید انگریزی کلکته نیز خبر رسائیده و مدیر محترم نیز در صحایف روزنامه وطن ما درج فرموده اند - لذا نظر بوظایف خدمت گذاری خلاصه عناوین جرائد را انشاء خدمت میدارم و بر مدیر محترم اطمینان میدهم که زمان ورود موکب هایونی در فرنگستان کافی السابق بدون کم و زیاد اطلاعات و رفتار همراهان و کاب و ارکان دولت را در خدمت فرنگ با دانه مقدسه برسانم

از قراریکه روزنامهجات فرنگ مینویسند سوم ربیع الثانی ۱۳۲۳ موکب هایونی بعد از ظهر از میدان اسب دوانی جنوب طهران حرکت با طمطراق زیاد از راه رشت و سواحل دریای خضر رو به فرنگستان برای مداوات آب معدن رهسپار شدند

موصکب هایونی با خدم و حشم راه داخله را با صکال صکه طی نموده بسرحد خشک روسی آمده از آنجا تجملات زیاده با خدم و حشم مراجعت به طهران دادند اعلیحضرت شهرلوی

§ خبر (روز) از (توکيو) خبر میدهد که (بارن کومادو) در جواب خواستش مستر (روزبولت) رئیس جمهوری دولت آازونی بمفیر امریکا رسماً خطی فرستاده و در آن اظهار داشته است که برای صلح و نگاهداری امنیت و ملاحظه و خور در شرایط صلح و این هرگاه دولتین متخاصمین رضا داده وزیر مختاری همین دارند سپس در مواد صلح بحث نموده جنگ خاتمه خواهد پذیرفت

§ جنان ظاهر میشود که وزیر خارجه ژاپون با رأی وزیر خارجه روس در تعیین نالی برای خور و اصفیه شرایط صلح متفق نشده و وقت و شخص را معین نمیدارد - در دانه سیاسی بتوسرگ این امر موضوع بحث است که دولت روس را باید از همراهی بخالات ژاپون باز داشت چه همراهی در مواد صلح با ژاپون خساره کلی روس وارد خواهد آورد - سائر ارباب سیاست را عقیده این است که دولت روس تنها در فیصله شرایط صلح و این طرف خواهد شد و ژاپون جنان ظاهر خواهد کرد که قبل از وقت روس شرایط او را مجبوراً قبول نموده است - تمام سیاسيون متصد جواب روس از رد و قبول اند

§ خبر (روز) از (نیس) پای تخت (مراککو) خبر میدهد که دولت آلمان برخی امتیازات تجارتي مختصر از سلطان حاصل نموده خوف آن است که مخالف با امتیازات دول سائر باشد و انقلاب عظیم در مراکو پیدا شود

§ وایس قونسل دولت آستریا را در (هازاگاد) و یکی از طالبای دولت انگلیس را در (مواریس) که از مضافات مراکوست بتل رسایده اند - دولتین مشارالیه از سلطان باز خواست نموده اند

§ تلگرافیکه از واشنگتن رسیده ظاهر میدارد که بین مستر (روزبولت) و سایر نمایندگان دول مختارین بسیار شده و مظنون است که در مواد و شرایط صلح روس و ژاپون باشد - مستر (روزبولت) این بحث را مخفی داشته تا بدواً با دولتین روس و ژاپون مختاره نماید دولت آازونی ساهی است که مسئله صلح را پیچه جهت تمام باید یعنی تا آنچه لازم فیصله نالی است دولت آازونی انجام خواهد داد سپس دولتین روس و ژاپون فیصله شرایط را بین خودها خواهند نمود

باسی سه نفر از وزرا و بزرگان و بیست و دو نفر نوکرهای مخصوص که جمیع مستخدمین پجیاه پنج نفر باشند عازم باد کوبه شده - از آنجا رو به مسکو و ردو والکساندرون داخل در خاک آلمان گردیده از طریق بران و فرنگ يك سر رو (بکنتراک سویل) به مداوات و آشامیدن آب معدن بیست و نوزده مداومت خواهند فرمود از قرانچ جنان استنباط می شود که پس اتفضای مدت استحمام و تفریح طماغ روانه بخاک آلمان شده و قدری در مریم آباد و کالیاد نیز استحمام خواهند فرمود پس از گرفتن جشن عام جنیدی اقامت در پاریس خواهند داشت

تکرافات

(۶ ربیع الثانی - ۱۱ جون)

§ در (پتوسرگ) و (توکيو) مناب قرر نمایندگان تصفیه امور صلح بحث در پیش است

§ دولت روس رضا داده که برای اصفاء شرایط و این نماینده را انتخاب نماید مشروط بر اینکه و این نیز از جانب خود شخصی را مقرر دارد از آن بعد در اصفیه شرایط صلح مجلس و بحث خواهد شد

§ از طرف دولتین متخاصمین جواب خواستش مستر (روزبولت) رئیس جمهوری دولت آازونی در ماده صلح دیتب رسیده - طرفین اظهار خوشنودی از مستر (روزبولت) عومه خواست ایشانرا قبول نموده اند - جنان معلوم میشود که دولت فرانس هرگاه تأیید کرده است خیالات مستر (روزبولت) را و با تمام قوت خود اصرار در قبول آن نموده است

§ خبر (روز) خبر میدهد که هنوز ضرورت در تعیین وزیر مختار دولتین متخاصمین نشده همین قدر خواستش دارد که شرایط صلح را از طرف ژاپون اصفاء یابند - پس از آنیکه شرایط صلح و این در پتوسرگ ملاحظه شد و دولت روس قابل ساعت و قبول داشت وزیر مختار برای فیصله شرایط صلح و ترتیبات لازمه آن معین خواهد نمود

(۲ ربیع الثانی - ۱۲ جون)

§ خبر (روز) از (توکيو) خبر میدهد که لشکریان ژاپون در شال و شمال ضریب (جانکتو) روسها را خارج نموده عقب نشاندند

و هم‌مقامی را که ژاپن مقرر نماید مجلس برای مذاکرات صلح مقرر خواهد شد. و شرایط بین امپراطورین ژاپن و روس تصفیه خواهد پذیرفت از آن بعد وزیر مختار از طرفین تعیین و صلحنامه محضی خواهد شد. - بمیدنیست که این مجلس در (واشنگتن) مقرر شود امروز شام از جانب هوات روس به مستر (میور) جواب رسید -

§ بموجب خبریکه از (واشنگتن) رسیده (کونت کاسینی) بمستر (روزیولت) خبر داده که دولت روس قبول نموده است شرایط ابتدائی ژاپن را در خصوص صلح. و حاضر است وزیر مختاری مقرر نماید که در مواد صلح بحث مکررده پس از فیصله امضا نماید. - جوابیکه بمستر (میور) رسیده بهم معلوم می‌شود پس از سؤال و جواب بسیار عاقبت دولت روس قبول این معنی را نموده است

§ بموجب خبریکه از (واشنگتن) رسیده (کونت کاسینی) بمستر (روزیولت) خبر داده که دولت روس قبول نموده است شرایط ابتدائی ژاپن را در خصوص صلح. و حاضر است وزیر مختاری مقرر نماید که در مواد صلح بحث مکررده پس از فیصله امضا نماید. - جوابیکه بمستر (میور) رسیده بهم معلوم می‌شود پس از سؤال و جواب بسیار عاقبت دولت روس قبول این معنی را نموده است

(۵ ربیع الثانی - ۱۳ جون)

§ در (توکیو) رسماً اعلان یافته که بتاريخ دهم جون لشکریان ژاپن در بعضی از مقاطعات قشون روس را عقب نشاندن منتشر ساخته اند

§ بموجب خبریکه از واشنگتن رسیده هنوز برای انعقاد مجلس صلح جا و مقام معین نشده واشنگتن و منچوریا مناسب تصور نمیشود ولی رئیس جمهوری آازونی را بتالی طرفین قبول دارند

§ مستر (تاکامیرا) اظهار داشته که فعلاً لازم نیست جایگاه مجلس صلح معین و در سر این مسئله بحث نمود. - این امر را وقت دیگر هم میتوان معین کرد § در (توکیو) دربار عظیم الشانی دیروز منعقد گردیده که شخص امپراطور و وزرا و امرای بحری و سرداران لشکری و کشوری همه حاضر بوده اند

§ مستر (روزیولت) بتازگی با سفرای روس و ژاپن (کونت کاسینی) و مسبو (تاکامیرا) بحث و گفتگو نموده اند

§ بطریق نیم رسمی در (پترسبرگ) اعلانی شایع شده که دولت روس حاضر است نایبند را برای استماع شرایط صلح با ژاپن مقرر دارد و این اقدام دولت محض عدم رضایت ملت بیژنگ و مبلشان بجانب صلح است -

(۹ ربیع الثانی - ۱۴ جون)

§ والا حضرت خدیو رونق افروز لندن شده دیوک آف کنات برادر اعلی حضرت پادشاه انگلستان در ایستگاه راه آهن ایشان را استقبال نمود

§ خبری از واشنگتن رسیده که اعلی حضرت امپراطور روس تصدیق فرموده اند رأی (کونت کاسینی) را ولی دولتین روس و ژاپن فعلاً افشای این مسئله را چندان ضرورت نمی‌بینند

§ سه سالار اردوی روس در منچوریا جنرال لینوچ خبر میدهد که در تاریخ نهم جون قشون ژاپن بطرف (کولتکو) که بجانب (مندارین) است حمله نموده و بمنزله آن نواح برش آورده و تبه را بجانب شالی (کواکو) متصرف گردیدند

§ بموجب اعلان رسمی (توکیو) لشکریان روس از سه طرف برش باردوی ژاپن آورده و از هر سه جانب جواب سخت یافته عقب نشسته اند

(۱۰ ربیع الثانی ۱۵ جون)

§ (سکونت لسدری) وزیر خارجه روس بر رئیس جمهوری دولت آازونی اظهار داشته که اعلی حضرت امپراطور روس خیلی مسروراند از توافق خیالشان با خیالات عالیة ایشان در جمیع امور مفروضه بنام صلح خواهی و امنیت عامه. و نیز ظاهر داشته دولت روس ابدأ در انتخاب وزیر مختار عذری ندارد هرگاه ژاپن نیز درین امر حاضر و موجود باشد

§ در پترسبرگ عنناً جواب دولت روس اشاعت

یاخته و امانی را مسرور نموده اهلالی پرورش روح خود را در آن الفاظ صالح انگیز میدهند در آن اعلان بیان شده که در بلب مقرر داشتن وزیر مختار دولت روس را ابدأ عذری نیست مشروط بر اینکه ژاپون را نیز عذری نباشد

§ بر وزیر یونان (مسیودلیاسی) بیرون سرای سلطنت شخصی حمله نموده مجروح ساخته زخم کاری بلو زده و ملزم دست پلیس است

§ وزیر یونان از صدمه آن جراحت ترك زندگانی گفت بوم جمعه لعش او را بر خواهند داشت

§ قاتل (مسیودلیاسی) بقصد مصاحبه خود را نزد او رسانیده کاردی بر شکمش زده بقتلش رسانید. نام قاتل (شیرا کارس) گفته می شود. جهت عداوتش این بود که حکمکم بانسداد قمار خانه ها داده بود

§ گویا سلطان (مراکو) رسماً دولت فرانسه را متنبه نموده که نمایندگان فرانس بیایان و مخالفین سلطان اسلحه تقسیم می نمایند

§ وزیر خارجه فرانس مسیو (رو ویر) را مشکلاتی چند در انتخاب سفارت نوق الماده برای فرستادن برلن و تبدیل سفارت (مراکو) پیش آمده و این امر سفیر آلمان (مسیو تان ناچ) را موقع نیکیو بدست داده رسوخ و نفوذ خود را زیاد می نماید و بندرگاه جدیدی در تانجیر تعمیر می نماید

§ چنان معلوم میشود که دولت فرانسه خیلی متوجه دولت جنوبی مراکو شده رسماً دخول اسلحه را برای سلطان منع نموده و ضمناً خود نایب میکند که شاید رقیب وی که آلمان است از حرکات مخالفانه باز آید

§ خبر روتر از (سگان) جبر میدهند که یکی از جہازات دو طلب (کوبان) نام در جزیره (سنت جیمس) که از جزایر (کیب) است دیده شده

§ جنرل (اینویج) - پسالار قفقون روس در منچوریا خبر میدهند که چند جنگ مختصر پیش آمده در بعضی مقامات روسها و در برخی ژاپونیان پیش و قتلاند

§ مسئله صلح هنوز موضوع بحث و سووت خارجی پیدا نکرده برخی را عقیده این است که اگر انعقاد مجلس صلح در (هینگ) بشود بصواب مقرون تر است

§ خبر (روتر) از فیض خبر میدهند که سفیر انگلیس مستر (لایپر) هشتم جون رسماً عدم شرکت دولت انگلیس را در مجلسی که برای تصفیه مسئله مراکو سلطان خواستگار شده ظاهر داشته است

§ سفیر آلمان (کونت وان تان ناچ) از جانب دولت آلمان بتاريخ نهم رسماً از طرف آلمان قبول دعوت و شرکت در آن مجلس را نموده است

§ دولت انگلیس پادشاه سوید و نلروه را بمهدیه امیر البحری اقتخاری امتیاز بخشوده و نشان (آردو آف گارتز) بیادشاه سوید و نشان (ویکتوریا آردو) را بخدیو مصر مرحمت فرمود

§ از تلگراف واشنگتن ظاهر می شود که رسماً دولتین روس و ژاپون واشنگتن را برای بحث در مواد صلح انتخاب نموده وزیر مختار نیز تعیین کرده اند

§ مسیو (روویر) مستقلاً امور وزارت خارجه فرانس را بحف اقتدار خود گرفت

(۱۱ ربیع الثانی - ۱۶ جون)

§ سفیر ژاپون از طرف امپراطور خود تعیین مقام صلح را در اروپا پسند نمی نماید و واشنگتن را بر صورت ترجیح میدهند

§ اخبارات پترزبرگ متکبرانه می نویسند که ژاپون درباره صلح پیش از روس قائل است

§ هیئت انجیرهای مسکو اتفاق نموده اند که با فرقه (زمستوز - اصلاح خواهان) همراهی نمایند و این اول نتیجه است که در جلوگیری ارکان سلطنت ظاهر شده

§ اعلیحضرت امپراطور روس درباره عرضداشت فرقه زمستوز اعلام نمودند که بعضی از خواهشات آنها را میتواند پذیرفت ولی نمایندگان فرقه (زمستوز) رضا در قبولیت این امر نداده اند

جبل‌الین کلکته

مهیگل کالج اسریت نمبر

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤبدالاسلام است

منتظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۳

مصادف با

از هر کس و هر جا بلا استثناء ایوه اخبار (مقدم گرفته می شود)

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

سالانه — شش ماهه

هند — و برمه

۱۳ روپیه — ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران — ۲۵ قران

عثمانی — و مصر

۵ عیدی — ۳ عیدی

اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

روس و ترکستان

۲۶ جون ۱۹۰۵ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

جبل‌الین

سنه ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و قواید ملی بحث میشود
مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

- سیاسی • مکتوب از کرمان • مکتوب از بوشهر •
- جبل‌الین • مکتوب از سمنان • جفرانیای ایران •
- مکتوب از استرآباد • طوفان نوح یا عطش اکبر •
- وقایع عتانه طهران • ایضا • حرکت موکب معلی •
- حقوق امریه و حریت النسوة • مکتوب از جده • بوشهر •
- مکتوب یکی از ارباب غیرت • اصلاحات وزارت جنگ •
- سواد کتابچه راجعه بعمل نظام • ترجمه از روزنامه وین •
- مکتوب از انزلی • شیراز • مکتوب از گیلانات •
- خطابه خیر مقدم • مکتوب از گیلان • ملائش دولاب •
- سبزوار • چاهار • مکتوب از شیراز • تلگرافات •

سیاسی

نوح: امپراطور (آلان) بمراکو افق سیاست عرب
را مکرر کرده - و فرانسه را دچار دعوت و قرین
و حثت ساخته - نه سیاست دولت فرانس قبول میکند
بجسارت آلان بن در داده - چشم از مراکو ببوعد -
و نه پانیکس اقتضای میباشد که برخلاف آلان حرکت کرده
خویشتن را مبتلای بجهنگ عظیم سازد - در هر صورت
دولت فرانسه را فتح مقصود نیست - چه اگر تنها
بمیدان خصم مبادرت کند خوف غلبه او ساری است -
و اگر سکوت اختیار نماید - غلبه سیاسی دشمن و

مغلوبت وی آشکار - ضرر مغلوبیت سیاسی نیز کثر از
خساره شکست در میدان نیست - چه همین قدر که خصم
احساس مرعوبیت نموده - و دانست که حریف در
میدان سیاست بدون میدان داری عیب می نشیند لامحالہ
مانند خروس جنگی همه روزه او را تعاقب کرده - امروز
در (مراکو) بساط منازعه بین - فردا در (الجزائر)
و (مدیکالگر) مجلس مرافقه پیش میشود - همینکه در
مستعمرات بیده مغلوب شد - بر جسارت حریف
انزوده به ممالک داخله او دست انصرف می ادازد -
تا اندک اندک از درجات عالی و مقام اولیایش کاسته از
جرگه شکاریانش خارج - بالطبع در کله شکاران درآید
چون نظر غائر بصحف تواریخ انگلیس و درصعود و
مبوط ملل و دول فکر نایم علت را - حزابین نخواهیم یافت
چنانچه تاوقتیکه ایران بفرق قاهره معروف و به
نگامداری شرف و غیرت و حفظ سیادت و عتلائی ملت
و دولت خود معروف بود - احدی تصور تصور تصرف
ممالک محرومه ما مخاطر خطور نمیکرد - آن وقتی بود که
مسایگان از ما چشم زده بر مستعمرات خود از جمله
ایرانیان می نویسدند - (نادرشاه افشار سردار روس
پیغام میداد که لشکرکشی ایران را امر میکنم که با
جزوب مانند خشتک قشون تو را بدریا بزنند) و از

درین مجلس بحث خواهد شد ظاهر شود. شاید فرانسه بتواند رأی خود را در شرکت و عدم در آن اظهار دارد. و برخی از سیاسیون فرانسه اظهار داشته اند که در صورتی نایبندة فرانس در این مجلس شرکت تواند نمود که بین فرانس و آلمان عهدنامه تازه بسته شود بجاوة اخرى فرانسه راضی است که رفع این منازعه را با اتحاد آلمان به نماید. و حقوق چند هم برای آلمان در (مراکو) تسلیم دارد.

فلاً (مراکو) بین فرانس و آلمان مانند (کوریا) بین روس و ژاپون واقع شده. بیدنیست مسئله (مراکو) برعکس (کوریا) بمصالحه بگردد. و منجر بجنبش عظیم نشود چون انگلیس را هم در (مراکو) حقوق مسلم و هم حتی که بفرانس در مراکو واگذار شده طالب المصالحه حقوق فرانس بر مصر است و اگر حقوق فرانسه در مراکو ضایع شود چون در يك معاهده فیصله یافته بالتبع حقوق انگلیس هم در مصر ماطل خواهد ماند. و همان دلیل که دست بالای (مراکو) گذارده شد. دست بالای مصر نیز گذارده خواهد شد بروضح است که اگر امپراطور آلمان اعلیحضرت سلطان عثمانی را محرك شده دعوی در ابطال معاهده فرانس و انگلیس درباره مصر پیش نماید و آلمان چنانچه در مراکو همراهی نموده در مصر نیز حمایت کند دعوی بزرگ و مسئله خیلی اهم خواهد شد. و همان قسم که امروزه فرانسه در ششدر حیرت فرو مانده. انگلیس نیز گرفتار نعمت خواهد گردید. این است که دولت انگلیس برای حفظ منافع خود سراوغناً بجهت فرانس سخن میراند. ولی فرانسه میدانند که انگلیس ها تاجر و حمایت آنان تا جایی است که مربوط بصرفه تجارتي خود شان باشد. مثلاً سه سال در ترنوال جنگ کرد و صد ها میلیون صرف نمود تا بمقتضی مائلی گردید. ولی صرف در (سومالی) را چون به صرفه تجارتي مقرون ندید. یکی دو میلیون که صرف شد ترك کرده مصالحه نمود. فرانس نیکو میدانند که انگلیس ولو اینکه مدعی است که همه قسم همراهی در این مسئله خواهد نمود. ولی تا حربه با آلمان پای فرانسه نایستاده ازین رو جرئت اینکه علناً آلمان را مانع ازین حرکات شده سخن او را جواب گوید. و مرا کو را از اتحاد با آلمان

طرف دیگر خاقان منفور قحطی شاه قاجار سفیر انگلیس را خطاب کرده بالفظ در برابر میفرماید (امرای (سندیه) در تحت او امر سلطیه و بسته بدولت علیهاست. نظریه اتحادیکه بین ایران و انگلیس است دولت مشارالیها هیچ وجه نباید متعرض آنها شده بلکه در مواقع لازمه باید کمال همراهی را بآنان بنماید. تا مورت مسرت و مزید بر اتحاد ما گردد) همین که همسایگان جسور شده در مستعمرات مادتت تصرف دراز کردند و سکوت طارا دیدند از یک طرف صوبه قفقاز و مملکت طورا مالهر و از طرف دیگر سند و افغانستان و عمان و بلوچستان موضع گردید. و همه روزه بمحدود داخله طان تقدم میجویند این است که سلاطین با سیاست و رجال مال اندیش با درایت بمصدق

(سر چشمه باید گرفتن به بیل)

(چه برگشت نتوان گذشتن به بیل)

در منازعات سیاسی و معاملات پلتیکی تمام قوت خود را صرف نموده نمیگذارند خصم بر آنها هیچگونه غلبه جوید و حریف را چیره دستی آغازد همین ملاحظاتی است که دولت فرانسه از یکطرف در معرفییت خصم حکم به نذارکات و احضار قشون داده. از طرف دیگر بقوه پلتیک و سیاست ساعی است که آتش طمع خصم را فرو نشاند. بقول یکی از ارباب جراید (فرانس از مرگ نمی ترسد. هر اسان است از آن که مرگ خانه او را بشناسد)

در شماره های قبل توجهات آلمان را به (مراکو) و توسلات سلطان را با آلمان اشاره نمودیم. اندک اندک آلمان جری شده با اطمینان این مسئله سیاسی را موضوع بحث قرار داده دولت (مراکو) تکیه گاه و پشت و پناه خود را آلمان قرار داده و با اشاره و تأیید دولت مشارالیه انقضاء يك مجلس سیاسی باسم کانفرنس در (فیض) دیده و نمایندگان هیچ دول بدان مجلس مدعو گردیده اند دولت آلمان شرکت خود را رسماً اعلان داد. ایتالیا و آستریا هم در آن مجلس تا درجه قبول شرکت نموده. دولت انگلیس رسماً انکار از شرکت کرده فرانسه متردد به قبول و عدم آن است. تا حکنون معلوم نیست که موضوع بحث این مجلس چه خواهد بود. و انعقاد آن برای چیست؟ این است که وزیر خارجه فرانس پس از مخاربات بسیار اظهار داشته و اصرار دارد مسائلیکه

مکتوب از کرمان

حضرت والا شاهزاده رکن الدوله والی ایالت کرمان و بلوچستان در نظم بلاد و رقابت طبعی و سیاسی حمله بکار می برند و کمال بی طمعی و سلامت نفس را دارا میباشند. و هرگاه ملتفت شود که یکی از اعضاء خود شان ولو هر قدر محترم باشد در جامة سابق خدمت نمی نماید فوراً در صدد ردع و دفع او برمی آید. چنانچه آقا میرزا عبدالرحیم خان موقرالمملک که جنبدی بوزارت طایفه کرمان نامزد بود. و الحاق درین مدت هم اسباب زحمت اهالی گردیده و هم مبنای طالبات دولت را از میان برد و ضرر کلی نیز به شخص ایالت وارد آورد.

ناچار ایالت کبری بجناب شهاب الملک نایب الایله امر فرمودند که بمحاسبات وی رسیدگی کرده و وزارت طایفه را نیز ضمیمه سایر مشاغل خود قرار دهند. جناب شهاب الملک مدتها اوقات هنرمند را صرف اصلاح مفاسد او نموده مطابق تحقیق و اطلاع مأمورین دیوان و اعضاء ایالت و اعیان مملکت که سه ماه است همه روزه مجلس تشکیل و در تفکیک محاسبات وی صرف اوقات نموده میتوان گفت که تمام فوائد و منافع پارساله ایالت کرمان بدست بی امانت این شخص میباشد. متئورا شده. بعلاوه مبنای هم خساره وارد آورده است چیزی که اسباب امیدواری است همانا تفویض وزارت طایفه کرمان بجناب شهاب الملک نایب الایله میباشد که در درست کاری وی طمعی و دوات خواهی ضرب المثل اند امیدوارم جناب شهاب الملک نوعی حکمکارهای این وزارت بزرگ را برتب دهند و بقسمی حسن خدمت بکار برند که جبران خساره و ضررهای پارساله شده رفع صعوبات و زحمت وارد بشود.

معاملات متنازعه سرحدیه بلوچستان تا اندازه فیصل شده مفصلاً حالات را من بعد اطلاع خواهد داد. ولی بقیده بنده نگارنده تا وقتی که دوات علیه مانند سایر دول متعمده بحدود سرحدیه خود نکوشد و اهالی سرحد را صرفه الحال نسازد نه دیگر طمع همسایگان از جوش خواهد افتاد. و نه سد باب قلب و گریه رقصاندن آنان در داخله سرحد خواهد گردید همسایگان ما خیلی استاندند ابرام و اعتراض

جرا باز گیرد ندارد

اقدامات فرانسه بر خلاف سلطان واسلحه بخشیدن بمخالفین و باغیان و علناً منع دخول اسلحه برای دولت در خاک مراکو قدرت و عداوت مراکویان را نسبت بفرانس زیاد نموده. و سلطان را مجبور بر رفتن زبربال آلمان داشت. این حرکات فرانسه سلطان مراکو را بخشم آورده مستعد کرده که کیسیون فرانسه را از خاک مراکو خارج باید. این اراده را سلطان سال گذشته نیز نمود. چون حامی و مدعی مثل آلمان داشت محکوت را اولی دانست. هرگاه کیسیون فرانس را سلطان از (فیض) بیرون کرد مقتون است که قفون خود را فرانسه بجانب (مراکو) حرکت دهد و آلمان نیز در مدافعه وی کمر بندد و جنگ طومخواره مغرب و مغربیان را در یابد.

ژاپون بجناب (هاربن) مجدداً بنای پیشقدمی را گذارده در میدان چند لشکر روس را شکست داده باز چند لشکر و مقامات سینه را متصرف شدند. دولت ژاپون همس اینک دولت روس را مشوش داشته تا بسهوات شرایط مشکله صلح را بوی قبولاند. تدارک جنگ عظیمی دیده که نتیجه اش فتح نیایی میباشد. بعید نیست عنقریب اخبار این جنگ برسد و اثراتش ظاهر گردد. مسئله صلح هنوز وجود خارجی پیدا نکرده و منتهی به ترک جدال نشده و شرایط هم همین نگردیده دولتمندان متعاریتین قبول نموده اند که مجلس مذاکره صلح در (واشنگتن) منعقد شود. از طرف دولت ژاپون (مارکویس ایتو) که اول شخص با سیاست عالم بشمار و دست پرورده اعیان حضرت میکادو و پیشتر ترقی ملت و دولت ژاپون از او شده وزیر مختار صلح مقرر گردید. تعیین این مرد با سیاست و دانش کامیابی ژاپون را در مواد صلح ظاهر میدارد. از طرف دولت روس (سیو نایدوف) وزیر مختار صلح تقرر یافته. بجه سبب و علت منوم نیست دولت ژاپون رسماً اطلاع داده که قبل از اون آگست وزیر مختار او نمیتواند بواشنگتن برسد اگر تا چهل یوم دیگر جنگ برقرار باشد دولت روس را خساره عظیمتر خواهد شد و بعید نیست همین سبب گردد که دولت روس شرایط صلح ژاپون بدون چون و چرا قبول نماید.

تراشیدن کاری ندارد - يك راه بسته شد - صد راه گفتگو باز کرده هزار گونه اعتراض پیش نموده همین آتش را در کاسه میگذارند - تا وقتی که همسایه ملایم خائف و بیخبر داند دست از ما باز ندارد - و هر روز بيك راهی پیش آمده تا بمقصود خود نائل گردد و همین اصول بلوچستان هند پیدا شده است

مکتوب از بوشهر

مدیر جبل‌المتین در اغلب نمره‌های نامه مقدس شرحی درباره آرامنه دیده می‌شود - شك نیست که آن مدیر روشن ضمیر آنچه درین خصوص نوشته مبنی بر خیر خواهی ملت و دولت و حاکم از مال اندیشی است - ولی بمضمون (عجب مستحق چه بگفتی هنرش نیز بگویی) نباید چشم از غیرت ملی و ایران پرستی برخی اروانه ایرانی پوشید - آرامنه اگرچه در عثمانی و روس مصدر بعضی کارها شده و بکینه جوش برخاسته اند

ولی درحقیقت نمیتوان تصدیق کرد که همه گناه آنهاست - آرامنه در روس گناه کار - پیود چه گناه داشت - مسلمان چه نصیر داشت - خود ملت روس که بستوه آمده سبب چه بوده است - ما تسلیم میکنیم که اروانه در محالک دیگر مصدر شرارت اند اروانه ایرانی تصویری ننکرده و تاکنون باعث زحمت دولت نگردیده و هماره در دولت خواهی و ایران شناسی ضربالمثل اند - پس حکم مطلق بر بدی جمیع اروانه نمیتوان کرد

(پس بد مطلق نباشد در جهان)

(بد به نسبت باشد این را هم بدان)

مثلاً چند نفر اروانه ایرانی که در بندر بوشهر مستخدم و در عمل گروک اند بینی و بینا که صدقانه خدمت نموده و دلسوزانه حرکت مینمایند

جبل‌المتین

بارها گفته باز هم میگوئیم اخبار حکم آئینه را دارد (قبیح را قبیح نماید - و حسن را حسن) طرا عرض با احدی از فرق و اقوام نبوده و نیست و جز خیر ملت و دولت خود نخواسته و نخواهیم هر چیزی که مانع از منافع ما و مضر بحال ملک و ملت ایران باشد باید در دفعش کوشید - ما خود تصدیق داریم که اروانه

ایران بهترین اروانه عالم و اکثر مصدر شرارت شده اند - ولی چه توان سکود که اشرار اروانه روس و عثمانی بخشاک ایران ریخته و اروانه ایران هم محض تلم بالسنه خارجه قسمی با آنها مخلوط شده که بمشکل نمی‌توان داد - و اروانه روس و عثمانی نوع اروانه را در ایران بد نام نموده و ما بحکم عقل مجبوریم که اطمینان و اعتبار خود را از کلیه اروانه مرتفع داریم - مگر آن کسانیکه از تجربه بی‌غش ظاهر شده اند - مثل اروانه مأمورین گروک بوشهر که به تصدیق وقایع نگار موثق ما مردمان درست کار ایران خواه دولت پرستی اند - خداوند جمیع اروانه را صفات مدوحه ایشان به بخشد تا هم خود آسوده مانند و هم سائرین را آسوده گذارند

مکتوب از سمنان

(ان هذا الشبل من ذاك الاسد)

بتجربه و امتحان معلوم و مشهود گردیده که صفات و طادات قبیحه و فضائل و کرامات نفسانی چندانی که بقوت کسب و زحمت حاصل میشود دوچندان بالورانه و بالفطره در خلقت انسان مودوع است و از آباء و امهات باخلاف مانع میگردد که کسب و اکتساب را در آن مدخلی نیست چه بساخانواده ها و طوائف که شجاعت و بسالت و شهامت را بالطبع مالک اند اگر چه در مدت هر هیچگاه در تحصیل آنها ونهی نبرد و مشقتی نکشند - و بسی فایدهها که طبعاً جیان و خائف و اهل جبن و واهمه اند و هم چنین سایر عادات و اخلاق چه بسیار تا اصل زشت نژاد را که عقلا - و نجما در بارش حکمیده و در تربیت آن کوشیده سالهای متمادی در حسن آداب و پرورش او سعی بلیغ و سکوشش فراوان بکار برده بالاخره جوهر نیاکش همه را هدر نموده بالعکس مصدر هزارها شرارت و سوء اعمال گردیده است ازین رو حکیم فردوسی فرموده

(زبا پاک زاده مدارید امید)

(که زنگی بشستن نگر دسید)

شیخ سعدی فرماید

(پر نونیکان نگردد هر که بنیادش بدست)

(تربیت تا اهل را چون گردگان برکنبد است)

علی هذا - در ازمته قدیمه نخستین شرط ریاست و حکومت را شرف خانواکی میگفتند - و کان میکردند که رعیت زاده را ممکن نیست جز بمشغل پدری پردازد و بمرتبه بلندتر اشغال ورزد - و اگر احیانا حکومت یکتن دایمی بر مطالبه مقام رفیع میشد او را خارج ازوی و دیدن خود گفته منع ورودش را واجب میداشتند - ازینرو وارد شده (من خرج عن زبه و قتل فدیه هدر) و بر همین معنی نوشیروان تحصیل خواندن و نوشتن و انشاء را منحصر بفاصلهای نجیب کرده و سایرین را ممنون نموده بود - اگر چه ما این امر را بطور عمومیت و بحد کلی قبول نداریم - و شریعت اسلام نیز برخلاف آن حکم فرموده اصل و نسب را در کرامت نفس و بزرگواری مداخلت نداده آنجا حکم گفته (ان اگر مکم عنده الله اتقیکم) و بالحق والعیان دیده و شنیده ایم که بسیار کسان بلند خیال عالی همت که عالم از حرکات آنها رنگی جدید یافته و شکلی تازه پیدا کرده از نزادهای پست و دون بیرون آمده اند چون (بابایون اعظم) که پسر یکتن زن رحمت شوی از اهالی جزیره کوردس و مسبو (فلیکس فور) رئیس سابق فرانسه یکتن مرد دباغ و رئیس کنونی مسبو (لوه) پسر یکتن زارع ساکن بلده کوچکی از توابع ماریسیل - و خیلی از بزرگ زادگان که بواسطه عدم لیاقت و قابلیت دتبه موروثی و مقام اولی را از دست داده گرفتار ذات و فلاکت شده اند و در بدترین احوال بدرود زندگانی گفته و حکماء بزرگ یکی از اسباب اضمحلال سلطنت و قومیت و ثروت آباء و اجداد ذکر کرده - احقرترین مردم انکس را گویند که باستحوان بوسیده پدران و گذشتگان افتخار کند و نسب و سرمایه شرف و مباهات شمارد و از تکالیف و وظائف شخصی و نوعیه بمفاجر اسلاف قناعت کند - و زوال ملک را از عائلات غالب همین معنی سبب بوده و تاریخ سلف بر صدق این مدعی شاهد و گواه بین است

ولی با این همه دانای بصیر که در حقایق امور نظری ناف و فکری صائب دارد منکر نمیتواند شد که اسالت و نجابت را در طبایع افراد و اشخاص مداخلت تام است - و البته هرکس از بدو طفولیت تا هنگام

بلوغ و رشد در فامیلی نشو و نما کند که مرتکب اعمال زشت و عسکر دار های ناروا شده برزائل و قبایح ماؤس شود - و قبیح و رکاکت مریدی در نظرش هو و ممدوم گردد - و امتیاز بد و خوب را ندهد - و چون بزرگ گردد از ارتکاب انواع فسق و فضایح پروا نماند - و هیچ رزیه و ذمیمه را اجتناب نکند - و در آن اعمال خجالت و شرمساری او را دست نهد قبایح و ذمائم را با محامد و نکام یکسان شمرد

و بالعکس آنکس که از بچه گی بسلم و ادب آشنا شود و در فضائل او صاف و محامد صفات از قبیل سخاوت و کرم و رحم و شجاعت و بسالت تربیت - چون هنگام کمال رسد تن بقبایح در نهد - و جز فضائل و محامد نپسندد - ازینرو بسیاری را عقیده بر آن است که حسن و قبیح اشیاء منوط بعبادت و استیناس است - هر قبیحی چون متداول گشت قباحتش از نظرها برداشته شود و بظاهری خوب و پسندیده آید - و هر کار نیک چون متروک گشت در طبایع زشت جلوه کند و ناپسند آید - و این امر تا یک درجه موافق حکم طبیعت است چه بالبداهه فرزند شیر شیر باید - و جوجه طاؤس طاؤس شود شجاعت و رجاعت در این دو موروثی است - و محال است تخم طاؤس زاغ و زغن گردد - و زاد شیر روباه و شغال بعمل آید - خصوص اگر در طریق تربیت و تعلیم و تعلم نیز شرایط دقت مراعات شود و در باره او از کوچکی احوال و کوتاهی بعمل نیاید

در این اوان همین امر را ما برای العین مشاهده کردیم - و قدرت خداوند را در ودایی که در کون پاره اشخاص اعانت نهاده تا شا نمودیم - توضیح این حال آنکه مدرسه مبارکه ادب که مدتی است در شهر سمنان بهمت آقا میرزا اسدالله خان منصور السلطان دایر گشته و جمعی از اطفال فقراء ملت را تحصیل نموده تعلیم مینماید - در این اوقات دوچار سکت و اختلال کلی گشته قریب بدان رسید که رشته انظمامش از هم کمیخته و یک پاره شیرازه آن از هم پاشد - چه اشخاصیکه هر یک تحصیل مخارج تعلیمه چند فر طفل را برعهده گرفته بودند اغلب پشیمان و از این عمل خیر منصرف و متزجر گشتند - حاجی اعظم الامامک حاکم سمنان که

ذمه گرفت. و جدت محترمه اش بنا بر خواهش و درخواست فرزند دلبند خود تصدیق و امضاء نمود. اگرچه مطامع کینه‌گاران تعجب کنند که در مملکتی که از بزرگان و پیر مردان اینگونه اقدامات صادر نمیشود طفل هشت ساله را کجا این حس مردمی و حب عالم السائیت پیدا شد. و چگونه بدین صرافت افتاد. ولی اگر درست وقت کنیم نه جای تعجب است چه او از خاندانی است کریم و قامیلی اصیل و شریف که میتواند در حق شان گفت

(نجوم - بهاء کما غاب کوهکب)

(بدی کوکب نهوی الیه کواکبه)

وجد احمد او مرحوم امین‌الدوله است که عموم مکاتب و مدارس از محنت بلندی در ایران دایرگشت. و باب این خوشبختی و سعادت را بروی ایرانیان باز نمود. البته چنان کسی را چنین فرزندی باید. که در سن طفولیت افعال و اعمالش سرمدی پیران کهن سال آید. تا در اوان بلوغ و هنگام رشد و کمال مصدر چه خدمات بزرگ بملت و دولت گردد. خداوند مرحوم امین‌الدوله را غریق رحمت طویس فرماید که تا دم واپسین ذره از تکالیف حایب نوع را فروگذار نکرد. ای کاش سایر اطالم و بزرگان وطن عزیز ما نیز اقتداء بافعال و اعمال آن جناب مکان میکردند که در عرض معنی اندک مملکت ایران نیز آباد و معسر و اهالی خوشحال و مسرور میشدند. خبر خواه دولت و ملت (م - س - ن)

جغرافیای ایران

(از شماره ۴۲)

اگر بپرودستور العمل عقل اول هادی کل حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بوده و بحسب الوطن من الایمان اذعان میداشتند. غیرت ملی خود را حفظ و اجازت حیت مینمودند. میتوالستند خود و مملکت و اهالی مملکت را به انواع نیک بختی ها نائل و بازرگنجسارت خویش را هزار چندان وسعت بدهند و حاصلات سنوی آنان چندین برابر حالیه بشود

نخست باید در ترقی سنساعت و زراعت بکوشند و مددائی جهت تسهیل حمل و نقل باصلاح طرق

قبل مصارف تحصیل ده نفر از آنان را برعهده داشت در این اوقات معزول گشت. و ازین تصدیه استخفاء نموده. اطفال رایله و سر خود خواست. حکومت جدید که معین شده با جناب مستشارالمملکت است و معزی الیه اگرچه مسموماً از ادمخاس خبر خواه عالم السائیت و علم و تربیت است. ولی چون تا کنون از طهران حرکات نکرده و بسمنان نیامده است معلوم نیست که در حق اطفال و مدرسه اطانت و همراهی خواهد نمود و در این خبر عظیم مشارکت خواهد کرد یا نه ؟ مدیر محترم مدرسه که تا کنون مبالغی از جیب خود صرف تأسیس و دایر داشتن این مدرسه نموده بواسطه عدم مساعدت اهالی و احساس ناملاپات چند قنوری در عزیمت و سستی در خیال و نیتش نزدیک گردید. ملاحظاتی روزانه و مصارف یومی هم مزید عکس شد. و یکتا نه تنها مال همراهی نمیکرد بلکه از تفویقات زبانی و لفظی نیز مضایقه و دوین داشتند. و اینهمه اشخاص اطالم و بزرگان که هر روز بزم زیارت مشرف مقدس رضوی علیه آلاف التحیه و الثناء بدین شهر وارد میشوند هیچیک اظهار حیات نمیکردند. و مدیر بکاره از ترقی مدرسه و استمداد آن مأوس و با هم و غم در عدم اجراء مقصود مأوس بود. که دست غیبی مدد کرد و دوباره مدیر را عزم و جزم و خیال محکم شد. و آنرا هیچ سبب مادی نبود جز توجه امام عصر عجلائه فرجه در بقاء این اساس مقدس. دو روز قبل سر صکار عالی عالی محترم الدوله زوجه مرحمت پناه متکی اراک جنسان حاجی میرزا علیخان امین‌الدوله بزم آستان بومی عتبه حضرت نامن الاثمه ارواح المسالین له الفداء با نوه ارچند خود میرزا حسین خان که بلقب معین‌الملک ملقب است باین شهر وارد گردید. معین‌الملک که طفلی است بسن هشت سال محض آنکه شنید در این باده بك باب مدرسه دایر است فوراً بافقایی جمعی از ملتزمین و معلم خود میرزا محمد علیخان که جوانی آواسته و در جزء مطمین مدرسه مشرفه طهران است بمدرسه آمده. باکمال فوق و شوق درجات تعلیمه مدرسه را تماشاً و چند نفر متعلمین را امتحان نموده مبلغ پست تومان اطامه نقدی کرده مخارج و مصارف ده تن از اطفال مساکین را بر

شماره (۳۷) ۱۵ ربيع الثاني (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۱۹ جون ۱۹۰۵ صفحه (۱۰۷)

نوع طای پل دار علی که در اسلامبول مای کفلی میمانند سید مینمایند

◀ فوس ▶

در جنوب غربی رشت و دامنه شالی کوههای سامان دو سنگلاخی که اطرافش با سنگها محاط است واقع - و دارای (۴۰۰۰) فوس است و با استخراج معدن آهنی که در جوار آنجاست میپردازند. قسم اعظم اهالیهم بصنعت آهنگری اشتغال دارند - خانه هایشان بطرز بناهای قدیم و دارای يك چارسو و پنج شیخ جامع و هفت حمام و چند کاروانسراست

◀ آستاره ▶

در منهای شالی گیلان در ساحل دریای مازندوان و در مصب دره که هم نام خودش میباشد در آخر حدود ایران و قفقاز واقع - و دارای (۱۷۰۰۰) فوس است - این شهر در سابق تجارتگاه معتبر بزرگی بوده - با آنکه در این زمان از اهمیت سابق او کاسته باز هم بندگاه معتبر اردبیل و تبریزست - و با اخراج نهار مختلفه المانع و نخته و تیر و سایر چیزها معروف و بیشتر سنن تجاریه با این بندرگاه سر میزنند و باز میدهند و میگیرند

این شهر حاوی دکاکیں بسیار و چارسوئی را دارا میباشد - هشت جامع شریف و چند حمام و کاروانسرای دارد

◀ گرقان ▶

فیابین آستاره و انزلی در میان جاده رشت و آستاره در ساحل دریای مازندوان واقع - و دارای (۷۰۰۰) فوس است - به این بندر بیشتر کشتیهای بادی رفت و آمد میکنند - و کشتیهای بخاریهم که حامل مالالتجاره وقت میباشد به این بندر سر میزنند - و از آنجا جهت روسیه و اروپا چوب شمشاد و چوب گردو بیفی از ریفه بیالا که بالطبع در آنجا عکس همه چیز موجود شده و بسیار گرامی و گران بهاست و همه جور میوه خشک حل کرده بر میگردند

این بندر چون همش کم و بار کاهش تنگ است از برای اکثر سفایں که به آنجا می آیند حبه دادن و گرفتن بار تنها مشکلات پیش می آید - قسمی از اهالی آنجا به تجارت مألوف و باقی عیبه کش و ذغال فروش

و معابر پرداخته و جاده مسای شهر را توسیع و جبهه تمسید و آسانی و امنیت عمولات دریایی لازم است لئ انزلی رشت با واسطه آلات مخصوص بسوق آن عمر پرداخته و مرداب را نیز بمحالی در آورند که کشتیهای باری بنواید در او سیر نمایند و ساحل آنجا را طوری بسازند که کشتیها آمده بساحل میسید

◀ پیره بازار ▶

در ساحل خلیج انزلی و نیم فرسخی شمال غربی رشت واقع - سبب آنکه در روزگنر حمل و نقل مالالتجاره میباشد اقامتگاه مکاری و ارباب شی و دلان است از آنرو هوایش خیلی قلد است

◀ انزلی ▶

در ساحل غربی مدخل خلیج انزلی که بن قصبه نیز بنام او خوانده شده - درسی کیلومتره رشت واقع - و بندر بست دارای (۱۰۰۰) فوس - بازار کوچک او رواج و اکثر مردمانش قابوچی و طای گیرند جبهه وضع مالالتجاره (امبار) مای بزرگ و دواتر و شبیات گرنک و تنگراف و پسته یا دو مسافر خانه و دو مسجد و يك حمام داراست

◀ نازیان ▶

در سمت شمال خلیج انزلی در مقابل قصبه انزلی واقع و دارای (۱۰۰۰) فوس است - و در آنجا نیز انبارها جبهه وضع مالالتجاره و سایر چیزها موجود میباشد

◀ کسگر ▶

در روی جاده که از رشت به انزلی میرود در کنار مردابیکه از طرف ساحل غربی خلیج انزلی حاصل شده واقع - و دارای سه هزار فوس - کاروانسراهای مخصوص - جبهه اقامه طابرین موجود - دارای چهار مسجد و سه حمام و يك چارسوی کوچکی است قسم اعظم اهالی آنجا با شکار مرغ و سید ما و قایقگیری گذران و نمیش مینمایند - مرغ مای گیر که بر او در بازار تجارت فوق العاده رواجی دارد در اطراف این دریاچه بسیارست - در سالی بقدر دو میلیون لئ این مرغها سید و بره های آنها را که مخصوص زینت زنانست بمشتریان آن متاع می فروشند - برخی اوقات در فصل مخصوص روزی تا سید هزارو يك

لازمه گاشته فوراً سیم ها را بیرون آورده اصلاح نموده نگذارند ساعتی عمل خاربه معوق ماند خیلی موجب تعجب و تعجیب عمومی گردید - و نیز در آن کثرت بلوغی خرابی زیادی بسیم سرحد اترک رسیده اسباب تعطیل خاربه روسیه شد و اصلاحش خیلی اشکال داشت

چه بایستی تمام لوازم را از پست فرسنی حل نمود حتی آب خوراک همه جات را هم باید از ده فرسنی موجود داشت و دیگر در آن صحرای طوقاک از شرارت ترا که این نتوان ماند - چنانچه وقتی جناب خیرالسلطنه برای انجام این کار مازم شد در صحرای بیوت طایفه قجق که از معاریف اشرار اند جلو ایشان آمده بنای شایک تفنگ گذاروند - جناب معزی الیه که دارای همه قسم معلوماند با کمال قوت قلب و رشادت در مقام جواب برخاست با اینکه زیاد از هفت هشت نفر نوکر شخصی همراه نداشت مدتی با اشرار مقابله نمود - بالاخره آنها را متفرق ساخته بگنبد قابوس آمده موجبات مرمت سیم را از هر جهت فراهم آورده و تا (خانلی) که سرحد اترک و اول خاک روس است رفته و به تلگرافی های جانی و گنبد قابوس و قندرسک و کمول هر یک ده تومان و بیست تومان و سی تومان از خود انعام داده و مأمورین مخصوص به تعمیر گاشته تا آنکه بخوبی مرمت شده و اثر آن تحویل روس ها نمودند

دیگر از محاسن رفتار ایشان آنکه سایه تلگرافخانه های این حدود را بقدری امن نموده که مردم با کمال اطمینان مطالب خود را به تلگرافخانه رجوع مینمایند - و ممکن نیست يك گاه کم یا زیاد یا یکساعت قدیم و تأخیری شود یا احدی مطلع بگردد مطالب آنها جهت عمده آن است که جناب خیرالسلطنه علاوه بر کفایت و درستکاری و دوالخواهی و حفظ شرف اداره دولتی - از اشخاص متمول میباشد که برای حفظ مقام خود و ثروتات دوات علیه متحمل همه قسم مصارف و مخارج از خود میتواند شد - حیث است قدر این اشخاص مجهول طند در واقع باید از جناب خیرالسلطنه وزیر تلگراف تشکر نمود که این قبیل اشخاص تربیت فرموده و بکار گاشته اند

و قایقی و زارع و باغبان میباشند - مبانی آنجا نیز بطرز قدیم است بازار کوچکی دارد که صنوف متفرقه از اهل سنت و حرفت در آنجا دکا دارند و دارای چند جامع و مسجد و کاروانسراست بین این بندر و بندر آستاره دو بندر کوچک دیگر هم مسی به (ایزبان) و (هور) موجود است - اهالی آنجا کم و مرابک بحری بینی کهنی ما به آن بنادر میروند علی السبیله آنقدرها حلز اهمیت نیستند

(باقی دارد)

مکتوب از استرآباد

وظیفه عالم بی غرضی و فریضه مقام حق گون آن است که هر نیک و بد که دیده و فهمیده و هر ارتقا و امتیازی که از هر اداره شنیده و سنجیده بی کم و کس معروض دارد - تا در طی جراید که بمنزله نامه اعمال طالبان است ادرراج پذیرد و مزیت و مکانت اشخاص خیرخواه مجهول نماید - و ضمناً اسباب تشویق دیگران هم بقود

جناب خیرالسلطنه امیر بجه چندی است بر حسب مأموریت بسرپرستی تلگرافخانه های کرکان و مازندران باین حدود آمده - اگرچه مراتب غیرتمندی و کالات صوری و منوی ایشان معلوم و مشهود و حاجت به بیان نیست - لکن برای آنکه سایرین هم تأسی بچوبند مرض مینماید - خطوط تلگرافی طبرستان که تمام از جنگل عبور نموده غالباً بواسطه رطوبت هوا سیم هایش زنگ زده و معیوب و عمل خاربه عمومی مختل و منقوش بود - الحال بازر اثر اقدامات ایشان و تعمیراتی که بدقت نموده نوعی دائر شده که تمام اهالی از سرعت ایصال و ایجاب خارایشان نهایت رضامندی را دارند - و معسکر شده است که از اقاصا بلاد ایران بلکه از خارجه یکروزه جواب تلگراف آنها رسیدماست - زمستان گذشته در این مفعات که يك تربت فریب دو ذرع برف آمد و طرق و شوارع یکگاه مسدود بود درختهای تنومند کمین جنگلی از سنگینی برف خوابیده و شکست و متجاوز از صد ذرع سیم های تلگراف مازندران و استرآباد و قندرسک و کتول و شاهرود طوری زیر درختهای جنگلی مستورمانده اصلاحش باین آسانی تصور نمی شد از لسانات خیرالسلطنه و اجزای که در نقاط

حجرت طوفان نوح يا عطش اكبر

از شماره ۳۷

ولی عمده سی و اهتمام مهم در حین گرفتاری و ابتلا بوده . و بعد از راحت چند روزه همه فراموش کرده اند . (کلام یکن شیئا مذکورا) و متعاً این همه خرابی و مصدر این قدر سرد وزبان هانا بی اعتدالی و بی اعتنائی رعیت و حکومت است . باکه غالباً بی همی از رعایت که هرگز در مقام تعدیل نهر حسبنیه و تساوی صدر و ذیل آن بر نیامده . و در خیال تنقیه و تصفیه او قبل از وقت نیوفتاده اند . معلوم است نهری باین کیفیت که بمثل صیبه نداشت باشد . و در فصل طغیان آبیکه يك ثلث بیشتر آن گل و خاک است درین نهر بی بمثل که جلو آن را هم بسته باشند جاری شود . تا می آید قرار و حد خود را بگیرد . لای انداخته آنجا که پنج زرع همی داشته . سه زرع میشود و طولی نمی کشد که بهمین جهت آب نهر قطع میگردد . و فریاد العطش است که از کربلا بیوفی میرسد . و هر قدر باغات و مزارع از دست برد طغیان آب سالم مانده از غطی آب خشک میشوند و اهالی هم رغماً علی آنا هم نه ماه از سال را مبتلا بشرب آبیهای ناگوار شور چاه باید باشند . و حال آنکه دولت علیّه ابد آیت محض آسایش اهالی و رعیت قوانین و مجالس دارد اداره بدیده دارد . و . و . و معلوم نیست چگونه میشود که احدی قبل از وقت فکر نمی افتد . و طاقت این امر وخیم را ملاحظه نمی نماید . و در مقام اصلاح این خرابی ها بر نمی آید . خودشان که درین خیال نیستند . اگر احیانا کسی از خارج تریبه الی الله یا بملاحظه پاتیک خواسته باشد خدمتی بموم کرده و اصلاح این امر نماید نمی گذارند . مثل اینکه یکی از ارباب شرا خیر میخواست بتوسط حاج سید علی قطب که جهان فانی را وداع گفت تعدیل و تنقیه و تصفیه نهر حسبنیه را بنماید و مبلغ زیادی هم بجهت مضاف نزد وی فرستاد نکردند یا نگذاشتند خدا بهتر دانست معلوم نیست اینکارها تقصیر کس است ؟ از رعیت است یا حکومت یا هر دو یا از هیچکدام ؟ در هر حال دولت قوی شوکت و سلطان با عطوفت و رافت که فی الواقع بمنزله پدر در میان عموم املایان است . واضی

باین ضرر و زیان و خرابی و خسارت و ابتلا بدرد شرف و حرق ساکنین این بقعه اتمس نبوده بلکه میتوان گفت مطلع ازین قضایای فحیبه نیستند و الا باقطع والیقین بااعتنائی رأفت فطری و عطوفت جلیلی که در طینت باک و مایعت تابناک آن منبع جود و احسان نمر است باید از جهت مفروقین کربلا مانند مهاجرین کربت و دیگر و دیگر امور دفتر اطاة باز فرمایند . خصوصاً در مثل چنین سالی حکه فی الحقیقه مانند او هرگز اغاق نیوفتاده بود که آب حسبنیه تمام مزارع و باغات را بالرة غرق نماید . خصوصاً باغات راجعه بسنیه که مذکور شد بیشتر از املاک دیگران مورد تلف و امباب اسف گردیده . و ایدا آب فرقی بین آنها و باغات سایرین نگذارده و فعلاً تا کر نخیل آب ایستاده است . حکه اگر بهمین قسمها بگذرد معلوم نیست کسی رغبت در تعمیر باغات سنیه بنماید . و از این طرف آب گودالها زیادتی نموده محوم بشهر آورده تمام محله جدیدة عباسیه حکه از جزایر محلات خوب کربلا و بطرف جدید ساخته شده . فرا گرفته بقسی که الی الآن کشتیهای کوچک در کمال سهولت در خیابانها حرکت مینماید . از (سرایه . مهارت حکومتی) و خانهای اربابی و دهیق جای را سالم نگذاشتند قریب يك هزار خانه تخمیناً غرق و خراب و اغلب اهالی که از ضغنا و قترا میباشند در مساجد و جاهای غیر مسکون منزل و سکنی گرفته . و دیگران از مأمورین حکومت و ارباب مکنت بجهت اسباب خود را بقدر امکان بشهر کته قتل نمودند . و آنچه وا که آب امان نداده در زیر آب است یا نصب دزدان فعلاً هر پنج و شش خانه وار در يك خانه در سکنال صعوبت منزل کرده اند

خدا شاهد است از مشاهده حال جزع و فزع و از استماع صدای عویل و فریاد و نغان این بیچارگان دل هر شقی نفسی القالی برقت می آید . و حال مفروقین و حالت افتادن دیوارها و داد و بیباده اطفال صغار هر حکس را به گریه آورده . امروز ده روز است که این حادثه روی داده و آب مانند دریا در کوههای عباسیه موج میزند . تقصای و خرابی شهر و باغات را بالغ بر دویست هزار لیره عثمانی تخمین

لطف هم خود فدره شامل حال اهالی كربلا فرموده
مفتش مخصوص از خانواده سلطنت حاکم خیالش
آسایش عموم و آبادانی ملک و نژاد مال و نفع رطابا
برده و از شواب طمع طوی باشد فرستاده تا رفع
تمام نواقص بگردد. البته اسباب مزید دعا گوئی عموم
رطابا و برابا خواهد بود

(ی . ع . س)

وقایع مختلفه دارالخلافه طهران

(از شماره ۲۷)

هفته گذشته شرحی در خصوص عمل نجار و
مسیو (نوز) رئیس کراکات عرضه داشت اینک آنچه بعد
از آن واقع گردیده و مرا اطلاع حاصل شده مروض
میدارد

پست و دویم ماه گذشته وقتی حاکم این بنده
در زاویه مقدمه حضرت عبدالعظیم مشرف بود خبر
دادند - حاکم جناب علاءالملک وزیر علوم و معارف
جهت فیصله امر و راضی نمودن حضرات تجار آمده
و چند نفر از اعاظم تجار را در ضمن مقدس دعوت
بمذاکره نمودند - حاجی محمد اسمعیل معروف
بمغازه برای ملاقات ایشان رفته - سؤال و جوابان
معلوم نشد - همین قدر بود که حاجی مشارالیه را راضی
بآمدن شهر نموده در همراهی خود با کالسکه حرکت
داد. عبور ایشان از قریب مرکز تجار بود. حضرات از
قضیه مسبق شده چنان تصور کردند که این کار طامع
از انجام سرام خواهد شد - لذا بیست اجتمع هجوم
کرده حرکت کالسکه را طامع و مشارالیه را برگردانیدند -
هر چند وزیر علوم سعی و کوشش کرد شاید بنوعی
ساکت شوند مفید نبفتاد ناچار مراجعت بطهران
کرد

روز دیگر نیز چند تن از اعاظم واسطه گفته
بودی نجشید - چون موکب معلى در شرف حرکت
و اطلاع این گفتگو پسندیده نبود حضرت اقدس والا
ولیمهد گردون مهد که در غیاب موکب همیون باب
السلطنة حقیقی اند متوجه اصلاح این مهم گردیده - قری
چند از آنان را بحضور بار داده از اصل مسئله و
حقیقت امر پرسش فرمودند. نجار بجملی از مدعیات

کرده اند - و گویا تقدماً آب مأمور باستان در شهر
نو و اطراف ریافت كربلا هست - و هوا در کار گرم
شدن میباشد - و بالطبع آب حاکم ایستاد متعین
خواهد شد - آنوقت خداوند منان رحمی بحال فقرا
و بیچارگان كربلا نماید. که آب حسینیه هم می خشکد و
میوه و فاکمه هم نیست - اگر چنانچه در مقام جلوگیری
بر نیابند باید نیست شهر كربلا که محط رحال و مطاف
ارباب فضل و کمال است - بالمره طراب و ویران بلکه
بقول بعضی از فرنگان که امتیاز شمند فر بغداد را
گرفته - و در ضمن باز دید اراضی بکربلا آمده بود
(بعد از هفتاد سال دیگر كربلا و حوالی آن دریا
خواهد شد) لستاجر باقی من ذالك

مدت هشت یا نه سال جناب عبداللطیف پاشا
منصرف بکربلا بود - و الحق چنین منصرفی با
حکفایت و لیاقت و دیانت و درایت و کیاست و
سیاست و قوت و عروت بکربلا نیامده - و در مدت
حکومت ایشان عموم اهالی از داخله و خارجه از
زایر و مجاور در کمال آسایش بودند - و اگر احیاناً
طنینانی در آب فرات دیده می شد خود معظله - بنفس
غیس سوار - و در آناه لیل و نهار سرکی بصدر
و سدود آمار نموده - هر جا که احتمال شکستن و خوف
بریدن آب میرفت تا رفع و دفع خوف و احتمال را
نمی نمود بجای خود قرار نمی گرفت - و در مقابل آفتاب
گرم در سردها روزها را بشب می بود - بخوبی آثار
تغیر از نایش آفتاب در و چنانش ظاهر میگردید

ولی از تضایب اتعاقبه قبل ازین واقعه بعنوان
(بجایش) از كربلا به لاذقیه رفته بودند و بعد از
حرکت ایشان آب علم طنینان برافراخت - و کرد آنچه کرد -
آنوقت عموم اهالی در مقام قدردانی از شریف و
وضع از بزرگ و کوچک از داخله و خارجه از
افصال ایشان نهایت انسوس را ظاهر داشته - و بیگدل
و يك لسان در مقام دعاگوئی و طلب رحمت و سلامتی
شان از درگاه حضرت منان مؤتم باین شعر گردیدند

آن سفر کرده که صدقانه دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا بسلامت دارش

بهر حال امیدواری عموم اهالی بشمول نوجه و
عسکرات اعلی حضرت اقدس طلاله پنجاهی است که از

ولی بی واضح و موبد است - که در این موقع نازک که موکب معنی در شرف حرکت است - تغییر دادن چنین اداره بزرگ که تقریباً تمام طایفه دولت در دست اوست و همه رجوعات و حوالهجات و پروات بسر او - و از طرف دیگر برداختن اقساط قرض دولتی هم بتوسط آن اداره است - بزودی و سهولت ممکن نمیشد - و هر کس متصدی و مباشر این مهم گردد لامحالہ چند ماه متوالی باید تا در این امر صاحب بصیرت شود - و این معنی موجب ورود ضرر فوق العاده بدولت علیه میگردد علی هذا بصواب چنان زدیک یافتند که مسیرو نوز موقتاً در محل وزارت کمرک برقرار باشد - ولی استقلال مطلق را که در این مدت چند ساله مالک بود از وی انتزاع نموده در ضمن هم بعضی اشخاص را مستند ساخته تربیت نمایند - تا بمجرد آنکه رقم خلط و الحراج بر ناصیه حال بلجیکیان کشند - امور کمرک معوق نماند - و سکتہ بماند و واردات دولت نرسد - و اقساط نیز در موسم و اجل خود اداء و پرداخته شود -

پس بر حسب تصویب جناب اشرف صدراعظم حکم همیون اعلیٰ شرف صدور یافت که ریاست کمرک در تحت نظر مراقبت تجار داخله شده در مجلس تجارت که ریاست سداالدوله وزیر تجار منقذ و اعضاء انجمن نامی از تجار متدین و منتخب دارالخلافه هستند - انتخاب نمایند چندی از طرف تجار برای رسیدگی در امر کمرکات برقرار شده - در هر یک از سرحدات ایران که محل ورود اموال تجاری است یک نفر گنارده شود - و کارگزاران کمرکی حق نداشته باشند بدون اطلاع و امضاء او حقوق کمرکی را استغناس نمایند - و در صورت اختلاف - رأی نمایند تجار معتبر خواهد بود - و آنچه گرفته میشود باید حتماً موافق تعرفه مقررہ باشد

اشیائیکه از آنها صد پنج یا زیادہ یا کمتر اخذ میشود بایستی از روی سند خریداری که دست تجارت گرفته شود و کمرک حق مطالبه زیادہ یا سوال و جواب در خصوص قیمت اشیاء مزبورہ نخواهد داشت - و نیز هر چه سابقاً بر آنان تصدی و محاسبی شده بعد از رسیدگی و وثایق وزیر کمرک بدون کله سوال و جواب نرسد - تا بابت در مدت شش ماه اشخاص مزبورہ که با آنجا بجهت تجارت و وزیر تجار فرستاده شده در کمرک

خود را بر ضرر رسانیده منرو فرمودند جناب سداالدوله وزیر تجارت رسیدگی نموده حقیقت مطلب را با طریق رفع ظلمه برض اقدس برساند - وزیر تجارت روز دیگر بر حقانیت حضرات قنوی داده قطع عمل را در جلوگیری از تعدیات نامشروع وزارت کمرکات عرضه داشت - الحاق وزیر تجارت در این مهم ذره ملاحظه و طرف گیری نکرد - و بی پرده و علی الرؤس معلومیت نجار و زیادتی رئیس کمرکات را آشکار نمود - چنانکه روز دیگر در بلاغ شاه در حضور بندگان اعلیٰ حضرت اقدس شاحنشاهی در موقعی که مزاج مبارک از تجار متغیر بود صریحاً عرضه داشت

(اعلیٰ حضرت ما - اگر چه شاید برخی این چاکر را برض تضانی در خاکبای مبارک مهم و مقصر کنند - و چنان جلوه دهند که بهوای نفس برخلاف واقع عرضی کرده و میکنم - و در آنها نگام مورد سیاست و مجازات واقع شوم - ولی رعایت حقوق و انصاف و ملاحظه جانب عدالت و حفاظت مرا بر عرض حقیقت دعوت میکنند - اگر چه سیاست کردم - قدم بمقوق شاهنشاهیست که این مشت بیچارگان مظلوم اند - و انواع اجحاف و تعدیات از اشخاص بلجیکی بر آنها وارد آمده است - و اگر چندی بدین وتیره ماند مما ملات تجاری بکلی مسدود گردد و یکباره ورشکسته و مفلوک گردند)

ذات اقدس همیونی سخت در شکفت مانده - مزید استحضار را از وی دایل مطالبه فرموده - برض رسانید - که در محضر جمعی حسب الامر جناب شاهزاده صدراعظم مرد بار رسیدگی کامل در فقرات دطوری ایشان گردیده - و تعدیات مسیرو نوز و زیادتیها که در سرحدات نموده - ثابت و محقق شد - و شبهه نماند که برخلاف مواد تعرفه با آنان سلوک نموده - و سکتہ عظیم بر تجارشان وارد شده است - جناب صدراعظم نیز حضوراً کسبدیق همایش وزیرالتجار را عمود علی هذا خاطر مهر مظاهر ملوکانه که بر حسب حسن نیت و نیکی فطرت راضی نمیشوند باحدی از رعایای هست فکیف جماعت نجار که رکن رکن ملک - و اسطوانه حکم مدینت اند - بدان تعلق یافت که حضرات را از جنگ ارباب تصدی بکلی صرفه و آورده خاطر دارند - تا در پناه صلح گلمه خسروای بدخل و کسب خود معقول شوند

گردد - از قراریکه معلوم شده تا اواخر شهر جاری در داخله خاک ایران سیر و سیاحت فرموده اوائل شهر آتی از طرف روسیه بجانب اطریش و وین و ککفراکوییل و سایر مقاطعیکه محل آب معدنی است رهسپار خواهند گردید گویا این سفر خیلی مختصر تر از اسفار سابقه و امتداد آن نیز بسی کتر خواهد بود -

حضرت اقدس والا ولیمهد ابدافه شوکت مشغول تنظیم مهام دوقی و آسایش رعایا هستند و عمده خوشبختی آنست که حضرت ولایت عهد تمام مهام را از جزئی و کلی بشخصه رسیدگی و غورسی میفرمایند - و مدعی است که در این صورت ارباب ظلم و تعدی را مجال مداخله کاری و مشبه نمودن امر نمیشد و بای از کلیم خود بیرون نهادن را قدرت نمی یابند

حقوق المرنه و حریت النسوه

(طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة)

دیر زمان است که مسئله تربیت زنان و وجوب تعلیم و تعلیم ایشان و استخلاص آن بیچارگان از قید رقیبه و جراثیدن در مرائع آزادی و حریت موضوع بحث و در زیر نظر دقت و تداول دست افکار فلاسفه محققین و اطالیم حکما بزرگ گشته و افکار دانایان جهان را بطرف خود جلب و مشغول ساخته - چنانکه در آنخصوص دفترها نگاشته و رسالهها پرداخته اند - بویژه اهالی اروپا که سبب تمدن وفاق علم و تربیت است - در این قرن گذشته رغبتها برده و مزارتها کشیده - انجمنها تشکیل داده - مکرر نفیاً و اثباتاً داستنها گفته اند - و در بین اسلامیان چندان این مسئله قابل توجه و اعتبار نبود - و مطرح مذاکره و مباحثه واقع نگشته - مگر در این اواخر قدری خیالات عالیه و افاضل اسلامی بجانب آن منقلب - و در ستون جراید یا بطون رساله اندکی متعرض این امر بزرگ که رکن رکن تمدن و بقا وجود اجتماعی انسانی است گردیده - اذهان را از برای تدبیر و تأمل در آن مستعد ساختند

هر چند موقع قبول نیافت - و طامه را جز اصرار براتقان نیزود - و دوره سعادت این صنف آدمی زاد در ممالک و بلاد اهل اسلام شروع نشد - و حجیات اوهم تجربه که ترقیات آینده را سدی آهین است چنان در برابر ابصار حیران مشرقیان حایل و مانع از مشاهده

صاحب خیرت و درایت میشوند - و میزان واردات و صادرات و مبادی و خرج تماماً معلوم و معین میگردد - آنگاه تمام مستخدمین فرنگی که خیانتشان مشهود شده باشد از مشاغل معزول در جایشان مسلمانان امین گذارده خواهد شد (اگر مسلمانان هم قدری مردانگی و غیرت و حمیت و وطنیت و اسلامیت بخرج داده از جاده دیانت و امانت قدم بیرون نگذارند - و اولیاء امور جمهور را مجبور نسازند - که دوباره باطناس فرنگیان دشمن ملک و ملت را بر سر کار آورده تا هزار مرتبه از وضع حابه جسارت و تهورشان بیشتر گردد)

ایضاً

در خصوص گفتگوی صرافان از بابت پروات سنوات سابقه که دو هفته گذشته بجهلی از شکایت آنها و پند بردن بمحض حضرت حجة الاسلام آقای حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه دامت برکاته عرض کردم - هراضشان بتوسط امام جمعه به حضور جناب صدراعظم فرستاده شده و بواسطه شخص صدارت عظمی در خاکبای شهر یاری معروض گردید - تصدیق جناب صدر اعظم بر صدق هراض و صحت سخنانشان نیز ضمیمه گردیده - خاطر همیون هر چند مسبوق گردید که وجوه این پروات از جیب دولت داده شده و در دوره صدارت سابقه که دوره حیانت و قلب بود حیف و میل گشته - و امروزه ذمه دولت بیچوجه مشغول نیست - مع هذا رأفت ملوکانه و شبوه کریمه خسروانه در حق قاطبه رعایا که فرزندان حقیقی این پدر تاجدارند مقتضی گردید که نایب وجوه هر پوره پرداخته شود - و حکم محکم صادر شد که بیشتر ازین صرافان را معطل و اداء وجوه را معوق ندارند - و محل پرداختن این پول را غلات دیوانی که در انبار دولتی ذخیره شده مقرر فرمودند

علی هذا بصرافان قول صریح و اطمینان نامه از طرف صدارت عظمی داده شد - که بخاطر جرمی مشغول شغل و کار خود گشته - در دو سه روزی همه این وجوه با آنان مرحمت میشود - حضرات بدطاء دوام دوات ابد مدت علیه و سلامت ذات مقدس ملوکانه رطب اللسان گفته خرم و شادمان بکسبی پرداختند

حرکت موکب معلی

دوم ربیع الاول موکب مسعود پادشاهی با کوکبه و اجلال عازم و از بنغ شاه روانه بصوب مقصود

حق‌الیقین و ملاحظه حقیقت گردید - که گوی اینان نه از جنس انسان و لا اقل در شماره حیوان اند - بلکه جهادی چند بشکل و طرح آدمی زادند - که از درک حقایق و دیدن ظواهر بیکاره عاجز و ناتوان - با چشمان گشاد نمینند - و با گوشان شنوا نشنوند - قلوبشان بختایک سجع آن شقاوت و ضلالت است محنوم - و هلاکشان قضاء محنوم گردیده - ابدانی بیروح و روان واجسامی عاری از حسن و بید از قوه ادراک - گویا مرده صد ساله اند برای ایستاده - و مجسمه‌های منصوبه بر پشت سواره و پیاده جود و بلاهت بر نفوسشان غلب کرده - بجایی که هر ندیده را غریب و هر شنیده را عجیب و حیرت انگیز شمارند - هر چه جز ملک گذشتگان است بدعت و غوایت بندارند - و آنچه بقول ناقصه و نفوس ضعیفه شان موافق نیاید مردود و باطل انگارند -

بدیهی است که ادله عقلیه و شواهد تاریخیه و دلائل نقلیه و براهین حسیه بر این چنین فرقه عرضه کردن - عمر هنوز را بیاوه صرف کردن - و پلنگ کوه و کمر را قصد تربیت نمودن است - چه اقامه بینه و ادله معتبره بر آنکس رواست که رایحه فهم مطالب معام جانش را معطر ساخته باشد - و آینه خاطرش را اگر زنگار گرفته لا اقل قابل تصفیه و ازاله زنگ باشد - ولی سنگ خارا و صخره صباء را با کدام قوه توان نرم ساخت - و کر و کور مادر زاد که طبیعت او را از نعمت مشاهده صور و استماع لغات دلکش محروم نموده بجه وسیله و استقامت کدام ادویه و اغذیه توانش یفا و گویا ساخت

(چشم باز و گوش باز و این همی)

(حیرتم از چشم بندی خدا)

(دسکارت عظیم) گوید - مرا پس از نجارب عیدیه و امتحانات متوالیه مشهود گردید - که تغییر دادن محور زمین و مدار سیارات - و حرکت دادن کره عظیمه ارض از قطعه خود - بسی آسانتر است از برگردانیدن جاهل مستبد را از ملک و طریقه که ساها سلاک برده - و این عمل را از همه خوارق عادات بلور می شمارم که مخصوص اقوی نفوس بشری است - و من گویم این سنه اگرچه از خصائص انبیاء مرسل است - و آنان جوی را از مشرب ضلالت و وادی غوایت بر کنار کرده - پشاهراه هدایت رسانیده اند - ولی با اینچه

آنکس را که در مسلک بشی و جهالت مستبد و در دریای ظلمات جهل مرصکب مستغرق است خلاصی نتوانسته اند چنانچه خدای فرماید (انک لا تهدی العی من ضلالهم - و انک لا تهدی من احببت) و در مقام طبیعت مهندس معروف (آتی ارضه میدس) گوید - اگر تکیه گاهی از برای خود میایتم کره زمین را از جای خود حرکت میدادم

اکنون که طرا این خیال بسر فزاده و مسئله تربیت و تعلیم زنان بجایزه الهام الهی در زیر تحریر ختم می آوریم - و در مقام محامات از حقوق نسوان تکلم میکنیم - بیقین میدایم - ساها بگذرد و کلمات ما موقع قبول نیاید - و در طعن و قدح و ذم و شتم ما داستانها پردازند - و ابواب شهادت و ملامت برکشایند - چه بحقیقت سخن است تازه که اگر در سایر بلاد اسلامی یکدو دفعه در سرآی انظار و افکار همومیه واقع شده - اما در وطن هنوز ما که بحقیقت مرکز مملکت اسلامی است هرگز القاء نگشته - و بگوشها نخورده - و اذهان بدان مائوس و مألوف نگردیده - فکریف در نخستین مرحله طباع را موافق آید و عقول را مطابق اما چه خوش گفت غالبه حکیم ایتالیائی - صفحه طلم در تاریکی بحث و ظلمات صرف واقع است - ولی در خلال آنها روزنه ها است که سطح شان را بکظلمت نازکی پوشانیده است - اگر کاوش کنید و آن روزنهها را کشف نماید - نور حقیقت که در وراء این صفحه تاریک است از روزنهها داخل شده تیرگی را محو و نابود سازد - و هر چه در فراخ نمودن بیشتر می کنیم انوار زیاده در صفحه جهان بیدار شود - و حقایق و هوایات اشیاء بکنه خود را بر ما عرضه دارند - و هر کس قدم بوادی اکتشاف حقایق مینهد - باید بداند که حجاب ظلمت اگر چه غلیظ و ضخیم است و در ابتداء هیکنی مهیب نماید - اما بویج وجه او را مقاومت با لشکر ضیاء و روشنائی ممکن نفوذ - و من بیقین میدایم که هر اطلاق تاریک را لا محاله بنه و سازنده راهی از برای ورود نور در آن میگذارد - البته دست موجود کل و بازی عمارت طلم نیز از جهت نفوذ نور مناقضی منقل ساخته است - که تقصص و کاوش کلید قفلهای پنه آنهاست - و آن کلید از فلز همت و غیرت درست گردود - که زبانه اش شوق و ذوق بضم جنسیت اشیاء

شماره (۳۸) ۲۲ ربیع الثانی (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۲۶ جون (۱۹۰۵) صفحه (۱۸)

است - و هیچ چیز نمیتواند آنرا مانع و بین ما و حقیقت خایل شود مگر کمالات و عدم همت پس من بطور حتم میدانم که تخی را که دیگران در ساحت افکار پاشیده و من او را آب یاری میکنم نباید زلفی مساعد که او را همراهی و مساعدت کنند - و برسد بسیاری که هوایش او را طراوت و حضارت بخشد - و بازماندگان ما از محصول و نمرش بهره مند و کامیاب گردند - و در آتیه آمان را برصکت و سعادت فراوان حاصل آید که در آن هنگام او را نسبت بمساعی گذشتگان و اثر زحمات رفته کان دهند - و روان آنها را بذکر خیر یاد نمایند - و فضل و شرف را از برای متقدم بطریق (الاقدم فالاقدم) شمارند - و از بدو دوره عالم نیز ترتیب امور بهین مجری که حکم یک ناموس طبیعی را دارد قرار یافته - و ارتقاء فوری و تبدلات ناگهانی در هیچ زمانی رخ نموده است - نهایت آنکه اگر اندک تفاوتی در میانه هست در سرعت و بطوه است که اقوامی بشتاب برق - و یاد بطرف قدم و حرکت بسمت اعتلاء و ارتقاء رهسپارند - و طایفه دیگر بتأی و ملامت حرکت کنند و بقاصه جزئی بعد از آنان بسر منزل مقصود و نقطه منظور رسند و جوی آخر اقطان و خیزان قدیمی لتک لتک بردارند - (باقی دارد)

مکتوب از جده

فالحمد اسماعیل هوای حجاز و مکه مکرمه خلی تعریف داشت - و ابدأ آثارناطوشی و غیره نبود - عموم حجاج بیت الله الحرام زارهاقه شرقاً و تنظیماً بعد از فراغت از اعمال با وطن خودشان مراجعت کردند - جناب حاجی مفتاح السلطنه جنرال قونسل دولت علیه ایران نهایت مواظبت و کمال مراقبت را در فراهم آوردن اسباب سهولت مسافرت حجاج ایرانی می نمود - و هر قافله ایرانی که از جده بمکه معظمه میرفت عسکر دواتی همراه آن قافله میفرستاد - از فصل خداوند متعال و ازین اهتمامات مجدانه جناب حاجی مفتاح السلطنه عموم حجاج ایرانی که از بناهر جده و بنبوع طازم شده بودند - بدون صدمه مالی و جانی صحیحاً و سالمناً وارد مقصد گردیدند - خود معزی الیه هم در اوایل ذی حجه با اتفاق هیئت جنرال قونسلگری

و یکصد نفر عسکر دولتی که از طرف حکومت علیه بجهت احترام در معیت ایشان معین شده بود از جده طازم مکه مکرمه گردیده و از آنجا هشتم ذی حجه الحرام جبهه محافظه حجاج همراه قافله ایرانی طازم منا و حرکات گشته در روز حرکت از مکه تا روز بر کشتن از منا همه جا همراه بودند - و شخصاً متحمل همه گونه زحمت و رسیدگی امور حجاج بوده - شب عید در منا جرائفی و آندیشازی متصل و مهیانی خلیلی ما شکوه ترتیب داده بودند - جلوجا درهای جنرال قونسلگری از قانسهای الوان و بیدقهای کوچک شیر و خورشید بطوری مزین شده بود که جالب النظر همی گشته خلیلی باعث افتخار و سربلندی ایرانیان بود - و از وقت غروب تا پنج ساعت در شب گذشته دو دسته موزیک نظامی جلو چادر جنرال قونسلگری حاضر بودند - نسبت بسنوات سابقه امسال حجاج ایرانی کم بود - همه آنها دو مناسبت پیشتر از هزار نفر نبودند - از جمله اشخاص معتبر حجاج ایرانی که شب مهیانی در چادر جنرال قونسلگری بجهت صرف شام تشریف داشتند

جناب وکیل الدوله

جناب بها التولیه آستانه مقدسه

جناب حسام لشکر

جناب حاجی حسن آقا صراف تبریزی

جناب حاجی میرزا جعفر آقا رضا یوف

جناب حاجی سید رضا آقا

جناب حاجی سید احمد آقا

حقیقت در این سه سال که جناب حاجی مفتاح السلطنه به جده تشریف میآوردند حجاج ایرانی خلی سربلند شدهاند زیرا که معزی الیه هر قدر می تواند در حفظ ثنونات دولت و ملت جد و جهد وافی بعمل می آورد - خداوند امثال ایشان را صکه در خارجه باعث سرفرازی دولت و آسودگی ملت می شوند زیاد فرموده

(اقل الحاج محمد علی لاری)

پوشهر

جناب اعتلاء الدوله کارگذار بهرستان و بانامور مخصوص بلوچستان صکه قرار بود هنگام مراجعت

بحره از بحرين و كويت عبور کنند ظاهراً به لحاظ
تخوشی در بحرين وغيره عجله صرف نظر کرده
و مستقیماً بريتان رفتند .

اختلاف بين حضرات نجار و حكمرانك بنا بر
تقریباً منقطع شده و احكام جزئی هم مستحق
موقع خواهد شد . این مراتب را باید از حسن نیت
وزیر تجارت دانست

حضرت سید فیصل امام مسقط و عمان که بنا بر
وقت عزیمت به بندر گوادر ایران بگذرند گویا چون
جناب احتشام الدوله کار گذار حرکت از بندر چاه بهار
نموده بودند حضرت ایقان نیز از نیت آمدن به بندر
مکران ایران صرف نظر نمودند

سید علی رضا نام که دو كرك بحره مستخدم بوده
به بوشهر آمده میگویند بین او و یکی از ابناء علماء
شوش در بحره گفتگوئی شده است و با اینکه رئیس
و نایب كمرانك عربستان ترضیه از ظلم مصارایه و
دیگران خواسته اند - معیناً اجتناب و عوام از دحلم
سکرده هجوم بر كرك برده اند بالاخره سید را
به قریه نبله فرستاده و مردم ساکت شدند و حالا
اورا به (بوشهر) روانه نمودند -

علی الظاهر جنبه این است که سید مشارایه در کار
خود دقیق داشته و تملق و تقاب نمیگردد و رشوت
نمیگرفت یا سابقه امروزی با مردم خوب راه نمیرفته است
بهر حال از تصادفات ضربه یکی هم این بوده است
در وقوع این شورش و غائله در سرحد بحره حکم
و نایب الحکومه هم غایب بوده - و سیم تلگراف نیز کار
نمیکرده است

مکتوب یکی از ارباب خیرت
(از شماره ۳۷)

الحاصل کار را بجای و مرتبه و درجه رسانید
حکمه کافی موادی که بکام میرسد باید در تحت اقتدار
بادشاه باشد کلاً بدون اذن و اجازه دولت روس
جریان نمی یابند - این مسأله سقیم در علیه اعارة ملك
و ملت ایران شامتهای بسیار بزرگ گشته نموده و میباشد
چون احتیاجات دولت به پول کافی اجرای
منویات روس بود - و ثروت و دولتی ملت میتواند
اورا مطلع آید - چه با این اگر مانند سابق کسب ثروت

و همران نباید هیچ وقت از برای سرای شاهی احتیاج
روی نمیدهد که جنبه مصارف ذاتیه خود در حدود
طلب و نذارک و نیه وجه از دولت روس بر آید
پس در آن سایه یعنی در اعمار و ثروت ملك و ملت
دولت علیه ایران دوباره استقلال خود را بدست
آوردن میتواند - چون روسیه این معنی را درك
و قرض نموده در حدود آنست که بقوت اثباتیه اراضی
ایران یعنی محصولات ارضیه آن و تجارت و صنایع آن
حکمت يك ضربه شدید قلعی وارد آورد - ولو آنکه
امتیاز اورا و اسقای اراضی یعنی مساعدات تغییر
آنها را کاملاً بیچنگ آورده امتیاز حکمتین
راههای آهن را حاکم شایان است عروق حیاتیه
و تجارت این مملکت رعنا گفته شود مستقلاً بدست
آورده و این ملك سراباً استعداد را بدریای حیرت و
بیهوشی انداخته از امتیازات و مساعداتی که از دولت
ایران بدست آورده هیچ يك از آن هائی را که پایه
ترقی ملك و ترفیه حال ملك و اسباب ثروت است
است بموقع اجرا و تطبیق در نیاورده و نمی آورد - تا
منها درجه اهالی دوچار سفالت گردیده و بسبب این
حال اسف اشغال يك روز اول اسباب زبردستی عمومی
اهل ایران فراهم آید و دولت ایران نتواند هیچ
کسانی ملت دیگر امتیازی بدهد که کاری جاری کند
الحاصل بسبب جریان حال بدین منوال میتوانیم
بگوئیم سرای شاهنشاهی در منتهای تنگی و بریفانی
گذران و حلق ایران رفته رفته و روز بروز وضع
گرفتار قهر و فاقه شده و میشوند - و معلوم است عوام
این حال منتهای آرزو و آمل دولت روس است - زیرا
دولت ایران با وعده معینی مدیون دولت روس میباشد لذا
روس تا بتواند اسبابی جنبه عدم اقتدار ادای وجه
از برای دولت ایران فراهم می آورد تا در حتم
وعده در مقابل ملویاتیکه دارد کاملاً استیلا نماید
و ملك حقیقی ایران گردد - و هم روسیه جنبه آنکه در
جلو رقابت متداک انگلیس و افکار متسهانه حکومت
هند سد و حائل بکند جنبه رواج و حقوق و ادخال
امتنه روس بر رواج امتنه هند شش ماه قبل از آنکه
اعلیحضرت شاهنشاه ایران بنیاحت لندن تشریف
به برند برخی مساعدات از دولت ایران طلب و عتیماً

امر مبارك بايد آنها را معزول نمود تايد بجهت عارض
على مناسب يافت شود -

خلاصه ترقى نظام در دوره مرحوم مشيرالاوله
واضح و برهه مبرهن و آشكاراست - چنانكه اختلال
اين وزارت معظمه قبل از آن مرحوم و بعد از او
نيز ثابت و ثابت - حالا سپهسالارى و وزارت جنگ
مستقله در ايران چنانچه اينگونه نتيجه ميبخشند - و چنان
در دول سائره مفيد و مستحسن است ؟ مطاي است
عليهده كه محتاج باوراق بلكه دفتراست - تنها ملاحظه
جنگ سرو با تركان مارا واعظ نصيبي است كه خبر
ميدهد از آنكه شجاعت و بهادري و دانائى قشون از
تاين تا سرتيب و امير تومان عمر نجهت ماداميكه وزير
جنگ در خيبره معقول مشرت وامرولم باشد - و شصت
هزار سرباز شاكى السلاح منظم در دست يك مشت
تركان وحشى بسروبا ذليل و اسير و مقتول ميكردند
تاريخ بيتى و ديگر تواريخ با نشان میدهده هرگز
در مملكت ما جز شخص شخصى پادشاه سپهسالار
مستقل در كار نبوده و افواج هراحيث را سردارى
مخصوص معين بوده حلكه هرايش خود را بلا واسطه
بمرض پادشاهى ميرساييد و جواب ميگرفتند - و در
موقع جنگ سردار كل شخص پادشاه بود - بدین سبب
در اغلب محاربات پادشاه بنفسه حركت ميكرد و ترتيب
اورد و را بر عهده خود مقرر ميداشت

لذا همودسبكتين هفت نوبت هندوستان را در ورديد
چه خودش سر كرده كل قشون بود - همچنين بقوب
ليت و امراء سامانى و ملوك خارزم شاهيه و چنگيز و تيمور
حق در دوره صفويه نيز دستور چنين بود - شاه اسماعيل
صفوى و شاه طهماسب اول اينهمه قشون ها را بدان
واسطه ظاهر ساختند كه خود رئيس قشون بودند - شاه
مجلس اول صفوى رحمة الله عليه مدت چهل و دو
سال سلطنت كرد هرگز سپه سالار مستقل نداشت -
بلكه اين نام را هم بر كسى ننهاد مگر در سنين اخير
كه با همانيان بطور سخت طرفى گرديد - در محافظت
ممالك شمال غربى و غربى - چون آذربايجان و
ارمنستان و ديوار بكر - وغيره وجود سردار مستقل با
عظمت لازم ديد - چنانچه قشونى خان و كجيك از

تمتيازى گرفته بود - دولت انگليس بوقت برده و همراه
لز اعليحضرت شهريارى استيضاغ ماده را طلب نمود
جواب دادند از اين كيفيت هيچ آگاه نيسيم و چنين
امتيازى بروس داده نشده

اصلاحات وزارت جنگ

(از شماره ۲۷)

(صورت رپورت مجلس شورى عسكرى خدمت)

(مرحوم حاجى ميرزا حسين خان مشيرالاوله)

بر حسب امر حضرت اجل اكرم در خصوص
لياقت و قابليت عارض از براى منصب سرتيبى از درجه
سوم مجلس شورى عسكرى تحقيقات لازمه را بعمل
آورده - پس از امتحانات عديده چه در مراتب علمى
و چه در مقام عمل - عارض از روى كمال صداقت و
راستى عرض نموده - لطايف فضاى را در مدرسه مباركه
دارالفنون فرا گرفته و خوب تحصيل نموده - و الحاق
مستحق و سراوار درجه سرتيبى سوم را دارد - و مدتها
نيز در اداره عسكرى خدمت كرده و مراتب پست تر
را طى نموده و در هريك از روى طيرت و بصيرت
و كفايت رفتار كرده و تكايف راجحه را بخوبى از
عهده برون آمده است -

ولى مجلس شورى نميتواند حكم بكنند كه امروز
بايد رتبه و مواجب سرتيبى سوم در حق عارض بر
قرار شود - مگر بعد از آنكه بداند خيال دولت چيست
و در اداره وزارت جنگ چند نفر سرتيب اول و
دوم و سوم لازم است - و آيا زياد از حد لزوم هم
صاحب منصب احتياطى ميخواهد يا نه - زيرا كه امروز
قدر كفايت و باندازه افواج سر كردگان موجودند و
نميتوان هيچيك را بدون سبب معزول نمود - و فعلا
على ار براى عارض موجود نيست - و اگر بقصد
احتياط اتحاد نماند ناچار در اين صورت افواج احتياطى
نيز بايد تبيه و تدارك نمود - و حال آنكه مالىه دولت
ايران هنوز وسعت اين قسم مخارج را ندارد

بلى بعضى از ارباب مناسب و سر كردگان ولايات را
تاكنون بمرض امتحان نياورده ايم و محتمل است در ميان
آنها برخى پيدا شوند كه قابليت و لياقت منصب كه باو
داده شده نشانته باشد - و بالارث يا بواسطه اداه تعارف
باين مقام بدرجة رسیده باشند - در صورت بر حسب

جهت تعیین حدود و وظائف این امر و رفع معایب و اصلاح مفاسد کتابچه که بمنزله یک قانون نامه کلی در رؤس مسائل نظامی باشد ترتیب داده شده. مواد آن اکیداً در مقام اجراء آید. ما سواد کتابچه مزبوره را که روزنامه رسمی ایران در شماره اول سال پنجاه و هشتم درج کرده در اینجا نقل میکنیم و در آینده بخواست خدا شمه از محسنات او را جهت استحضار خاطر قراء محترم بیان مینمایم

سواد کتابچه راجعه بعمل نظام

در این ترتیب جدید و عطف نظری حکم در اصلاحات دایرة قشون فرموده سرداران و رؤسای نظام را احضار و مقاصد خود طمان را در اجراء ترتیبات و قواعد جدید نظامی و مزید رونق و شکوه این اداره معظمه بالمشافهة للعلیه اظهار فرمودیم. قصد عمده و خیال اصلی ترقی نظام دوات و حفظ حقوق و تعیین حدود آنها و بداروی افراد طبقات نوکر است. و هر چند اجراء این مقصود فقط بصرف توجه شخص هابون خودمان و همت و غیرت رؤسای اعظام که بشاه پرستی و دولت خواهی ستوده اند میسر و مقدور بود. لکن برای سرعت پیشرفت این مقصود که تکلیف هر یک از رؤسای و رؤسین نظامی معلوم و در هر یک از ادارات لشکری تمام شرایط و لوازم آن اداره مرتب و مجموع باشد و هر یک تکالیف خود رفتار کنند و در اجراء نیات مقدسه ما خودشان را مسئول بدانند مطابق مقررات شفاهیه اینطور اراده فرموده ایم. که کلیه آحاد و افراد قشون از ارباب مناصب و رؤسای نظامی و سرکردگان و امرای توپان و سایر مقرات نوحکر از سرباز و سوار و توپچی و موزیکانچی و غیره و غیره تماماً با رعایت مناسبات کار و مقتضیات عمل و موقع در تحت دوازده قسمت منقسم و هر یک از سهام مزبوره حکم جامع تمام شرایط و ملزومات نظامی باشد بسمه یک نفر سردار واگذار شود. و در نظم و سیاست و صحت عمل و بداروی افراد آن قسمت شخص سردار در حضور هابون ما مسئول باشد. و چون مطابق این ترتیب هر یک از سهام دوازده گانه را بموجب دستخطهای جداگانه ب سردارهای قشونی محول فرموده ایم

امرای کرجستان و از عهد طفولیت زیر دست آن پادشاه بزرگ تربیت یافته بود بونی سپهسالاری کل قشون نامزد کرده بایالت آذربایجان فرستاد. و لکن یکسال زیاد طول نکشید. سپهسالار مزبور بحیث و مکر یکتا کرجی گفته و مقنول گردید. از آن پس دیگر بر این عهده منتخب فرمود. نادرشاه مرحوم نیز در دولت خود کسیرا بر این عهده منتخب ناماخت. و ریاست قشون را بر ذمه همت خویش مقرر داشت. کرم خان وکیل و آقا محمد شاه مرحوم نیز بهمین منوال سلوک نمودند. نایب السلطنه عباس میرزای مرحوم نیز خود سردار کل قشون جنگجوی بود و سایر پسران خاقان مغفور هم که عهده حکومت داشتند بقدر ضرورت قشون منظم در تحت امر خودشان نگاه میداشتند و ریاست کلیه با شخص پادشاه بود.

در این ایام اخیره بماتی که ذمعه کوش سبقت یافت عیوب چند در اداره وزارت جنگ پیدا شد. که هیئت نظام را از انتظام افکنده عاقبتی و حلیم انداز میکرد. و هرچه دولت در اصلاح آنها سعی مینمود فائده نمی بخشید. لذا بعد از ارتحال مرحوم و حیه الله میرزا سپهسالار اعظام و حقه الله عیبه حکم ترتیب مهام قشونی ناگزیر بود جناب صدر اعظم بنابر هتم وافی و حزم کافی در اصلاح امور ملک و ملت حسب الامر همین متوجه اصلاح این امر خطیر که مناط آسایش عموم ملت و موجب استظفار و بهت گیری دولت است گردیده بهتر و اقرب بصواب چنان دانستند که سپهسالاری مستقل مقرر نکرد و امور وزارت جنگ بچندین شعبه منقسم گشته هر یک بیک نفر سردار سپرده آید و هر کدام بنفسه مسئول ابوالجملی خودشان بوده باشند. دیگر مطالب نیز که اسباب عدم انتظام هیئت لشکری گردیده مرقع داوند

این معنی را در خاکبای اعلی حضرت اقدس شهبازی عرضه داشته خاطر بیضا مظاهر هیونی چنان تعلق یافت که ریاست کل قشون ظفر نمون را بر عهده شخصی شخصیت سلطنت مقرر فرمایند. و راپورتهای و دستورالعملهای لازمه و سایر امور را بنفسه بتوسط صدات عظمی ملاحظه و مقرر نمایند و هم بتوسط صدر اعظم ب سرکردگان ابلاغ گردد و

تکالیف و حقوق مطلقه اداره قهون را هم مطابق شرح ارقام مطاعه ذیلا معلوم میفرمایم

(۱)

علاوه بر احترامات معلومه اداره معظمه نظام که خود بنفسها دارای مقام عالی و مرتبه بلندیست نظر اینکه خود مان هم شخصاً از مبادی هر تجربیات کامله در اینکار حاصل فرموده فضل مجاهدین را بهم و عمل آموخته ایم با شوق و اراده طیبی ریاست این اداره جلیله را در تحت توجه و سرپرستی شخص مقدس خود مان قبول فرموده شخصاً در تصحیح اعمال و اصلاحات نظامی مراقبت مخصوص میفرمایم و در این صورت هیچیک از سردارها مسئول و محکوم و در تعجب دیگری نیستند و هر یک مطالب و مهیات اداره خودشان را بتوسط جناب اشرف صدر اعظم عرض میسازند و جواب میگیرند

(بقی دارد)

ترجمه از روزنامه منظمه وینه

اعلیحضرت امپراطور اطریش از ندسکاز اعلیحضرت شاهنشاه ایران دعوت نموده اند که در وینه مهان ایشان باشند. و تجدید عهد مودت فرمایند. این اظهار یگانگی امپراطوری دلیل بر محکم بودن مناسبات دولتی دواتین ابراه و اطریش و دو پادشاه ذیشان میباشد.

روزاجات وینه مینه یسند موقع و منزلتی است که جناب منظم الدوله در نزد اعلیحضرت امپراطور در عباس و محافل رسمی و غیر رسمی مملکت اشرفی حاصل نموده اسلافش را حامل نه بود. و میشود گفت که این مأمور با تربیت نیات مقدسه شاهنشاه خود را در حفظ ثنونات دولتی با نهایت حور به موقع اجرا میگذارد. و سعی رفتار کرده که همه عیبهای مملکت شیفته حسن اخلاق پشان میباشد. ترقیاتی که در مدت یکسال مأموریت جناب منظم الدوله در اتحاد دوات علیه و اطریش تحصیل شده. البیان دوات تحصیل نموده بو.

مکتوب از انزلی

جنابان سالار انجم درگیلان و انزلی و عبدالسلطنه در کرگان رود طوائف برای تشریفات موکب مسعود

هایونی فوق العاده بذل همت و مال نمودند. صکه این مهیان محترم و صاحب خانه معظم و ولی نعمت طالب امتیاز را بطور بسیار خوب و وقار و سکنیه وارد سرحد آستارا نمایند. عبدالسلطنه پسر کوچک خود سالار احمد را با یکصد و چهارده سوار الی منجیل باستقبال موکب هایونی گسیل داشت. و پسر دیگر خود ارفع السلطنه را نیز با یکصد و چهارده سوار با نزی - و یکصد و چهارده سوار هم خود همراه گرفته باستقبال موکب هایونی شنات - این ترتیبات عبدالسلطنه مورد تحسین است

ضرفام السلطنه رئیس ساخلوی سرحدیه طالش دولاب و آقای نصیر حضور حکمران بمقتضای تکالیف خودشان نیز در بذیرائی و تشریفات کوشیده و سلوک میکنند. دور بست اعلیحضرت اندس شهریاری روز هفتم شهر ربيع الثانی با نزی نزل اجلال فرمایند. چهار پنج روز در این سرحد معتبر توفه فرموده سپس از طریق سواحل بحر خزر با آستارا تشریف خواهند برد. از آنجائیکه هر یک از جاکران درگاه دولت ابد مدت باندازه که از قوه فعلی توانند آورد باید خدمت کنند. این بنده هیچ نیرزنده نیز از طرف سالار انجم مباشرت سیورسات اردوی گیوان شکوه مهین ندغام چه دو سال قبل هم این خدمت معنا هنگامیکه موکب هایونی بفرنگستان تشریف می برد متقبل شده بودم آن ایام وکیل الاجبار از طرف جناب نصر السلطنه سردار معظم رئیس سیورسات بود بنده نیز میسالم تحویل بودم. الآن بموجب سندی که از حاکم انزلی مهین دیوان مرحوم و سایر تجار ذوی الاحترام در اثبات حق خود در دست دارم یکصد تومان از او طلبگرم نشانیامه وکیل التجار خواهد داد و ما خواهیم گرفت

اومنه کم کم قلبشان در دوایر دولتی بروز میکند. خاصه در امور کمرک آنهایکه مصدر گادهای بزرگ کمرکی بود یوش یوش از خدمت مزول میشوند. چنانچه (خوباساریالس) بطهران احضار شده. برگشت او معلوم نیست و از خدمت معاف و هر چه در این میانه فائده برد مفت شستش (سمیولف) که سابق بنیانت مشهور خود با رانده خدمت بود و بطهران احضار

شماره (۲۸) ۲۷ ربيع الثاني (۱۳۲۳) - مجله دوازدهم - ۲۶ جون ۱۹۰۵ (صفحه ۱۹)

داده که این اشخاص تذکره روس را دزدیده اند. قونسل منحصر که آیا ایرانی و رجال ایران می تواند این طور هم حرف حسابی بزنند. وزارت جلیله خارجیه نیکو اعتراض و عقب فرموده. حاجی میرزا محمد ارباب ترویج که پدر دودار ایرانی بود تذکره تاهیت روس را در بخل دارد. محمد آقا پسر آقامهدی قاسم علاف رشتی بصرح ابناً. این اشخاص و دیگران که تاهیت دولت روس را قبول کرده بخيال خودشان می توانند کاری از پیش ببرند (سوخان) ارمنی ناجر باشی ارامنه کرمهت بجان بسته هر روز بدرخانه می رود و میگوید اینها جدشان بادکوبه بوده رشتی را بادکوبه گفته هیچ خجالت نمیکنند در ورود موکب هایونی بشاریان مهندس تعمیر کارگاه انزلی فتصلی بيك سلطان اوف خطابه خير مقدمی بدین عنوان قدیم نمود

خطابه خير مقدم

شاهنشاهها اسلاميان پناها

تاج و تخت شاهانه ات سيار قدیم و قويم است. و ممالك محروسه خسروانه خبلی وسیع - و ترونش بفايت فراوان - قطع نظر از سایر محصولات فقط از حاصل انگور و برنج این خاک پاک توان اروپ را ملو ساخت - و اگر تا کنون اجرای این مقاصد مفید معوق مانده است مسلماً بواسطه دو موانع بزرگ بوده یکی عدم انتشار علوم و معارف در ایران و دیگری فقدان طرق -

بمداقه باجازه و اقبال بی زوال ظل الهی هر دو شروع شده است - بندر انزلی سکه در زیر قدم مبارك است دروازه متین حصول این دو مقصود مقدس است - بلاشبه یکی از گوهر های ذیقیمت تاج کینی است - انشاء الله پس از اتمام درآبادی اول بندر معتبره بمر خزر خواهد شد - زهی سعادت که طالع مسعود و بخت میمون ترش این گوهر گرانبها را اتفاقاً بمهده جان نثار محول داشته است - باوجود اشکال و صعوبت فوق العاده این خدمت بزرگ که نیک مای و افتخار انجام آن فوق مفاخرتهاست متعهد میشود که حق الامکان قصوری در خطمات خود نماید و تقدیر را بهت و بی فائده کار و صرف نکند از طرف (مهندس کارگاه بوناژ انزلی فتصلی بيك سلطان اوف است)

گردید - بدرجائش افزوده شد - ریاست توجان و جابرای دیگر باو محول گردید - در واقع عجب هنگامه است در صورتیکه (مسیو و افلار) که آنوقت رئیس گمرک انزلی بود او را جواب گفته و خیانت او را بطهران راپورت داده چون بطهران رفت رفع اتهام از خود نمود (مسیو هانس) رئیس کرکات سواحل بحر خزر مأمور کرکات خلیج فارس شد - چندی است بمرکز مأموریت خود حرکت نمود - در مقام او مسیو (مونیور) ریاست کرک انزلی همین گردید - مسیو (مونیور) ماهی چهار صد و چهل هفت تومان و هشت قران و دهمشاهی از کرک ورودی مواجب میگردد - گویا بخواه تومان هم از پستخانه به علاوه دریافت نماید - من جمیع الجہات ماهی یا صد تومان مواجب و معاش گرفته که خدمت صداقت کند - کرک و بست و اداره صندوق که تحت انتظام کرک میباشد منظم است از هر سه دخل و فائده خوب حاصل میشود - خدا کند روز بروز ادارات دواق منظم تر گردد

شیراز

وقایع نگار جبل المتین از شیراز مینویسد - جناب معین هایون که سالهاست از خدمتگذاران مخصوص حضرت اشرف والا شاهنشاه زاده اعظم آقای شماع السلطنه میباشد دقتینه در خدمت گذاری بدولت و ملت و امور راجعه بنمود قصور نمیورزد شب و روز اوقات خود را بر انجام مهمان بندگان خدا وقف ساخته به نحوی که در این دو سفری سکه در شیراز آمده - خلق از جان و دل تمجید از حسن سلوکیان میکنند - هر مطلبی که واضح برقاء تامه باشد و ایشان استماع نمایند خودداری میکنند - هر عارض و معروض را که حضرت ایالت کبری بوی رجوع فرماید - رسیدگی و احتیاق حق بطریق کمال مینماید که عارض و معروض هر دو خوشحال میشوند - این وجود وطن پرست معارف دوست را خداوند باقی و برقرار گذارد

مکتوب از کیلانات

اشخاصیکه تبهه دولت روس شده و تذکره تاهیت آن دولت را در بخل داشتند بشدت گرفتار شده - در رشت کارگذار سخت به قونسل همسایه شاهی جواب

مکتوب از گیلان

سفر دوم اعلیحضرت اقدس شهر یاری دو ماه تمام بمرکت موکب شاهنشاهی مانده بود که فرمان مؤکد صادر شد. که جناب عبدالسلطنه حکمران طوائف از ازل تا آستارا راه را مسطح و مرمت نموده و هر جای لازم است پل تأسیس نماید. و مخارج آن پس از انجسام طریق از خزانه داده شود. جناب عبدالسلطنه که فطرتاً تکمیل او امر دولت مقبوعه خود را مایه اقتضای و اعتبار خود میداند و از آغاز عمر تا کنون خدمات شایان نموده و می نماید. بلا درنگ و درغ بانجام امر اقدام و در مدت معین کاملاً انجام داد. بدرجه که موجب تعجب و استغراب عموم گردید. چه مسافت این راه ۲۴ فرسخ است و هشتاد پل بزرگ و کوچک بسته بود. علاوه بر آن زمین رکاب شهر یاری از رور ورود بقلم او حکومت او تا خروج که چهار رور طول کشید مهیا بودند. و همه قسم آکولات و مشروبات و علوفه و آذوقه از طرف عبدالسلطنه تدارک شد. و احدی را عسرت و زحمت از کسی لوازم پیش نیامد. علاوه بجز اینها غالب امان و رجال دولت را علی الرسم در اخور حال و شأن تقدیمی پیش نمود و کسی مگر این خدمات ایشان نیست

امسال نیز یکماه قبل از حرکت موکب هاپونی مجدداً صادر شد که پاهای طریق مذکور که از شدت طغیان انهار بالمره خراب و معدوم گردیده تعمیر شود جناب عبدالسلطنه بمجرد استماع این حکم اقدامات مجدداً نمود. و عنریب انجام خواهد یافت و مسلماً این دفعه مخارج از اول پیشتر خواهد شد زیرا که وضعها تغییر یافته. و همه چیز بهسایت کران است. و قران ما نسبت ببول خارجه یعنی روسیه قدر و متزاق ندارد انشاءالله پس از عبور موکب هاپونی تمام فاسیل نوشته خواهد شد

طالشی دولاب

قصه است بین گیلان و طالش معسکه این عمل غالباً دزد و قلعاع طریق بودند سنوات سابقه حکومت این محل با جناب عبدالسلطنه بود پس

از آنکه مرحوم حاجی آقا رضا در آن ملک املاک قرا و بی کسان را بقیمت خیلی نازل خریداری فرموده صیانت و حفاظت املاک خدا داد خود را به چند نفر از یاقیان و طانغیان سپرد. رفته رفته کار بجائی کشید که هزاران نفوس از ابناء وطن دچار زحمت گردید. و چندین خانوار با آتش یفا سوخت. بر مبالغه هر يك از طرفین بالغ بر صد هزار تومان متضرر گردیدند. واقعا اگر از روی انصاف تاریخ این محل را کسی بنویسد اسباب عسرت است. طالب مردم ظنشان براین است که همه افشاشات و اختلافت از تعدیات جناب عبدالسلطنه میباشد و کثر اهالی از طرفداران حاجی آقا رضا تکذیب میکردند. ولی بعد از رحلت حاجی آقا رضا این مسئله بدرجه مکشوف و واضح گردید که احدی را مجال تردید نماند

چنانکه پارسال گذشته محض آسایش و رفاه سکنه آن سامان یعنی طالشی دولاب و رفع ظایفه از جانب صدارت عظمی حکومت آن محل به نصرالله خان مرجوع و محول گردید. و نصیر حضور هم تعیین شد که در آن محل تا آخر سال اقامت نموده برقرار و کردار نصرالله خان نگران باشد. پس از ورود بعمل شعبه بکار رفته که نصیر حضور با او همراه بدرجه که ماهی چند بوبت رضایت خود و اعمال پسندیده نصرالله خان را بطهران معروض میدارد و چون دو مقابل مدعی نبود امر مشقه گردید. و اهالی نیز از ترس و واهمه قدرت حرکت و یارای عرض و تعرض نداشتند تا اینکه دو ماه پسندیده کارها منشوش و محل محمل گردیده. نصیر حضور نصرالله خان را برداشته روانه طهران گردید. بمجرد حرکت ایشان زیاده از چهارهزار خانوار از محل کوچ کرده خالی گذارده و سرکوه و هامون و جنگل و بیابان گذاشتند. چنان این مملکت پریشان و اهالی سرگردان گردید که دل بینندگان آب والساعه نیز ویلان و سرگردانند تا اینکه موکب هاپونی برسد

چندی است نصیر حضور با نصرالله خان وارد رشت گردیده و فرمان حکومت محل زورور بهسبب نصیر حضور صادر شده است ولی محتمل است امسال طالبات آنجا وصول نشود زیرا که هنوز دست بزرگوار

تربت توشیز و ساژبلاد درباره این بلای مبرم داستانی میگویند. ایالت خراسان نیز حکم داده که در جمیع نقاط بتدابیر لازمه پرداخته در کشتن و اندام این حیوان مسامی حیله بکار برند. ظاهراً چندان نمره بخشد ولی در سبزوار امید است دفع این بلای مبرم بشود روزانه امیر اسعد معزالدوله حکمران صد تومان برای کشتن ملخ به حمایت میدهد. ازین گونه اقدامات خیر خواهانه محبوب القلوب شده احسانی پدر مهربان خطابش می نمایند.

گویا قصد احداث و افتتاح مدرسه عالی هم دارند که بطریق جدید اطفال قرا و ایام این شهر تعلیم ابتدائی بیابند شرح این ماجرا را انشاء الله می نویسم. یکی از ادبا قصیده فرائی در تعجید اقدامات عبادت ایشان الشاء نموده چون میدانم رسم نامه مقدس نیست که قصه و درج نماید فقط دوشم اور نوشته محض اینکه مودت تشویق گوینده گردد البته درج خواهد نمود

(امیر اسعد امجد معزالدوله)

(که دارد از کف رادش تالطمی همان)

(هزار به به ازین گل که گلشن هستی)

(از او ببالد چون سوسن هزار زبان)

چاه بهار

والاحضرت (سید فیصل) امام مسقط نجشبه چهارم ربیع الثانی سه بغروب طامه وارد بندر چاه بهار شدند حکومت کل بلوچستان و نمایندگی سیاسی ایران بعد از فیصله امور سرحدیه همیک بمركز مأموریت خود معاودت نموده بودند. چون چاه بهار حاکی متناظران ندارد آقا میرزا محمد صالح خان مدیر کل بنسادر بلوچستان بادسته فنگی و کبه باستقبال شتافته لب دوا صف بسته مقام احترام شدند. حین فرود آمدن ایشان از طرف ایرانیان خیلی اظهار بشاشت و شادمانی و شلیک شد و با کمال احترام ایشان را در بنگله وارد کردند. از طرف دولت علیه غایت احترام بعمل آمد غروب آفتاب در جهاز مخصوص خود نشان سوار و بجانب مسقط معاودت فرمودند. الحقی میرزا محمد صالح خان درین موقع کمال جانفشانی را نموده بمولت خود خدمت شایان کرد

و فلاحت زده و رعایا بالمره برانگنده شده و بسیاری متواری گردیده اند. عمده باعث نایره فتنه و دامن زن آن يك نمر است که از عدم شرم و حیاء مدعی مرجعیت و اعیانیت است و در گیلان این گونه بر شرمیها خیلی رواج است که باوجود نفرت مردم وعدم اعتنای حکومت و سایل بر انگیزته رشوت داده به ناظمی و ریاست مالک میرسد بهر حال منوژه منتهی نموده اند

سبزوار

مدیر جلالتین را زحمت میدهد. گویا اداره مقدس را در شهر سبز و قایح نگاری نیست که واقعات مهمه این صوب را اطلاع دهد. مات ابرایه را هموا چشم بنامه مقدسه روشن است. خریداران این شهر شهر را مثل مشترکین ساژبلاد حق آنست که نوشتن کوائف و واقعات آنجا را بنویسند. خریداران هر شهر همین که حادثات و واقعات شهر خود را در اخبار ملاحظه میکنند خورسند میگردند. و توجهشان بقرائت اخبار پیش می شود الحقی توجهات حکومت سبزوار در رقابت عامه و اقدامات دولت خواهانه قابل آن است که سر مشق ساژحکام و اسباب ترغیب دیگران گردد. هرگاه اقدامات عبادت جناب معزالدوله حکمران سبزوار در ایام وبای سال گذشته نبود شهر سبز يك دفعه از رونق افتاده بود. بالغ بر شش هزار تومان از کیمه خود صرف حفظ همه همومی نمود و در خیرات و مبرات عامه و تمزیه داری حضرت ابابهدالله الحسین علیه السلام دقیقه فروگذار نمود امسال که بلای ملخ خوارکی درین نواح کسب صومیت نموده خیلی در رقابت زراع و غیره کوشیده و از روی تدبیر و حکمت عملی به کشتن ملخ حکم نموده در توابع سبزوار و دهات روزانه دوست خروار ملخ می کشتند. و ازین تدبیر آفت و خساره این حیوان موزی نسبت بساژ بلاد خراسان کمتر است در شهر صفر ده روز کامل تمزیه داری مفصلی نموده همه روزه بغقرا و ضفا دستگیرهای عمده فرمود و اضافه بر دو هزار تومان صرف کرد. و اگر همراهی ایشان نبود غالب قرا و ضفای سبزوار فراری و متواری میشدند. از همه بالاتر حسن عقیدت این مرد است که تا کنون هیچ حاکی بدین صحت عقیده در سبزوار نیامده است امسال ملخ خوارکی در خراسان طامه ازینهارور

مکتوب از شیراز

حض حفظ مراتب حق گوئی روزنامه مبارکه
ذمت میدهد. دو نمره از جریده فریده مکتوبی که
از شیراز اداره فرستاده شده و تاریخ فرقه صفر داشت
مندرج بود گویا نویسنده خیلی بی اطلاع بوده که امر
باین وانحی را که تمام اهل شیراز آگاه و گواهند مطلع
نیود و کاری چنین آشکار را در پرده استار گذارده
واضح است روزنامه نگار و مورخ باید در صحت گفتار
بگوشد و سخن هر کس را قبول نه نماید و مطالب
واضح را در اظهارش نبوشد که گفته اند (چون عرض
آمد هر پوشیده شد)

جناب عالی که اساس ترقی را محبتین مؤسس و مدرسه
دانش را اولین مدرس چشم وطن پرستان را نور و قلب
غیر نمندن را سرورید. بدیهی است شرح بیخبرانه من
بنده را که یکی از هوا خواهان معارف است در نهایت
اطمینان خواهید پذیرفت و بگوش قبول خواهید شنفت
باشا و کلا جناب قوام الملک که قریب پانصد سال ابا عن
جه در فارس غالباً نیابت داشته که شعر خواجه
در بای اخضر فلک الی آخر شاهد حال است و گواه
این مقال و سمع پدیری به اهل محاکت دارد بتوان
بعض نسبتها داد. و حال آنکه حسب الایام ولینعمت زاده
کل شاهنشاه زاده آزاده شعاع السلطنه از مسامی جبهه
خود و اولادشان درین نقطه وغلا که برای اهالی عظیم
بلانی بود رجال و نساء این بلد در نعمت و فراوانی
و راحت بسر بردند. تمام اولاد اجداد و کسان و
خویشان ایشان هم همه قسم رسیدگی و سرپرستی از
زبردستان مکرده درین مدت جناب سالار السلطان
بیکر بیکی که رضای خالق را در خدمت خلایق دانسته
اوقات شب و روز خود را در تهیه غله صرف کرد
لحاظ از شرایط کفش و کوشش را فرو نگذاشت و
آسایش خلق را بر راحت خویش ترجیح داد جناب
نصرت دوله نیز آتی لغافل نوزید تکامل نکرد همچنین
انتظام الملک فرزند جناب سالار السلطان با وجود سفرین
خدمات نمایان و زحمات بیایرا متحمل و ازبام تا شام
در دکا کین عبور نموده بمردم نان میرسانیدند بحقیقت
انسانیت قسم که اگر اشاره حضرت اشرف ولینعمت
زاده کل و اقطاعات جناب قوام الملک و فرزندان او

نبود بسا نفوس محترم که از بی قوتی بهلاکت میرسید
و رحمت بدیگر سرای میکشید. درین غوغا که جنس
حکم - پیرغ و کیمیا پیدا کرده بود از حسن اهتمامت
صنیر و تیر برنا و پیر در فرانی بسر برده خصوصاً
هریک از آقایان سابق لذکر مبلنی هنگفت از جیب
قتوت و کیسه مهوت خود آرد خرید. بجزازان داده
که بمردم ناندهند. وجهی را از جنگل مرگ برهاند
دوینغ است با این همه زحمات و همراهی این
خاندان که اظهر من الشمس است بجناب عالی امر را
مشبه نموده اند همین اندازه در بی اطلاعی صاحب
مکتوب بس میباشد که هفت دکان در تقسیم بنام جناب
قوام الملک نوشته شد صاحب مکتوب یکی بیشتر قلم داد
نکرد و جناب ملک التجار هم سه دکان آرد میداد یک
دکان نوشته سالار السلطان فقط پنج هزار روپیه دوینغ
راه بذل نمود

تکرات

(۱۲ ربیع الثانی - ۱۶ جون)

§ وزیر بحری روس (سیو آویلان) از عهده خود
استغفا نمود
§ امپراطور روس انکار فرموده اند ازین که فرقه
اصلاح خواهان (زمستوز) را هیچگونه تصرف و
اختیار در معاملات بتیک داده شود. اظهار شده آنها
را لازم است ترک تصرف در معاملات بتیک گویند.
برخی از خواهشات آنها منظور شده اصلاح خواهان را
تغنی حاصل نکرده است. چون اعلیحضرت امپراطوری
نایندگان فرقه (زمستوز) را نیکو پذیرفته و احترام
فرموده امالی را منظور است که امپراطور رضا با اصلاحات
ملکی داده است

(۱۳ ربیع الثانی - ۱۷ جون)

§ خبر (روز) از (واشنگتن) خبر میدهد که بذریعه
دولت انزونی بین دولتین روس و ژاپون ابواب محاربات
جاری و مواد صلح بطریق خاطر خواه پیش می رود.
برای معطل داشتن جنگ در منچوریا نیز بخت در پیش
است که (مارشل اوپاما) و (جنرال لینوچ) برورقه تحلیله
جنگ دستخط نموده تا شرایط صلح در واشنگتن
فیصله پذیرد

§ این امر تصفیه پذیرفته، که (مارکویس اینو) لزجانب

(۱۰ ربیع الثانی - ۱۹ جون)

§ وقایع نگار (دلی تلگراف) از (توکیو) می نویسد که اداره جنگی روس برای قوت خویش قشون ذخیره را جلو انداخته - قاصدهٔ مقدمهٔ الحیش اردوی (جنرال کرووی) بارهٔ روس هفت و نیم میل است § مرض هیضه در (هارین) شیوع یافته روزانه صد نفر را تلف می نماید بچاه و شش هزار نفر بمرج و بیچار در آنجا موجود است

§ اعلی حضرت امپراطور روس امروز مرض داشت فرقه (زمستوز) را یافته چگونه و تمصیل آن غیره معلوم است

§ سفیر ژاپون برتیس جمهوری دولت اتانزونی خبر داده که وزیر مختار ژاپون برای مذاکرهٔ صلح قبل از آگست نمیتواند حاضر شود - لذا اگر دولت روس راضی باشد از نیمهٔ آگست شروع بگفتگوی صلح خواهد شد § سفیر روس را همینکه رئیس جمهوری اتانزونی طلب نموده در مادهٔ صلح بحث کرد اظهار داشت که دولت روس را در بارهٔ صلح ابدی عذری نیست

§ دولت انگلیس از شرکت کافرلس (مراکو) قطعی انکار کرده انکار دولت انگلیس این مسئله را مهم و تا درجهٔ مهم خواهد داشت

§ دولت فرانسه عشون خود را با تمام قوهٔ خویش در سرحد موجود داشته ایام تعطیل سرداران را نیز نسخ نموده جملهٔ او طلب داشته است

§ روزنامهٔ (طمس) در رأی خود مینویسد که قبل از استعفیای وزیر خارجهٔ فرانس (مسیو دلکاسی) قرار یافت که دولت فرانس از شرکت در کافرلس (فیض) ابا و امتناع نماید - در طی این مقال (طمس) مینویسد که دولت انگلیس بتناسبات سیاسی مجبور است درین مسئله دولت فرانس را تنها نگذارد

§ وزیر خارجهٔ فرانس (مسیو روپر) و برنی (ردولین) سفیر آلمان همروزه ملاقات مینمایند - ظاهراً مسئلهٔ مراکو را موضوع بحث دارند - همین قدر معلوم شده که دولت فرانس در صورتی رضا بشرکت در مجلس کافرلس مراکو خواهد داد که دربارهٔ آن بین دولتین آلمان و فرانس معاهدهٔ جدید بشود این معاهدهٔ مبنی بر کدام شرایط باشد معلوم نیست

ژاپون و (کونت نیدرف) از طرف روس وزیر مختار صلح مقرر شده اند

§ وزارت خارجهٔ روس انکار نموده از افواهی که شهرت یافته که روس دربارهٔ التوای جنگ با امریکا مخبره نموده و خواهش کرده است

§ واشنگتن فقط مرکزی است که اخبار صلح از او انتشار می یابد - تا کنون امور صلح محدود بگفتار است یعنی عملاً هیچ پیشرفت نکرده است

§ چنان معلوم می شود که وزیر خارجهٔ فرانسه مسیو (روپر) تدوین سیاستون فرانس را در سختی و شدت آلمان مدنظر گرفته نرود در ره و قبول از شرکت به کافرلس مراکو دارد - با اینکه انگلیس او را همه قسم اطمینان بهمرامی و همراهی داده است

(۱۴ ربیع الثانی - ۱۸ جون)

§ جنرال (لینویچ) خبر میدهد که ژاپونیان (لیویانک) و (پنک) را با یکدستهٔ سواره و سی دستهٔ پیاده و چهار توپخانهٔ منصرف شدند - جنگ از نیمهٔ شب شروع شده و ساعت هشت صبح لشکریان ما شکست یافتند و نیز ژاپونیان بطرف (ناکانگ جن) و (منسن) پیشقدمی نموده اند - درین رپورت ذکری از تفصیلات روس نشده است

§ امروز در بتسبرگ مراسم فائحهٔ برای مقتولین (شوشیا) یعنی عملیات بحری روس بعمل آمده بسیاری از شاهزادگان بزرگ شرکت کرده اند

§ دولت روس مجدد سی بلخ نموده که جایگاه مخبرهٔ صلح را تغییر دهد - جواب کافی شنیده بر آنکه محققاً دولت ژاپون انکار کرده که مجلس مذاکرهٔ صلح در پای تخت یکی از دول اروپا منعقد شود (در حقیقت انکار ازین معنی انکار از صلح است اگر روس قبول ننماید)

§ بموجب خبر رسمی که در (توکیو) اشاعت یافته - بتاريخ ۱۶ شهر جاری ژاپونیان قشون روس را از (لیویانگ) و (پینگ) بیرون کرده سواران روس با کال بی نظمی بجناب شال فرار نمودند - و توپ خانهٔ ژاپون از عقب صدمهٔ زیادی بر آنها وارد آورد - تقمان روس بسیار بوده مقتولین و مجروحین ژاپون درین میدان صد و شصت و پنج نفر کشته آمده است

شماره ۳۸۹ (۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۲۶ جون (۱۹۰۵) صفحه ۲۶

نموده سخت اعتراض کرده نظرات رسانه جاری است - این نوبت با کمال شدت پروسیان اعتراض خواهد شد - چه روسها قول داده اطمینان بخشیده بودند که ازین و بعد اینگونه حرکات رهوشانه از آنها سر نخواهد زد

§ دبی تلگراف از (توکیو) خبر یافته که ژاپنیان جلو ریز بافتح و نصرت جلو میروند - برشمال و چین اردوی روس خسار عظیم وارده آمده عما قریب است که خبرهای مرغوب از میدان جنگ برسد

§ رسماً اعلان یافته که از طرف دولت روس برای انجام و امضای عهد صلح (مسیو نلیدوف) وزیر مختار مقرر شده است

§ خبر (روتز) از (سدنی) خبر میدهد که یکی از جہازات (کروزاز) روس (لوزن) نام جہاز آلمانی را گرفته پس از ملاحظه کاغذات و تلافی کامل رها نموده است

(۱۸ ربیع الثانی - ۲۶ جون)

§ خبر روتر از توکیو خبر میدهد که دسته قشون ژاپون در شمال کوریا نام (کاوگان) را قبضه نموده با چند هزار اشکر و توپخانه بطرف (سیوسانگ) که در پست میل شمالی واقع است عودت نموده اند

§ در (لاز) عملیات با کمال شدت بتزاقان که ظلم و ستم را از حد گذارنده بر سر برده بالغ بر پنج هزار عملیات در توجه و بازر باواز بلند میگفتند (حکمشید این ظلمان مستبد پسندوا) و گردش مینمودند غفلتاً سواران بر سر آنها ریخته سخت شلیک کرده جماعت را منتشر ساخته درین گیرودار هشتاد نفر مقتول و صد نفر مجروح گردیده اند

(۱۹ ربیع الثانی - ۲۷ جون)

§ می و هفت هزار نفر بقصد غارت ارامنه در قسبات اروار حرکت نموده ظلم و تعدی را به پایان رسانیده در یکی از قسبات که با این جماعت مقابله و در برابر شان خود داری کرده اظهار حیات نموده اند صد نفر را بقتل رسانیده قشون سرراه بر آنها بسته است صد هفتاد نفر آنها را گرفته از بادکوبه نیز بیخیزر سوار بر کرا بلوی رفته است

§ شاهزاده و شاهزاده خانم (اریسواوا) بمسیو (روور) وزیر خارجه فرانسه خطی نوشته از شرکت خود بکاترالیس (مراکو) عذر آورده ضمناً اظهار داشته حکم این امر لازم بود معین شود که در این مجلس چه گفتگو و بحث خواهد شد

§ خبر (رون) از (فیض) خبر میدهد که اعلیحضرت سلطان (مراکو) خلیل از دولت فرانسه خشمگین شده چه دولت مشارالیه ورود اسلحه جنگی و قورخانه را برای قشون سلطان ممنوع داشته - و بمخالفین دولت مراکو اسلحه و قورخانه تقسیم نمیاید - سلطان مصمم شده که کیسیون فرانسه را از (فیض) خارج نماید - سال گذشته نیز سلطان فرانسویان را بدین سخنان مرغوب میداشت - ولی بحرف گذشت امسال که با آلمان و همراهی لو پشت گرم است باید دید این امر از قوه فعل خواهد آمد یا نه

(۱۶ ربیع الثانی - ۲۰ جون)

§ اعلیحضرت امپراطور روس برئیس کیسیون (زمستوز) خبر داده که عزم جزم امپراطوری این است که در ماده خودشات شما يك مجلس قومی فراهم آید - این مراسم رسمی بوده و نام سه نفر از یترسبرگ هم در او درج بوده است

§ (پاس تروپتس) تا نیم ساعت کامل با اعلیحضرت امپراطور روس درباره حال جگر سوز روسیان حضوراً بحث نمود - سخنان وی بر امپراطور خیلی اثر کرد و خیلی تأسف بر کشتگان فرمود خصوصاً برگشتگان (شوشا) اعلیحضرت امپراطوری فرمودند که هماره عزم ملوکاهام این بوده است که در روسیه يك قوم و جمعیتی را برانگیزیم تا در میان مات پشت و نناه درات باشد - و من امید میبایم که فرقه زمستوز آن قوم و جماعت شود - و در کارهای مهم این فرقه دولت را امری نباید تا مات و دولت روسیه متحد و متفق گردد

§ هیئت کیسیون (زمستوز) از فرمایشات امپراطوری خیلی خوش وقت و سرور گردیدند

§ حسن یذرات اعلیحضرت امپراطوری از هیئت کیسیون (زمستوز) اصلاح خوراها (و وعده حتی که در لجرای اصلاحات ملکی و مالی داده اند نکته مهمی است که تا بیخ روس مالی او را نشان نمیدهد و برای آئینه ملت و دولت روس نتایج نیکو خواهد بخشید

§ بنک دولت انگلیس قبل از آنیکه با آلمان مشوره نماید شرکت در مجلس کاترالیس مراکو را با و متاع نموده دل است بر اینحکمکه هم قسم همراهی درین مسئله با فرانس دارد

(۱۷ ربیع الثانی - ۲۱ جون)

§ مستر بلفور صدراعظم دولت انگلیس در دارالشورای ملی بیان نموده که دولت انگلیس درباره جہاز (سنت کلدن) که یکی از کشتیهای موشک شکن روس خرق

چهل و نهمین سالگرد

از حرکت و سر با بلا استثناء ابوت اخبار (مقدم گرفت می شود)

قیمت اشتراک

مدیر کل کالج استریت غیره

روزنامه مقدس

سالانه — شش ماهه

تکلیف امور اداره با

هند — و برمه

مدیر کل مؤبدالاسلام است

۱۲ روپیه — ۷ روپیه

منتظم اداره

ایران و افغانستان

آقا محمدجواد شیرازی است

۴۰ قران — ۲۵ قران

هر دو شنبه طبع

عثمانی — و مصر

سه شنبه توزیع میشود

۵ عیدی — ۳ عیدی

تاریخ دو شنبه

اروپا — و چین

سنه ۱۳۹۱

۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۳ هجری

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

مصادف با

روس و ترکستان

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

۴ جولائی ۱۹۰۵ میلادی (طریدار نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

سیاسی • مکتوب از بو شهر • مکتوب یکی از غیرت مندان • مکتوب یکی از ارباب غیرت • مکتوب از وشت • مکتوب • اصلاحات وزارت جنگ • جغرافیای ایران • حواللی ارسال فی الامین رسول • امور احتسابیه طهران • حقوق المرأة و حریت النسوة • تکررات

سیاسی

طمانه دول فرنگ خامه انگلیسی و روس در ننگ آسیا - و شامشاهی این حصه وسیع منبتة کره خای ساهی و جامد - و دقیقه در پیشرفت مقاصد و مسابقت در این میدان فروگذار نه نموده - و در بذل مال و منال و صرف تدبیر و پتیک لطل و تکامل روا نمیدارند - اعظم قطعات آسیا مملکت وسیعته چین است که از جهل سال باین طرف - بنی از زمانیکه پای فرنگان به عتاک نددونی آن دراز - و ابواب تجارتشان بدانجا باز - و از غفلت چینیان و کسالت امنای مملکت و اغراض رجال دولت واقف گردیند - یک مرتبه بدان صوب رخ آورده - بی یاسم روابط تجارتی حفظ تجارت خویشی خواست - دیگری بنام مسایکی استقلال سیاست خود را خواهان گزیده - آن یک چنان مانع طرق منافع بطلب امتیازی تقام نمود - آن دیگری دعوی کرد

که چون من با فلان دولت رقیب و در مقام شان و منزلت همراز و همم مطابق قانون سیاست حقوقشان درجه تساوی را دارد - هر حق که او را حاصل من نیز مستحق و مستوجب - چون ملک وسیع و قلمش بسیار و اروپائیان را یقین کامل حاصل بود که بدو آنگونه بطلب جمیع آن منافع و تصرف کلیه آن مملکت وسیع مقتدر نتوانند شد - با همه اختلاف خیال و تباعد مقاصد و حرس و طمع که در خیره شان موجود بود و در پیشرفت مقاصد یکدیگر در چین متحد و متفق شده - هر یک هر دعوی نموده دیگران تایید کرده شهادت بر حقانیت وی دادند - همان حکایت (کلامش از نوبایش از من) پیش آمد و بر اطراف این گنج در بست و حول و حوش این خزینه سر بهر حلقه زده - هر یک تجسس مینمودند و پیشدستی میکردند حکه مفتاح حقیقت این گنج شایگان را چنگ آورده خویششان را طلق بالاستحقاق آن ذخائر هنگفت قرار دهند - در آن میان بمناسباتی چند دولت روس بلب این نعمت را بروی خویش گشوده دیده و بر عبا قدم جرات و جلالت پیش نهاده - و بکلید جبارت این قتل را باز خواست - که ناگاه طلسم هوشرانی نمودار - و از دهای دستان واپون که حیا و نعتی حافظ این گنج قرار داده بود معان باز کرده روس را بکام

بخلاف حکومت هند مطیع و متسام خود تواند قرار داد جنگ با انگلیس و آنکی بر سر هند مسئله سهل و آسان نیست. این همان مسئله است که نابلیون اعظم نیز حسرتش سر بلند نهاد. و پسر کبیر در آرزوی آن پدروانگی شهرت کرد. و یکصد سال است سلاطین روسیه راه چای این مقصود اند تا کنون از روی سیاست قدیمی پیش نیامده اند.

برخی از سیاستپون را عقیده این است - مسئله حمله بر هندوستان خواست که تمیزش توسعه ممالک و حصول مستعمرات جدید انگلیس و روس می باشد. از یکطرف انگلیس با اسم اینکه دفاع روس بر ملازم است بر مستعمرات خود می افزاید. و مانند موج دریا یکی را بدیگری متصل میسازند. و وجه را بهمدیگر پیوسته می خواهند. و دامنه این تسلسل بکجا منتهی شود خلفا دانست. از طرف دیگر روسیان از چهار جهت دست تطاول بر اطراف و جوانب انداخته دلیل حقانیت خود را این قرار میدهند که ما را مشوق است دل آرا و شامدی است جهان آرا که در جنگال رقیب دلاور و دشمنی حیه و گرفتار گردیده و ما را از طی این طرق و قطع این مسالک و تصرف این ممالک ناچار نموده است ولی چون حقیقت امر را کشف نماییم و این قطعه موهوم را بشکافیم خواهیم دید که این دو دولت را میزان قوت و عظمت و خسارت مأموله جنگ اجازه نمیدهد که بیک دیگر پیچیده خویشتن را بمخطره عظیم اندازند و این رقابت ظاهره بک گونه پاتیک مفیدی است روس و انگلیس را در تسخیر ممالک ذاتالین تا بیکدیگر رسند. و بدون هیچگونه مخالفی ندای صلح و آشتی در دهند. مانند رقابت دیرینه و همچشمی قدیمه انگلیس و فرانس در مصر و مراکو و سایر ممالک متنازع فیه حکه باهماد و یگانگی تبدیل یافت. حله این خواها را برای ما دیده و این همه هیا هوها برای (دردن لحاف ملا نصرالدین است).

فلا نقطه که محط نظر سیاستپون غرب و میدانی حکه محل تکاپوی غربین است هانا ممالک ایران میباشد. که عنقریب پیش از پیش مغربیان هجوم بدان سوی خواهند نمود. مسئله شرقالشرق که اوده سال با این طرف موضوع بحث قرار یافته سپر بلای برای ایران بود. و میتوان گفت موقع بسیار احمی برای ایرانیان بودی که برابگان گنوا بینند. - اینک که مسئله

در کشید. و چنان او را فشار داد و در هم شکست که مایه عبرت و مورث حیرت جمیع دول غربیه گردیده. بیذت اجتناع این هوس را از سر بدر و به یکنزبان گفته و میگویند (نه شیر شتر خواه نه دیدار هرب) کبه عطف عنان توجه از آن صوب نمودند.

قطعه دیگر آسیا که تالی مرتبه چین بلکه به برخی مناسبات بالا تر آن است هندوستان میباشد. که از بعد خروج (نادر) از هند انگلیسان اندک اندک متوجه شده از صد سال با این طرف مانند ازدها خود را بروی وی انداخته. درین قطعه نیز دول ساثره اردور دست حسرت چون مکس بر سر گذارده اند. اگرچه گاه بگاه برخی از غربیان را هوس در آغوش کشیدن این شاهد شنگول شکرین دهان یاقوت لب بسر افتاده حرکت مذبحی عوده اند. ولی چون در راه وصال بدین مشوقه طلائع طلسمهای رنگارنگ ملاحظه میبایند از حسی و حرکت افتاده. عاشقی خود را به بهار انداخته اند.

امروزه میدان تکاپوی غربیان تنگ شده. و خیالات غیر محدودشان محدود گشته. در اروپا جرئت نالت بیکدیگر ندارند. و هرگاه هم یکی بر دیگری حمله نموده غلبه جوید. ساثر دول از طرف خود با اسم نگاهداری میزان اعتدال قوی او را باز میدارند. افریقا را که بین خود تقسیم کرده نهایت برخی بر سر وارد. و بعضی دخلق بر حصه برده اند. - میتوان گفت در افریقا قطعه که دست اروپائیان روی او نباشد باقی نمانده. - (مراکو) بک دولت قدیم مستقل بود که او نیز اینک موضوع رقابت فرانسه و آلمان واقع شده.

در ممالک امریکا گنجایش دست اندازی اروپائیان نیست و احدی را جرئت پیش قدمی بدان صوب باقی نمانده پس میتوان گفت که فقط میدان تکاپوی اروپائیان منحصر گردیده بممالک حول و حوش آسیای وسطی - افغانستان که در تحت اثر حکومت هند و فشار دولت انگلیس است. چون دولت مشارالیها حق حاکمیت خود را بر او مسلم داشته. هیچ دول غربی را با او باب مخابره باز نیست. و راه مکابره هم ندارد. ظاهراست بهمن قسمها در فشار انگلیس باقی خواهد ماند. شکست روس در اقصای شرقی تسلط انگلیس را در شرق وسطی زیاد نمود. و خارج از قیاس است که تا پست سی سال دیگر روس تصور جنگ با انگلیس را نماید. و با بزور و زر افغانستان را